مجاهد

نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

سال اول ـ شماره ۹ ـ دوشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۸ ـ تکشماره ۱۵ ریال

اعلام جرم مجاهدین خلق ایران (شاخه مشهد) علیه آذری قمی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دادستان کل انقلاب اسلامی

مجاهدین خلق ایران شاخه مشهد بدینوسیله نسبت باتهامات عنوان شده از جانب آقای احمد آذری قمی مندرج در کیهان ۳۱ مردادماه سال جاری و افترائات و تحریکات رادیو تلویزیونی جمعه شب سوم شهریورماه نامبرده برعلیه سازمان مجاهدین خلق ایران، اعلام جرم نموده و تقاضای تعقیب ایشان را دارند. توضیح اینکه اگر این شخص توانست کمترین اتهام سیاسی و مالی را نسبت به مجاهدین اثبات نماید از شکایت خود صرفنظر می نمائیم.

همچنین برای اثبات عدم غرضورزی شخصی خود اعلام می کنیم، چنانچه نامبرده لااقل حاضر باشد از طریق وسایل ارتباط جمعی، اتهام کذب سرمایه داری و داشتن ثروت بی حدومرز را که علیه ما این پرعصمت ادعا نظامی عنوان کرده بپس بگیرد، بازهم اتهاماتی را که علیه خود ما عنوان نموده نادیده گرفته و شکایتمان را پس خواهیم گرفت.

با احترام ـ مجاهدین خلق ایران (شاخه مشهد) ـ ۵۸/۸/۷

بمناسبت عید قربان:

"ضد ابودی" اینست معنای تحت اللفظی "فدا و قربانی"

در صفحه ۴

روستای "طرق" نمونه‌ای از روستاهای استعمارزده

در صفحه ۳

تبریک به حسن تشخیص زندانیان سعادتی

در صفحه ۴

چرا به هشدارهای مکرر شوراهای مردمی توجهی نشد؟

در صفحه ۴

مفهوم تنهایی

ما معتقد بودیم که ضعفهای سیاسی ـ تشکیلاتی این انقلاب فقط تا حدودی از طریق ارتباط مستمر رهبری آن با نیروهای مختلف سیاسی و تشکیلاتی قابل جبران است

پیوسته ابراز امیدواری کرده بودیم که امام فارغ از هر حزب و گروه بخصوص، ولی در ارتباط با تمام آنها قرار گیرند. زیرا سرپوش کشوری با احزاب و گروهها و اقوام مختلف قبل از هر چیز مستلزم نقش پدرانه و بیک چشم دیدن تمام آنها در زندگی روزمره است. نقشی که به هیچ وجه با مواضع خاص اعتقادی خود امام نه تنها در تناقض نیست، بلکه مکمل آنست.

به قسمتی از تبریک مجاهدین بلافاصله بعد از رفراندوم جمهوری توجه کنید:

حضرت آیت‌الله، پدر گرامی،

شما دریکی از دوران سازترین مقاطع تاریخ این سرزمین در مقام رهبری قرار دارید این انتظاری عظیم و مسئولیتی بس عظیم‌تر میباشد.

مسئولیت پدری و دفاع از حقوق تمام مردمی که در سراسر این میهن زندگی میکنند. صرفنظر از اینکه این مردم و این نیروها، کردند یا ترک یا فارس و بلوچ ترکمن و عرب و... صرفنظر از اینکه شیعی مذهبند یا اهل تسنن، صرفنظر از این که اینطور می‌اندیشند یا آنطور، زن هستند یا مرد.

آری امروز در سراسر این میهن تمام این مردم و این نیروها در احقاق حقوق خود تنها "چشم به شما و برادرتان حضرت آیت‌الله طالقانی دوخته‌اند. چشم دوخته‌اند تا عدل و دادی را که تحت رایت اسلام وعده کرده‌اید به چشم ببینند و با دست لمس کنند.

پس شما همچون پدری هستید برای تمام مردم ایران و در ورای تمام اختلافات گروهی و قومی و مسلکی تمام مرزندانتان. البته بدیهی است که قرارداشتن شما در ورای تمام احزاب و نیروها بطور اعم هیچ مباینتی با مواضع اخص اعتقادی ندارد و بل مکمل آن است.

پس هرگز مباد که عناصر ماجراجویانه با سنگر گرفتن در پشت سرشما و بهانه شدن در پشت ارزشهای شما، که ارزشی متعلق به عموم مردم ایران است سر خود گیرند و کارخود کنند. کاری که در نخستین قدم همچنانکه دیدید و ورودتان به ایران نیز کتبا" معروض داشتیم با دورگردن نیروهای اصیل از کنارتان انگشت‌شمار است.

اینجاست که مجاهدین خلق ایران پیرو تاین مطلب را که بارها اعلام کرده‌اید سخنگو و نماینده، اختصاصی ندارید، با دیده ستایش و تحسین نگریسته‌اند. چرا که برای ما مهم اینست که توده مردم شما را به‌عنوان اختصاصی دهبران زاتحادیه علی علیه اسلام اشاره دارد) نگیرند. آنجا که درنهج البلاغه میگوید:

"فَمَا کَانَ فِی الْتَّأَسِّی لَکُمْ تَعَزِّیَةٌ عَنْ مُصِیبَةٍ لَهُ فَتَأَسَّوْا"....

ملاحظه میگردد که با اعتقاد امام صرفنظر از مواضع خاص عقیدتی و مذهبی

بقیه در صفحه ۲

هشداری پیرامون چپ روی و چپ نمایی

پیام مجاهدین به مارکسیست های اصولی:

مطلق کردن تضاد با سیستم حاکم، و نادیده گرفتن مطلق مرزهای وحدت با بورژوازی کوچک، چیزی جز اپورتونیسم و انحراف نیست، و نهایتا بسود امپریالیزم خواهد بود

نمی‌خواستیم پرونده "اپورتونیستی چپ‌گرائی‌های کاذب را بگشائیم برخی از این پرونده‌ها که از صدر مشروطه سابقه دارد تا نقدر عفونت بار است که بازگشائی آنها پیکر زخمی سازمان مادلانه خلق را بیشتر شقه تر میکند. لکن مساله تا آنجا که به ما مربوط میشود نرسد مگر دن گذشته های چپ‌گرا بود "چوب زدن به مرده میت بلکه دقیقا" درس آموزی و عبرت اندوزی برای امروز و آینده را در نظر داریم.

چهار سال پیش نیز وقتی بر عملکرد فوق العاده انحرافی چپ نمایان در قبال سازمان خودمان ایراد میگرفتیم، امروز و آینده را در نظر داشتیم. یعنی روزهائی که از سد بهای افسار گسیخته ارتجاعی ـ که از آن کوته مطلقگردها دست آویزهای بسیار جسته‌اند ـ سر از پا نشناسند و نرود خنگ را باهم سرو آنند

ولی صد افسوس که نغمه "تیره" اپورتونیستی آن روزها امروز بسیاری شنیده کرده بود اجازه نمی‌داد که فرق "خدمت" و "خیانت" و یا "تکامل" و ـ "انحراف" باز شناخته شود. البته آنروزها که بسیاری فرصت طلبان غرفه در شادی ماهی از مثلاثی کردن سازمان ما سر از پا نمی شناختند. بکار بردن کلمه اپورتونیست گناهی عظیم و نابخشودنی بود که گاهان میاید فرصت طلبی برهیچ ملای غیرمارکسیست روا نمی داشتند.

اما مرور زمان صحت تشخیص ما را در آنچه انحرافی با فرصت طلبانه نامیده بودیم به اثبات رساند. و ـ متاسفانه ثابت شد که این ما هستیم که بایستی حسارتا" برخی بخش‌ها و روابط از نظر افتاده مارکسیم را مجددا" به بعضی‌ها متذکر گردیم. من جمله مسادیق فرصت طلبی و انحراف و اصول عام حاکم بر یک مبارزه ضد امپریالیستی خلق را.

ولی چه سود که بعضی ها همیشه دیر از خواب بیدار میشوند به عبارت دیگر، هر چند یکبار از گذشته ها نداشت کرده و عقب ماندگیشان را جبران میکنند ولی متاسفانه بارهم مطوطی را در پیش میگیرند که فردا بازهم ندامت خواهند داشت. البته ما همیشه از دهان شدن و انلاف وقت در رابطه با برخی سیروها (چه دست راستی و چه مطلقا هر چپ) پرهیز داشتیم. اما موارد هست که بی پاسخ گذاشتن آنها امر را مجددا" بر طرف مقتضیه کرده و نهایتا "بمبارزه" متحد تمام خلق سر علیه ارتجاع و امپریالیسم آسیب خواهد رساند.

ما بپیوسته با یاران دوران کودکی اپیگونه کمونیستها را انتظار کشیده‌ایم

این است که اکنون سخنانمان به یکی از این موارد مختصرا" اشاره کنیم مساله بر سر نحوه موسیقی در مقابل سیستم موجود بطور امر و مسالمه گردستان بطور اخص است.

طبعا" برای ما مساله به‌چوجه از این نظر مطرح نیست که یک گروه نوپسیده "مارکسیست، ما را "مارشکار" و مواضع چپ و چشم دوخته به قدرت حاکم" و "مصلحت گرا" دارای استنباط بسیار محدود" و ... خوانده است.

چرا که:

اولا" ـ حتی وقتی که این آقایان هزاران بار بیشتر از این به ما برچسب میزدند و بعضا" تا ما را بدلیل حمایتش از تولید بزرگ، ارما (که به رغم آنها حامی تولید کننده خرده پا بودیم) مترقی‌تر میدانستند و حتی برادر انمان را میکشتند. مقابله به مثل نکردیم و به نحوی یکتا آنها میخواستند (و امپریالیسم هم میخواست) دهان بدهان شدیم به عکس ما پیوسته پایبان دوران کودکی این گونه کمونیست ها را انتظار کشیده و ـ

بقیه در صفحه ۸

چه کسانی صلاحیت نمایندگی کارگران را در شوراهای کارکنان ندارند؟

کارگران خواستار ادارهٔ شورایی کارخانه‌ها هستند، و در راه اندازی صنایع در جهت ضد استثماری آن می‌کوشند

درگذشت پدر طالقانی سرمایه داران وابسته را با موجی از خواسته های شورائی مواجه ساخت آنهائی که این زمان با طرح تشکیل سندیکا و یا مسئله های دیگر سعی در جلوگیری از تشکیل شوراها داشتند، وقتی دیدند که میلیونها نفر از مردم یکپارچه فریاد می زنند. پیام طالقانی شهادت است و شورا" یا "شوراهای مردمی ایجاد باید گردد" حسابی حازدند.

این استثمارگران تا این لحظه حتی بنام امام و بوسیله برخی کارگزاران دولتی، شوراهای واقعی کارگران را درهم می کوبیدند این بار کارگران شورای واقعی را نه تنها به منزله کلید حل مشکلات صنفی سیاسی خود می دیدند، بلکه تشکیل آنرا بعنوان یک فریضه اسلامی ـ اجتماعی بتصمیم گرفتند. چه بسیار کارگرانی که اگر به ایشان می گفتی شوراها را تشکیل ندهید، درجواب می گفتند پس بکارگری مگو نماز هم نخوانیم! با پیش آمدن این وضع آنسته از کارفرماهائی که با تشکیل شوراها مخالفت می کردند، فهمیدند که بایستی مثل بعضی از سرمایه داران بجای درگیری با شوراها حتی آنرا تبلیغ کنند، ولی از درون به آن ضربه بزنند. بعنوان مثال از شرکت منافع سرمایه داران حرکت کنند. اگر هم نتوانند لااقل با کارشکنی و هزار و یک کلک سیاسی و سوء استفاده از قدرت حاکم، کارگران را خسته و از تشکیل شورا زده کنند. غافل از آنکه دیگر مردم ما و بویژه طبقهٔ مستضعف کارگر تن به اسارت نمی دهند. و می‌گویند تا از نفوذ عوامل سرمایه داری وابسته در شوراهای واقعی جلوگیری کنید.

در واقع در این شرایط تهدید اصلی شوراها بی محتوا کردن آنهاست

بقیه از صفحه ۳

"آیران سرعت" می توان نام برد. در این شرکت وقتی کارگران نمایندگان واقعی خود را برای شورا انتخاب می کنند، کارفرما می‌گوید: شورایی شورا بایستی سندیکا تشکیل بدهید کارگران که عجالتا می گویند جناب کارفرما با اسم شورا مخالفت دارد: انتخابات مجددی برای تشکیل سندیکا برگزار می کنند. وقتی کارفرما می بیند بازهمان نمایندگان واقعی ـ که معتقد به پیاده کردن محتوای شورا به اسم سندیکا هستند ـ انتخاب شده‌اند. باسندیکا مخالفت می کند. واینبار خودش دست به تشکیل شورائی زند! اینجا دست کارفرما رو میشود و کارگران میفهمند که کارفرما از دخالت کارگران در سرنوشتشان می‌ترسد، نه از اسم شورا. بلی این تاکتیک یعنی تشکیل شوراهای فرمایشی و بی‌محتوی مورد قبول غارتگران وابسته قرار گرفت. آنهم در شرایطی که بارهنودهای بدر طالقانی شوراها بصورت طرحی عمومی و قابل اجرا و وظیفهٔ اجتماعی همه درآمد. بنابراین شروع کردند به اغراق نمایندگان واقعی تحت عنوان عناصر اخلالگر، و تحمیل کردن نمایندگان غیرواقعی به شوراهای کارگران. آنها امید دارند که بدین وسیله شوراهای کارگران را فیشه کنند تا فقط در جهت

www.iran-archive.com

دانشگاه و انقلاب (۴)

هشیاری انقلابی خود را با گزینش تاکتیکهای مناسب سیاسی حفظ کنیم

"نگاهی تحلیلی به اشغال ساختمانهای بزرگ توسط دانشجویان"

برخوردی انتقادی بخاطر هر چه اصولی‌تر کردن تاکتیکهای مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی

دیدیم که انقلاب دمکراتیک، یعنی تنها الگوی اصولی مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای تحت سلطه برای خروج کامل از حاکمیت امپریالیسم با جابجا میکند که وحدت تمام اقشار و طبقات خلق ـ که صلاحیت شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را دارند ـ حفظ شود. و در این میان نیروهای انقلابی یعنی معتقدین بمنفی استثمار انسان از انسان برپایه نفی مالکیت خصوصی ابزار تولید و در رأس همه آنها نیروهای اصیل توحیدی بیشترین مسئولیت را دارند. ویکی از اصول اساسی که نباید نقض شود همین اصل است.

بجاست که در این چهارچوب، یکی از تاکتیکهائی را که از طرف دانشجویان

بقیه در صفحه ۵

گفتگو با برادر مجاهد موسی خیابانی (۲)

چه کسی در کردستان پیروز میشود؟

از دخالت عملی در مسالهٔ ملیت ها خود داری کنیم، تا با ورود خود در این صحنه باعث پیچیده‌تر شدن مساله نشویم

درشمارهٔ قبلی مجاهد (شماره ۸) قسمت اول گفتگو با برادر مجاهد موسی خیابانی را تحت عنوان "چه کسانی به نابودی وجود اختلاف و انشعاب در سازمان مجاهدین خلق دامن میزنند" چاپ کردیم. اینک قسمت دوم این گفتگو را که دربارهٔ کردستان است از نظر خوانندگان میگذرانیم:

ضمنا" در قسمت اول گفتگو در جائی که از "پایگاه طبقاتی عناصر و مرزها" صحبت و به "مقدمه تاریخ" اشاره شده است کلمهٔ "استثمار" "آشتیها" "استثمار" چاپ شده که بدینوسیله تصحیح میشود. و اینک دنبالهٔ گفتگو:

سؤال ـ برادر خیابانی در پنجاه جاز بدهید قدری نیز درباره کردستان صحبت کنیم. چون یکی از شاخه‌ها است که در سازمان بر سر مسالهٔ کردستان اختلاف نظر وجود دارد. وحتی گفته شده که شما بکردستان رفته، و در آنجا درگیر کرده‌ها وارد جنگ شده‌اید.

جواب ـ بلی اینهم یکی از همان شاخه‌هاست. طوریکه گفتم شاخه‌هایی حتی موضوعات مورد اختلاف و مواضع افراد را نیز تعیین کرده‌اند. اما واقعیت این است که در سازمان ما نه بر سر مسالهٔ کردستان و نه در هیچ مورد دیگری، همچگونه اختلاف نظر وجود ندارد. اما راجع به قسمت دوم مطلبی که طرح کردید، می‌بینید کمین اکنون در اینجا یعنی در تهران هستم. و متاسفانه تاکنون هیچ نقطه‌ای از کردستان را از نزدیک ندیده‌ام. یعنی توفیق سفر بدانجا را نداشته‌ام. بنابر این نمی‌توانم و نه هیچیک از اعضاء سازمان ما و نیز جنبش ملی مجاهدین چنین مسئولیت و یا موریتی در کردستان نداشته است. والبته این وضعیت یک موضعگیری کاملا" آگاهانه است که از سیاست ما در قبال مسالهٔ ملیتها ناشی میشود.

وقایع خونین کردستان نشاندهندهٔ برخوردهای غیر اصولی و ناتوانی در حل مساله است

(۱۱) ■ سیاست سازمان در این زمینه چیست؟

ـ سیاست ما اینست که حتی ـ المقدور از دخالت عملی در مسالهٔ ملیتها و دعاوی مربوطه، خودداری کرده، و با ورود خود در این صحنه باعث پیچیده‌تر شدن مساله نشویم. و بدینجهت هم هست که ما تاکنون در چنین مناطقی حتی یک شب نبوده‌ایم، و در موارد هائی که آنها را در همان ابتدا یعنی از فردای پیروزی قیام خونین خلقمان اعلام کرده‌ایم. ما همزمان با وقایع گنبد هشدار داده، و بعد از آنهم در موارد و مناسبتهای مختلف با پیش بینی وقایع احتمالی اعلام خطر کرده و راه حلهای اصولی و صحیح مسائل را که بنظرمان میرسیده، عرضه کرده‌ایم. که البته مورد توجه قرار نگرفته است. متاسفانه ما در ماههای اخیر

بقیه در صفحه ۶

البته ما درباره مسالهٔ ملیتها و نحوهٔ حل آن نقطه نظرهای روشنی داریم، که آنها را زمان ابتدا یعنی از فردای پیروزی قیام خونین خلقمان اعلام کرده‌ایم. ما همزمان با وقایع گنبد هشدار داده، و بعد از آنهم در موارد و مناسبتهای مختلف با پیش بینی وقایع احتمالی اعلام خطر کرده و راه حلهای اصولی و صحیح مسائل را که بنظرمان میرسیده، عرضه کرده‌ایم. که البته مورد توجه قرار نگرفته است. متاسفانه ما در ماههای اخیر

بقیه در صفحه ۶

مباحث ایدئولوژیک

رابطهٔ مواضع اجتماعی ـ سیاسی امام علی با دیدگاه فلسفی توحیدی او

عمیق‌ترین اعتقاد به آرمانهای ایدئولوژیک، مستلزم دقیق‌ترین استقرار بر مواضع اقتصادی ـ اجتماعی است

در شمارهٔ گذشته مقاله "مجاهد" ضمن مباحثی در تشریح و تفسیر خطیات با برخی از نقطه نظرها و مواضع و دیدگاه‌های انقلابی و توحیدی امام علی آغاز شدیم. اکنون در این شماره میخواهیم این مواضع از چه دیدگاه فلسفی ناشی میشود. بعبارت دیگر این مواضع چه برخی با تفکرات و وجود شناسانه و جهان‌بینی علی دارد. آیا می توان گفت منبع فلسفی در عمل تاثیری در مواضع اقتصادی ـ اجتماعی نداشته و لذا بود و نبودش بی تفاوت است؟ مثلا" براساس یک دیدگاه ناقص و یا ارتجاعی و دهنی میشود از چنین مواضعی برخورد داربود؟ آیا میتوان با دیدگاه ایدئولوژیک و اسلوب اسکولاستیکی بدین نحو سراغ مسائل اجتماعی رفت و مانند علی از پس حل آنها برآمد؟ آیا امام علی هم التقاطی بود و ما هست؟ آیا امام علی هم کدام نفی طبقات و نظام توحیدی می داد به رغم خبرگان امروز کمونیست بود و ما هست؟! و آیا آنطور که برخی از مدعیان انحصاری جامعه بی طبقه میگویند، امتداد به نفی بهره کشی و امحاء تاریخی طبقات استثمارگر مستلزم آرمیش قبول کردن احکام ماتریالیستی است؟ اصلا" مگر نمیتوان در دخالت عامل فلسفی در موضعگیریهای اجتماعی چگونه است؟

در یک کلام میخواهیم جوهر و عمق نظرگاههای امام علی را در ورای حضور نقش این خطبه‌ها دریابیم. به عبارت دیگر از مواضع اقتصادی ـ اجتماعی و خط مشی سیاسی او به بنیاد فلسفی افکارش و دیدگاههای وجود شناسانه و انسان شناسانه و جامعه شناسانه او دست یابیم. با صطلاح سازمان فلسفی از نسبی به مطلق راه یابیم، یعنی دست به "تبیین" بزنیم. ولی قبل از ورود به بحث مقدمتا" لازم است ببینیم که بطور کلی عامل فلسفی چه نقشی دارد و تاثیر آن چیست

تاثیر و نقش عامل فلسفی در مواضع اجتماعی ـ سیاسی

البته جواب بطور تئوریک روشن است. بدین معنی که هر ایدئولوژی و جهان‌بینی که داشته‌ایم (توجه محرکه) زیادتری داشته باشد و بتواند آینده دورتری را ببیند، طبعا" روی محور ترقی و انقلاب در موضع چپ‌تر و بالاتر قرار می گیرد. بعبارت دیگر یک ایدئولوژی هر اندازه که از برگرش وسیعتر و عمیقتری برخوردار بوده و درک عالی‌تر و تطبیق یافته‌تری نسبت به حرکت کلی جهان داشته باشد، بهمان نسبت بافی‌تر و پایدارتر است. بدین معنی که وقتی ما ایدئولوژیهای پائین‌تر را با آنها

بقیه در صفحه ۶

مفهوم تنهایی

بقیه از صفحه اول

آخر چه کسی شک داشت و فکر میکرد که توده های میلیونی رهبرشان را تنها گذاشته اند؟

مسئولیت‌های بس سنگینتری که بعهده مردم ایران مهمی مربوط میشود دارند. یکی از برادران ما در روز چهارم خرداد در این باره چنین گفت:

" اینای مراتر آن هستند که منحصر باشند به یک جمعیت یا دسته‌ها حزب بخصوص، بلکه در روزی تمام احزاب، به تمام اقشار و طبقات خلق تعلق دارند، و براستی هم کمابیش تعلق چه مسئولیت سنگینی باخود دارد. مسئولیت متحد کردن تمام طبقات و اقشار مردم، و هدایت مبارزات آنها در یک کانال درست، در یک مسیر درست و مسابقت از اینکه مبارزه به مسیرهای انحرافی برود، و انداختن مبارزه در صراط مستقیم ضد استعماری "

البته این حرفها که در نهایت صمیمیت و علاقه و خلوص قلبی نسبت به امام بیان میشدند آنروزها و نه پس از آن بدل انحصار طلبان نشست. آنها نمیخواستند و بازهم نمیخواهند که امام در مسند سرپرستی و ارتباط با تمام نیروها بنشیند. به همین دلیل مطالب مارا بعناق و دورویی تعبیر کردند.

متاسفانه جامعه ما هنوز از شرایط ذهنی مکفی برای پیروزی در انقلاب ضد امپریالیستی برخوردار نیست

لکن ما برای آنچه فوقا" گفتیم دلایل استواری داشتیم. دلایلی که مطمئن بودیم دیر یا زود حقانیت خود را برای بسیاری مردم روشن خواهیم کرد. دلایل ما با اختصار در ضعف‌های سیاسی ـ سازمانی این انقلاب متبلور میشود.

در اسفند ماه گذشته در مقدمه" برنامه" حداقل و انتظارات مرحله‌ای خودمان از جمهوری اسلامی چنین نوشته بودیم.

" در حالیکه مبانی و زمینه‌های عینی اقتصادی و اجتماعی برای یک انقلاب پیروزمند آزادیبخش از هر حیث فراهم شده است، متأسفانه، هنوز از شرایط ذهنی مکفی برای پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی که بانوان تشکیلاتی متناسب در سطح کل کشور تجسم میبابد برخوردار نیستیم. شدت سرکوب و خفقان پس از کودتای خیانت بار ۲۸ مرداد و بویژه پس از اصلاحات ارضی امپریالیستی سال ۴۱ عامل اصلی چنین کمبودی است. کمبودی که در صورت جبران نشدن بی‌تردید باعث آن خواهد شد که شکست‌های گذشته، در انقلاب با مشروطه و در دوران دکتر مصدق تکرار شود. شکست های تلخ و خونبار که بار دیگر در اشکال خاص خود، با استقرار دوباره سلطه استعمارگران بر این میهن و اسارت مردم آن منتهی میگردد. آنگاه دستاوردهای بسیار گرانقدری را هم که طی مرحله مبارزه مسلحانه تکاوری تحت رهبری قاطع حضرت آیت‌الله خمینی حاصل کرده ایم تدریجا" از ما باز خواهند ستاند. بنابراین پیروزی انقلاب ما از این پس در گرو نقش خطیر رهبری و مواضعی است که عناصر آگاه و مسئول و احزاب و جمعیت های سیاسی اتخاذ میکنند.

بنابراین ما معتقدیم که ضعف‌های سیاسی تشکیلاتی این انقلاب فقط تا حدودی از طریق ارتباط مستمر رهبری آن با نیروهای مختلف سیاسی و تشکیلاتی قابل جبران است. همان ضعف‌هائی که به‌تأکید مورد توجه بیدرطالقانی واقع شده و با اشاره به آنها مکررا" انقلاب حاضر را انقلابی " نارس " توصیف می‌نمود.

براستی هم چگونه میشود به آینده انقلابی کارگرها و آدم‌های تربیت ـ نده و آزمایش شده کافی برخوردار نیست چشم امید دوخت! براستی تا کجا و تا چه درصدی میتوان به خلوص عقیدتی و مردمی احزاب خلق الساعه اعتماد کرد؟ آن هم در مقابل که انقلابی نمائی و اسلام پناهی هیچ مایه و خرجی نمیخواهد و به همین دلیل است که این روزها شاهد برملاشدن عمیقترین و گسترده‌ترین نفوذ ایادی ساواک در سراسر دستگاههای لشکری و کشوری می‌باشیم...

نظرات، آرمانها، مصالح و منافع سایر نیروها نادیده گرفته شد

الغرض از آنجا که این حرفهای ما و سایرین هیچ اثری در دستگاه حاکم نبخشید وعده‌های همچنان کوشیدند تا امام را در موضع رهبری کشور (ونه فقط مرجعیت یک سیستم فکری) نیز بخود و دسته‌بندی و حزب خاص خود اختصاص دهند، تدریجا" عیب کار بر بسیاری روشن شد. وبرای تامین دیدند که وقتی همه راهها بهزب بخصوص ختم میشود، به همه مسائل و راه‌حلها نیز از زاویه خاصی نگریسته شده و خلاصه نظرات و آرمانها و مصالح و منافع سایر نیروها بعنوانها نادیده گرفته میشود، بلکه برچسب‌هائی نظیر ضد انقلابی و کافر و منافق نیز میخورد.

تا اینکه تدریجا" بدلیل نقائص و اعراض کاریهای ملموس مطلقی صحبت‌های دروغین بمیان محافل و اجتماعات مختلف مردم کشیده شد، و سرانجام تا بدان حد بالا گرفت که عزیز امام نیز، بمثابه" بیان کننده" درد دل بسیاری از نیروها و اقشار، پدر را " تنها " خواند. البته بدیهی است که منظور فرزند امام تنهائی آماری نبود. زیرا که خود بهتر از همه هر روز شاهد انبوه جماعاتی است که از گوشه و کنار کشور بدیدار امام میآیند بلکه منظور از این تنهائی، یک تنهائی سیاسی و تشکیلاتی بود. واضح است که توده‌های عظیم مردم با همه" خودجوشی و شورتکوهشدنشان بی‌شکل و سازمان نیافته‌اند. بعبارت دیگر آگاهیهای آنها بیشتر جنبه" عاطفی و سطحی دارد، که درست به همین دلیل محتاج نیروها و سازمانهای رهبری کننده‌اند. البته این درست است که توده‌های مردم برخلاف روشنفکران با واقعیات اقتصادی ـ اجتماعی بطور محسوس و بلاواسطه درتماسند، اما چه در تئوری امامت در فرهنگ اسلام و تشیع که بمیان آمدن همان بخش عمده آگاه و احزاب ایدئولوژیک را در حرکت تاریخ میرساند، به‌خوبی موید این مطلب است که نبایستی اوج حرکت توده‌ای درون جوش را (با همه" عظمتش) در مسیر پیروزی مطلق نمود. این بدان نمیماند که ما از موتور محرک یک کشتی عظیم که در میان طوفانهای مهیب در حرکت است انتظار خودداری ناخدائی و سکانداری

متأسفانه درست در لحظاتی که تنهایی سیاسی ـ تشکیلاتی امام رو به اثبات بود مجددا" امشب بلند شد تا بدهان ضد انقلابیون! بخورد که امام را تنها دانسته بودند

جه کسانی در واقع خواستار تقویت و نیرومندی سیاسی ـ تشکیلاتی امام هستند

بگذارید اضافه کنیم اگر بازهم اینطور باشد مردا باید انتظار تهمت‌دار از این راهم داشته باشیم. یعنی مردم و غنی و بیغفل و ما" بوس شدن بسیاری از مردم و جوانان که پشتوانه موجودیت کنونی نظام حاکم هستند و فقدان حمایت آنها می‌تواند حرص و ولع امپریالیستی را دوازدیاد توطئه‌ها و طرحهای ضد خلقی، به اضعاف افزایش دهند.

اکنون این دیگر خود مردمند که بایستی تفاوت کنند، چه کسانی فی‌الواقع خواستار تقویت و نیرومندی باطنی، سیاسی و تشکیلاتی امامند و چه کسانی علیرغم همه سینه‌چاک دادنها چهره امام را مخدوش میکنند. البته برای دریافت پاسخ واقعگرایانه این سوال راه بسیار ساده‌ای وجود دارد:

ما از کسانی که از قبل امام واجد مقامات و احترامات بسیار گسترده‌اند میپرسیم: شما که اینقدر هم از امام و امام می زنید! و برای هرکس هم که از او خوشتان نیاید قلم تکفیر و " خارج از خط امام " بلند میکنید، پس چرا لا اقل یک بار و برای نمونه هم که شده باشدت وقاطعیت درمقابل یکی از اقدامات خلاف اسلام و که بنام امام انجام میشود نایستاده‌اید؟ اگر ارادت شما چاپلوسانه نیست، و اگر نمیخواهید امام را به موضع یک سیاست مدار حاکم تنزل دهید، پس چرا مثلا" با اعدام‌ها و دادگاههائی که بعدا" خود امام مخالفت کردند از پیش دقاتا نه برخورد نکردید؟ آیا دوست دارید که در میان توده" مردم و بویژه قشر انقلابی جوان چهره‌هائی نظیر آذری قمی بمثابه" سیمای واقعی امام تلقی شوند؟

آنها که هر ندای انتقادی و خیرخواهانه را با مارک ضد انقلابی خاموش میکنند

آیا کسانی که حتی برای دولت مبعوث امام تره هم خرد نمی کنند، و حتی پدر طالقانی را نیز النقاطی و گمونیست میدانستند، آنها که حتی به‌بهترین استانداران کشور نیز رحمی ندارند، و برای از دم تیغ گذراندن اصیل‌ترین فرزندان انقلابی میهن نیز همیشه با چوب و چماق و زد ۳ آماده‌اند، و هرندای انتقادی خیرخواهانه را نیز با مارک ضد انقلابی خاموش میکنند و... سیمای واقعی امام هستند؟ اگر پاسخ شما مثبت باشد ما بسیار متاسفیم برای این انقلاب و برای این خلق و برای خود امام، و حتی برای خودشما که غافل هستید چه توطئه‌هائی درگیس همین حکومت است. اما پاسخ مساله تا آنجا که بما مربوط میشود، علیرغم همه" اتهامات و منقوبیت ها و راندن ها، پشتیبانی و حمایت ما از امام، با تمام قوا و امکانات ناچیزمان، در خطوط اصلا می و مردمی ضد امپریالیستی پابرجاست. خطوطی که تعمیق و تثبیت و استوارهرچه بیشتر آنها را با هوشیاری و حسن سیاست تمامی نیروهای آگاه و انقلابی آرزومندیم.

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟ (۲)

آیا انقلاب ایران به هدفهای خود رسیده است؟

پیروزی همه جانبه امپریالیسم بدون استقرار دمکراسی توده‌ای، و سپردن قدرت بدست توانای خلق، و موضع‌گیری قاطع در جهت منافع کارگران و دهقانان امکانپذیر نیست.

در شمارهٔ گذشته روشن شد که انقلاب ایران در شرایط تاریخی کنونی با محو کلیهٔ آثار وابستگی و استعماری مشخص میشود. و در مرحلهٔ بعد با مبارزهٔ طبقاتی در جهت محو کامل استثمار به اوج میرسد.

مضمون برنامهٔ حداقل یک سیستم مجهز به ایدئولوژی اسلام و جهان‌بینی توحید، در شرایط فعلی دقیقا" ملازم با نفی همه‌جانبهٔ آثار سیاسی، اقتصادی، نظامی، و فرهنگی امپریالیسم جهانی به سردمداری آمریکاست.

و نیز نشان داده شد که رژیمی که تضمین کنندهٔ این انقلاب ضد امپریالیستی است باید دارای ویژگیهای ضد دیکتاتوری و ضد ارتجاعی هم باشد.

حال که اقدامات ضروری برای تحقق انقلاب را بررسی کردیم ببینیم آیا در جامعه ما جامه عمل پوشیده است یا نه؟ برای اینکار کافی است بسئوالات زیر پاسخ دهیم:

آیا عوامل فشار و اختناق فکری و سیاسی کاملا" از بین رفته است؟ آیا تشکل انجمنها و احزاب با سرمایهای گو ناگون آزاد شده، و از امنیت کافی برخوردارند؟ آیا از مظاهرات آرام سیاسی جلوگیری نمیشود، و یا راهپیمائی ها از حملهٔ چماقداران مصون اند؟ آیا نشر آزادانهٔ عقاید و افکار مورد سؤال نیست؟ آیا دیگر چنین کتاب سوزان برگزار نمیشود؟ آیا به طبقهای تحت ستم در این میهن حق تعیین سرنوشت و خودمختاری داخلی داده شده است؟ و مهمتر از آن اصولا" با این خواست منطقی آنها چگونه برخورد میشود؟ آیا سازمانهای وابستگی به امپریالیزم و نیز عوامل و ایادی آن از بین رفته؟ آیا کارگران و دهقانان و بطور کلی زحمتکشان به حقوق سیاسی ـ اجتماعی ـ اقتصادی و صنفی خود دست یافته‌اند؟ آیا شوراهای مردمی با شکل برخورد میشود؟ آیا سازمانهای وابستگی به امپریالیزم و نیز عوامل و ایادی آن از بین رفته؟ آیا کارگران و دهقانان و بنفع سرمایه‌داری را بدک میکشد. درحالیکه دموکراسی خلقی علاوه‌بر تضمین آزادی های حقیقی با ویژگی ضد استثماری و توده‌ای‌اش شناخته میشود.)

تنها در پرتو چنین خطی بسیج توده‌ای که ضامن پیروزی بردستان و پشتوانهٔ تغییرات بنیادی وانقلابی جامعه است، امکان پذیر میگردد. درغیر اینصورت نه‌تنها مسائل و تضادهای اجتماعی حل نمیشوند، بلکه بدون عکس تشدید خواهند شد. آنگاه باهیچ نیروی نظامی و سرکوب وشکنجه‌ای هم نمیتوان با آنها مقابله کرد. و این حقیقتی است که درکشورهای زیر سلطه مکررا تجربه شده است:

چه بسا رژیمهای مترقی‌ای که جایگزین رژیمهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیزم شده و با تب و تاب فراوان و وعده و وعیدهای فراوانتر خون وعرق و امیدواریهای زیادی برانگیخته، وحتی اقدامات جالب و مؤثری نیز انجام دادند. اما درست به دلیل فقدان همان عنصر توده‌ای ـ کارگری (ضد استثماری) در سیستم و ماهیتشان، سرانجام بدامن بورژوازی و امپریالیسم ونیابتا" سقوط کردند!! (نمونه‌های مصر و سودان و...)

رژیم ما درچه صورتی میتواند ضامن اهداف انقلابی باشد؟

تحقق آرمانهای انقلابی (که در این مرحله محو آثار امپریالیستی در رأس آنها قرار دارد) و بعبارت دیگر بثمر رسیدن انقلاب ما دراین مرحله از تاریخ، قبل از هر چیز به ماهیت رژیم حاکم بستگی دارد، چرا که از مشروعیت و اعتماد مردمی برخوردار است، بی تردید اگر کوچکترین شائبهٔ استثماری وشرک آمیز درآن وجود داشته باشد، سرانجامی جز عقیم گذاشتن انقلاب رهائی بخش ضد امپریالیستی نخواهد داشت، دیگر چه رسد بهاینکه بتواند مرحلهٔ بعدی انقلاب یعنی حاکمیت مستضعفین و استقرار جامعه‌ای عاری از استثمار و طبقات را تحقق بخشد. اگر سیستم حاکم دارای ویژگی ضد استثماری نباشد، آنگاه هیچ افسون و ادعائی هم نمیتواند جامعه را از وابستگی مجدد حفظ کند!!

این بدان جهت است که پیروزی همه جانبه و نهائی (ونه تاکتیکی) بر امپریالیزم (که نمود عینی آن عملی شدن حداقل انتظارات مرحله‌ای است) مستلزم قاطعیت وعزمی استوار در جهت کوبیدن ونابودی این عنصر آشتی ناپذیر خلقها ومظاهر داخلی آن در جامعه است. که اینهم بدون استقرار هرچه سریعتر یک دموکراسی توده‌ای و سپردن قدرت بدست توانای خلق، بویژه کارگران ودهقانان، و موضع‌گیری قاطع بنفع حقوق آنها میسر نیست. (درمقاله مفهوم مقدس آزادی مجاهد شماره ۷ معنای دموکراسی خلقی باجهت ضد استعماری‌اش را نشان دادیم. وتفاوت آن را با دموکراسی غربی یا امپریالیسم مشخص ساختیم. درآن مقاله دیدیم که امپریالیسم و دموکراسی غربی مضمون ضدکارگری و بنفع سرمایه‌داری را بدک میکشد. درحالیکه دموکراسی خلقی علاوه‌بر تضمین آزادی های حقیقی با ویژگی ضداستثماری و توده‌ای‌اش شناخته میشود.)

اهداف انقلابی باشد!

تحقق آرمانهای انقلابی (که در این مرحله محو آثار امپریالیستی در رأس آنها قرار دارد) و بعبارت دیگر بثمر رسیدن انقلاب ما دراین مرحله از تاریخ، قبل از هر چیز به ماهیت رژیم حاکم بستگی دارد، چرا که از مشروعیت و اعتماد مردمی برخوردار است، بی تردید اگر کوچکترین شائبهٔ استثماری وشرک آمیز درآن وجود داشته باشد، سرانجامی جز عقیم گذاشتن انقلاب رهائی بخش ضد امپریالیستی نخواهد داشت، دیگر چه رسد بهاینکه بتواند مرحلهٔ بعدی انقلاب یعنی حاکمیت مستضعفین و استقرار جامعه‌ای عاری از استثمار و طبقات را تحقق

تبریک به حسن تشخیص "زندانیان سعادتی"

زندانیان: ایمان ضد انقلابی ما به انقلاب بیش از "سعادتی" است

چنانکه در اطلاعات چهارشنبه ۹ آبان، میخواندیم، آقای محمد کچوئی زندانیان سعادتی در پاسخ باین سوال خبرنگاران که چرا سعادتی در سلولشها است، و همین دلیل نیز با وضع صوت داده‌اید؟ توضیح میدهد:

"ایشان برخلاف زندانی‌هایی است که مجرم هستند، و در رژیم گذشته برتکب جنایت شده‌اند، در اینجا اگر تارسائیهایی داشته باشیم زندانی‌های ساواکی ودیگر زندانیان ضدانقلابی آن را دهش می‌کنند. وباصطلاح آنرا توی بوق نمی‌کنند. ولی ایشان درارابطه با انقلاب چون از آنها بدتر بود و سعی می‌کرد کوچکترین نارضایی راتوی بوق کند، بخاطر این مساله، نسبت به ایمانش به انقلاب اطمینان کمتری داشتیم، و تخواستیم از بهانه‌ای بدست ایشان بدهیم."

سپس آقای کچوئی در چند سطر بعد می‌افزاید:

"بنظرمن استثنا گذاشتن این زندانی باسایر زندانی‌ها اینست که سایرین ایمانشان به انقلاب نسبت به ایشان بیشتراست. وایشان ضدانقلابی‌تر از سایرین است....."

مجاهد:

گرچه مضمون صحبت های آقای کچوئی به همچوجه نیازی به شرح و تفصیل ندارد، ولی ماخوشحالیم که مشخص شده چه‌قساوت ساواکی‌ها را می‌کشند، وسعادتی را دستگیر. پس حالا معلوم میشود کمسالهٔ پرسرایمان آوردن ساواکیها به انقلاب است. آنهم ایمانی بیشتر از کسانی که سالها زندان وشکنجه" همین ساواکیهای مؤمن اکنون را تحمل کرده‌اند.

لابد دردم بعدی نیز باید منتظر باشیم که آقای کچوئی بامقامات ارتشی، که ترتیب دستگیری وشکنجه سعادتی را داده‌اند اعلام نمایندگی:

ایمان آمریکائیها نیز به انقلاب بیشتر از سعادتی ومجاهدین میباشد!

البته همان مقاماتی که سعادتی را بعلل روابط ایران وآمریکا داشته، وامر به تعقیب وشکنجه‌اش کردند.

حالا می‌فهمیم که چرا برطالقانی متعجب بود که چرا سالهای سال در این مملکت همه‌اش جاسوس روس میگرند.

درهمین رابطه توجه شمارا به بیانی از سعادتی جلب می‌کنیم.

سعادتی: رفاه من در رفاه خلق، ورضایت من درخشنودی خالق نهفته است

بنام خداوبنام خلق قهرمان ایران

اخیرا" مطالبی درمعنی جرایدبه تحت عنوان گفتگویی با سعادتی منتشر شده است که درآن بطور مشخص روی "اظهار رضایت" من ازوضع "رفاهی" زندان تکیه گردیده‌است. ضمن تکذیب آن بدون اینکه وارد جزئیات مسئله شوم ودر مورد صحبت های مسئولین زندان وباستن کامل صحبت‌های من باخبرنگاران بپردازم تنهابه ذکر این مسئله میپردازم که رفاه، مادی تنها درپرتو آزادی و آسایش روحاست که به رضایت وسعادت منتهی می‌گردد. برفرض که زندان امکانات رفاهی رابدون همچگونه غرض ورزی دراختیارمن قرار دادمی‌باشد (که بهیچ وجه بدینصورت نبوده و اگر امکاناتی رابدست آورده‌ام نه در اثر بخشش آنها بوده‌بلکه نتیجهٔ تلاش پی‌گیر ومداوم من میباشد) ولی در حداکثر خودتنهارفرهی بیش نیست. فریبی که‌درمتن آن "آزادی من لگدمال گردیده، وحیثیت سیاسی من به باری گرفته شده‌است. من اگروصایلی رادر اختیار دارم که ازنظر آنها امکانات "رفاهی" است ولی ازنظر من تنها زمینه‌های مادی‌میبوند باخلق‌پیوسته‌ا حرکت انقلاب است. وقتی که انسان توسط دیوارهای بلند ودرهای آهنی از متن حرکت جامعه بدورمیماند وآنچه قلبا" می‌تواند پیوند خود را باجامعه حفظ کند ولی وجود وسایلی مانند، رادیو، تلویزیون وروزنامه‌زمینه‌های مادی این رابفراوانی بیشتربکوشم این نیاز را درحداقل خودفراهم می‌نماید. ولذا اینها وسایل تفریح وسرگرمی و بقول مسئول زندان امکانات "رفاهی" نیستند. رفاه من درفاه خلق، آسایش من درآسایش خلق، آزادی من درآزادی خلق و رضایت من درخشنودی خالق نهفته است.

درود بر خلق قهرمان ایران

سلام بر آزادی

به امید بازگشت به آغوش خلق

سیدمحمدرضا سعادتی — ۸۵/۸/۳

بقیه در صفحه ۶

www.iran-archive.com

روستای "طُرق" نمونه‌ای از روستاهای استعمارزده

خواستهای ابتدائی روستائیان چیست؟

● شهادت آقای طالقانی ما را عزادار کرد.

● همین ما بودیم که با چوبهای سنگ کشی به جنگ جمقداران رفتیم که میخواستند به مشهد حمله کنند. آنوقت حالا انگار این ولایت جزو آدم نیست.

طرق یا حسینی چدود ۱۵۰۰۰ نفر یعنی ۲۶۰۰ خانوار بفاصله ۱۰ کیلومتری جنوب مشهد درحاشیه فرودگاه واقع شده است. شاید تعجب کنید که طرق با این جمعیت زیاد از روستا نامیده‌ایم. ولی واقعیت این است که هیچ اثری از نظام شهری در آن نیست. حتی بخش هم به حساب نمی‌آید.

قریب به ۱۰۰۰ خانوار از مردم طرق خوش نشینهائی هستند که اغلب در کارخانه های: قند شرق، پ.ت.ن.ت و پروفیل مشهد کار می‌کنند. ۲۶۰۰ خانوار از اهالی کشاورزانی هستند که با اصلاحات ارضی به هر کدام تا ۲ هکتار زمین رسیده. عده‌زیادی از مردم سوپیکار کارگری می‌گویند: "ته‌آب داریم نه‌برق هیچ‌نداریم. یک شنع کوچک‌آب است و ۱۲ هزارنفوس. حتی گورستان برای مرده‌هامم نداریم. و بزور آنها را می‌بریم خواجه‌ربیعه. اصلاً انگارما جزو ایران نیستیم. مرورو سیعسیم و کافریم، که دولت معلمان هم نمیگذارد همین گودال راکه می‌بینید روستان پرآب می‌شود. وما مجبوریم درخانه‌های نمور اطراف این گودال زندگی کنیم آخر طرق بگردن این کارخانه‌ها حق دارد. بهمین خاطر ما حلوا شیشه‌ایشان را می‌گیریم که طبق قرارداد قبلی ۲٪ سود کارخانه راخرج عمران ده کند. ولی ارکمیته می‌آیندومی‌گویند به شما مربوط نیست. مثل اینکه مسئولین کمیته با صاحب کارخانه رودربایستی دارند!

زمان طاغوت که کدخدا دستش روبود. با یک فلیان شیره‌کوکش می‌کردند، و برگرده‌مردم دود می‌کرد. ولی حالا آدم نمی‌داند باکی طرف است؟

از زراعت هم‌نان درنمی‌آید

محصولات کشاورزی طرق گندم، عربزه، هندوانه، پنبه‌وسبزیات است. درو گندم دیمی بادستوگندم آبی با کمباین انجام می‌شود.

در رژیم سابق به بهانهٔ حل مشکلات کشاورزان، وتاسیس شرکت تعاونی، مبالغ زیادی ازمردم گرفته شده ولی اصلاً این باصطلاح تعاونی افتتاح نشد. درهمین رابطه امسال کشاورزان دچارکمبودبذر وکودشدند. بخاطر کمبود آب بطور متوسط کشاورزان فقط ۴ هکتار زمین راپیوانند بکارند، که نصف درآمد آن‌مزد کارگران افغانی یابومی است که برای برداشت محصول کارمی‌کنند. یک کارگرساختمانی علت کم آبی‌راچنین می‌دانست: "کارخانه‌قند نمی‌گذارد باچاه‌حفرکنیم بگرفته که ماخواستیم موتور آبی را نصب کنیم کارخانه جلوگیری کرد. مجبور شدیم ازهمسایه‌مآشنا ذره ذره آب بگیریم. آخرش هم محصول هدر رفت. ماهم که دیدیم از زراعت و کشاورزی نان ۸ سرماه‌ل‌درنمی‌آید ما هم عملگی.

عملاً فقط یک‌چاه‌با موتور ۲ اینچ‌و آب موتور نیاز مردم راتأمین می‌کند. مردم حتی‌برای آب‌خوردن‌هم درمضیقه هستند. عملاتی هم که لوله کشی‌شده، روزها آب‌ندارد. ولی ازساعت ۱۲ شب تاسیح ازعشرماهکم‌کم آب می‌چکد. روستائیان به تمام شدن ساختمان‌منبع جدید هم امیدی ندارند. یک‌دهقان بدله گومی‌گفت: "تادولت بخواهداین منبع، رابسازد یک شاه دیگه میاد حاکم میشه."

مزرعه نمونه و کارخانه‌ها بدرمان را درآورده‌اند

طرق یک مدرسه راهنمائی و سه دبستان دارد که باکمبود معلم مواجه‌اند. بعضی از روستائیان از زور فقر بچه هایشان را به مدرسه نمی‌فرستند. آنهائی هم که می‌فرستند تاسال‌آکنرا با رشوه قبولی بچه‌هایشان راگرفته‌اند. یکنفر روستائیان "گاه‌قبولی‌یک شاگرد تا ۲ هزار تومان برایمان آب می‌خورد. سجعهای کلاس ازده‌هان هم خوابند ومونس درس وحسابی هم یاد ندارند. و بعد ازمدرک گرفتن‌هم معطورند بیایند دستمهمین بیل رابوسند."

وضع درمانی وبهداشتی روستاهم دست کمی از وضع آموزشی آن‌ندارد. معذاز دوسال هنوز پیمانکارساختمان بیداری آنراتحویل نداده. وقتی از مادری که داخل کوچه تابالمعای گاورا درتمرس آفتاب می‌چسباند. ازوضع دارو و دکتر سئوال کردیم، بادلی‌پردرد گفت: "چه دوائی اچه‌دکتری! آروز یکبار یک دکتر میاد اینجا یک قرص کچی میده، وفوری میرگرده. ای‌آقا خدا سروکارت رابه دکترنیندازه. بچه‌هامون موقع مریضی اگر خودشون خوب شدند که هیچ، والا بایستی بری به تحت‌الثراه‌اشت."

روستائیان برای بردن مریض به شهر بایستی ۵۰ تومان کرایه ماشین شخصی بدهند. البته‌اگرماشینی باشد. آنها حتی برای یک پاسبان ساده‌هم بایستی به شهربروند. درمشهد هم بخاطر ناآشنائی بموضع بیمارستانها و... تازه گرفتاریها شروع‌میشود.

باروستائیان می‌فهمیم. ولی بازهم از انقلاب راضی هستیم

روستائیان زحمتکش که در "تظاهرات علیه‌رژیم سابق فعالانه شرکت داشته‌اند، انتظار دارند که‌نمره‌سازارتشان رادر بهتر شدن وضع زندگیشان ببینند. یکی ازآنها می‌گفت: "ما از مستضعفین هستیم. توی تظاهرات هم‌گفته‌دادیم. همین مابودیم که با چوبهای سنگ کشی به جنگ جماقدارانی که می‌خواستند به مشهد حمله کنند رفتیم. آنوقت حالا انگار این ولایت جزو آدم نیست. انگار ما آدم نیستیم. والله ما مسجدداریم، بادم داریم می‌سازیم. شهادت آقای طالقانی ما را عزادارکرد. هفت‌شبانه‌روز برای این سیدخدا توی هم پنج مسجد ده به سروسینه زدیم. آقا ما می‌فهمیم. ولی بازهم ازانقلاب راضی هستیم. مگر بر سرامامان وپیغمبران ما چه گذشت که بما بگذره. آما اگر آب هم داشتیم خیلی خوب میشد. این مزرعه نمونه و این کارخانه هم بدرمان رادرآورده‌اند."

مبارزه باعلول

کمیته محل که بیشتر اعضای آنرا جوانان بومی تشکیل میدهند سعی در جلوگیری ازفساد وفحشاء دارد. ولی فشار عوامل عینی وسیادی فعالیت آنان رابی‌ثمری‌گذارد. دیدن فیلمهای مستذل، طلاق ودیگرآثار ناگاهیهای اقتصادی وفرهنگی‌هم چنان‌روبه‌افزایش است. به همراه یک آشنا به یکی از شیره‌کشخانه‌های طرق سرمی‌زنیم. به سختی می‌پذیرند که مامور حلب و عفتش نیستیم. زن که اطمینان‌یافته شوهر پیرمردش رامدامی‌زند: "بیار خودمانند آمدند احوالپرسی". سید لوت گرفته وباغرمندگی می‌گوید: "...

بقیه‌درصفحه ۲

با آنکه وضعیت طرق، ازبسیاری روستاهای خراسان بهتراست، ولی‌به عنوان نمونه‌ای ازروستاهای استعمارزده ایران، شبانی دردهای معلول‌حاکمیت سرمایه‌داری‌واستعمار درخود دارد.

انگارما جزو ایران نیستیم

ازمزرعه "نمونه" سرمایه‌داران‌شهری که رمینهای دمرابلعیده‌اند گرفته. تا کارخانجات وفرودگاه مشهد... همه وهمه بارسنگینی بردوش زحمتکشان‌این روستاست. ازکارگرو دهقان تاحرده مالک وبیکارهمه‌می‌نالند. وهرکدام در خورفهم خودراه‌حلی ارائه میدهند.

www.iranarchive.com

چه‌کسانی صلاحیت نمایندگی کارگران رادر شوراهای کارکنان ندارند؟

بقیه از صفحه اول

کارگران خواستار ادارهٔ شورایی کارخانه‌ها هستند، ودر راه اندازی صنایع درجهت ضد استثماری آن میکوشند

دیدیم در انتخابات شوراهای شهر که بگفتهٔ مقامات مسئول با عدم استقبال مردم روبروشد، مردم نشان دادندکه ازاین به بعدکمترین چیزی که آنرانمایندگی خواهندداد. و مطمئناً "دیری‌نمی‌پایدکه‌بارغدآگاهی سیاسی‌خودتمام برنامه‌هایی‌رامتوانی راکه به اسم اسلام عرضه می‌شود بشناسند. یعنی روزی که‌کارگران‌سازو آندرشوراهای خود را فرسال کنندتا ارگانات عوامل وابسته به سرمایه دار پاک شود. درحیث رسیدن به این هدف ومبارزه با انحراف شوراها، خصوصیات افرادی را که صلاحیت نمایندگی کارگران‌وکارمندان‌رادارند، طی رهنمودهای زیرمی‌آوریم:

۱ـ کارکنانی که در رژیم سابق با ادارهٔ حفاظت وکارفرما سروسری داشته‌اند

اینان هنوز هم نه تنها تصفیه نشده‌اند بلکه‌با موش کردن‌چهره‌شان سعی درقالب کردن خود به صفوف کارگران دارند.

هرچند که این افراد مدتها "بوسیلهٔ کارگران شناخته شده‌اند. اما درسیاری ازکارخانجات وبویژه صنایع نفت به اتکاء بعضی مقامات درتوطئه‌وجاسوسی ودسیسه چینی علیه منافع طبقه‌کارگر شرکت دارند.

۲ـ کارکنانی که ضدامپریالیست نیستند

مثلاً نسبت به سرمایه داران وابسته که همان عوامل اصلی اجرای برنامه های امپریالیستها هستندکینه ندارند. به آنهابه چشم آدمهائی مسئول، مدبروصلاحیتدار نگاه‌میکنند، نه به چشم افرادی وابسته که‌مأموریت دارندمردم میهن مادر درجهٔ اول کارگران رانفع آمریکا وایادیش بچاپند. وباخیال می‌کنندکه‌ممکن‌است کارفرماهم به فکر کارگر باشد. غافل‌از آنکه اگر سرمایه دار بخواهد مدافع حقوق کارگر باشد بایستی‌برضدخودش باشد، یعنی باخودش مبارزه کند. که این هم با ماهیت سرمایه‌داری سازگار نیست. چون اگرمی‌خواست‌مفکرکارگر باشدکه‌بااستثمارکارگران سرمایه‌دار نمی‌شد.

۳ـ آنهائی که ضدارتجاع نیستند

به این معنی‌که‌درمقابل‌حربانانی که می‌خواهندهمان قوانین‌ضدکارگری زمان طاغوت را پیاده‌کنند، ایستادگی نمی‌کنند. وبه بهانه هائی ازقبیل اهمیت سجادادن به‌مقامات رسمی و رؤسای قبستها، بر سرمنافع کارگران سازش می‌کنند. وحال آنکه میدانیم یکی ازبزرگترین عوامل بروزمشکلات کنونی کارگران همان قوانین‌ظالمانه بودکه هنوزملغی نشده. وبایستی در مقابل تحمیل آن قوانین ازطرف هر مقام و هر کس ولو تحت اسم شورا ایستادگی کرد.

این جور افراد ممکن است ازسوء چینانی باشندکه پس ازپیروزی قیام وباوقتی که معلوم شدکه‌بگرنامرغتنی است انقلابی شدند. یامعکن ازافراد ساده دلی باشندکه بادیکتاتوری طاغوت هم واقعاً "سازش" کرده‌اند، ولی حالادیگرقدرت تشخیص‌حامیان سرمایه داران وابسته ودستمانی را ندارندکه به لباس دوست واسلام نمایی به کارگران حمله می کنند. اینگونه افراد معمولاً "بدون‌هیچ‌دلیل منطقی و روشن ازکارگران سخواهند که دست ازمبارزه برداردوصبرکنند تادولت خودش همه"کارهارا روبراه کند. (درحالی که خواست پدر طالقانی این بودکه همه باید درانجام کارهامسئولیت پیداکنند. وامام خمینی اخیراً" اشاره کردکه‌همه‌کس نباید منتظردیگران باشدولت باشدوخودش باید شروع‌کند). واین افرادگاهی کارگران سازو راافرادی اخلالگر و ضدانقلابی می‌شمارند.

البته حساب آن کسانی که چپ روانه خواستارتعطیل واعتصاب کارخانجات هستند جدا است زیرادر شرایط جدید این کارفرمایان (فراری یا صاحبان وابسته سابق) هستندکه میخواهندکارخانه‌هارا بخواباندو کارگران رابیکار کنند. تا انقلاب‌را درنیمه راه به‌بن‌بست بکشانند. و برعکس کارگران با تمام وجود هم خواستارادارهٔ شورایی کارخانه‌هستندو هم در راه اندازی صنایع در جهت صحیح آن میکوشند.

۴ـ کارکنانی که به روابط شورایی اعتقاد ندارند

آنهائی‌که‌می‌دانند تاقدرت‌وحرکت سازوراتی ازپائین به بالاجریان‌نیابد دولت نه تنهاهیچ‌کاری برای احقاق حقوق کارگران نمی‌کند، بلکه‌بعدی درمقابل خواستهای آنان تبدیل‌میشود. اصل شورایاحاکمیت ارباب‌بی به‌بالادر اسلام بقدری اهمیت داردکه درحتک احد وقتی نظرشورای مردم پیروزنشد هم‌نبود، پیغمبره آن احترام‌گذاشتو به آن عمل کرد. این روش‌دارای‌این مفهوم‌است‌که‌مدیریت‌بایستی‌تابع‌نظرات کارکنان باشدوتصمیم‌گیری ازنزدیک تک کارگران وکارمندان‌کارخانه مایه بگیرد. کارکنانی‌که‌به کارایی‌شوراهای واقعی ایمان ندارند، نظرفردی خودشان رابرهمه بالاترمی‌دانندو، مستبدانه میخواهندآنرابتحمیل‌کنند. اینگونه افراد بااینکه درمقابل‌کارگران بظاهرقاطع‌وسرسخت‌هستند، درمقابل کارفرمایانه‌مناصری کم جرأت وترس تبدیل می‌شودونمیتوانندازحقوق کارگران دفاع‌کنند.چنین‌اعتقادغلطی معمولاً "ازآنجا ناشی می‌شودکه‌درد کارگرراکسی نکرده‌اند. مثلاً "ایشان که‌هنوزدرخیالات خودسرمایه‌دارشدن وکارفرمابودن رااید‌آل می‌دانندلیه روزوهای دور ودراززندگی‌بورژوائی خوش‌میکنند، ومصالح‌قشروطبقهٔ‌خودرا فراموش می‌نمایند.

این قبیل افراد ممکن است تاقبل ازانتخاب شدن‌دم ازشوراوسنائع کارگر بزنند. ولی بزودی خط مشکاروهدست کارفرمامی‌شوند.

۵ـ کسانیکه قصد درهم ریختن حدود مرزهای طبقاتی کارگران باسرمایه‌داران رادارند

کسانی که باصطلاح میخواهند کرگوسفن بربرپوست جوی‌آب بخورند.

این افراد معمولاً "کارکنان‌هستند که برخلاف کارگران آگاه ومبارزه‌به حاکمیت مستضعفین کارگر اعتقاد ندارند. وهدفشان ازداخل شدن در شوراهای کارکنان امتیازطلبی برای منافع شخصی، ونه‌باصطلاح "برای‌منافع سرمایه‌داران است. اینان می‌توانند جروبحثانی باشندکه‌ازطرح شوراهای دولتی پشتیبانی می‌کنند. چراکه‌طرح شوراهای دولتی (که‌درنظریه‌ "معاهد شماره۸ آنرابررسی‌کردیم) چنین هدفی رادنبال‌می‌کند. این طرح بمنظوره هماهنگی، تفاهم، حسن‌رابطه وازاین جورفریبکاریهابین کارکنان و سرمایه داران وابسته میباشد. وبنا آنها پیش می‌روندکه بادرهم‌ریختن حد و مرزهای طبقاتی کارگران و سرمایه‌داران‌شورای کارکنان را به سپره‌ای دردست کارفرمابدل نمایند اینها منافق هستندوماعلمه‌طبقاتی را درمحیط کار بنفع کارفرمایان دست نخورده نگهمیدارد. واگر روزی‌دفاع ازمنافع کارگرمیسرت زندان، شکنجه وباهرگونه سختی تمام شود، آنها فوری‌رنگ عوض‌کرده، وحتی‌درظاهر هم‌دیگرحاضرنه‌دفاع‌ازکارگرنیستند.

۶ـ افرادساده که‌کارآیی وبرش لازم را برای ایستادن درمقابل توطئه‌هاندارند

اینان باکم حوصله بوده وبابا پیچیده ترشدن درگیریهای کارکنان با عوامل سرمایه داری، خسته‌وبایوس می‌شوند. اینهاممکن‌است‌افرادایمان وپاکی باشند، ولی تنها این دلیل نمیشودکه‌آنهارابعنمایندگی انتخاب کرد.

البته باید توجه داشت که این گونه صلاحیتها سعی است ونبایستی انتظار داشت که نماینده درتمام این زمینه‌هاکاملاً "آیده‌آل باشد. وآنوقت اگر چنین نماینده‌ای پیدا بشد کار تشکیل وادامه‌اش‌باره در کادر شوراهای واقعی کارکنان لنگ گذاشته خودیکنماینده‌ٔ کارگری‌باید تاحدودی توانایی انجام مسئولیت های خودرا داشته باشد. اگرفردی که دارای‌تمام این خصوصیات نباشد پیدا نکردیم. درمحیط کار خود دنبال آن‌اشخاص بسرویم که بیش ازاینجور ازاین ویژگیهای‌صفی‌بدورهستند. درشیجه مناسب ترین عناصر راپیدا خواهیم کرد. اگربهترین نمایندگان رادر محیط خودبرگزیدیم، آنوقت کوشش می‌کنیم تانقاط ضعف‌اورا تذکردهیم. وباراهنمایی کارگران ودورجریان کارها صلاحیت ترین نمایندگان را ازآنها می‌سازیم.

چه‌کسانی کارگران را ازحق تصمیم درامورخود محروم میکنند؟

استاندار خوزستان: بدینوسیله انحلال شورایی که درآن شرکت تشکیل یافته بود اعلام میگردد

کارکنان: تاآخرین قطره خون ازشورای اسلامی شرکت پشتیبانی میکنیم

گزارشی از وضع شرکت صفاری "سدکوسدایران" که توسط برادری خوزستانی تهیه شده بدستمان رسید. بندی از اقدامات مدشوراقی استاندار خوزستان نیز ضمیمه‌آنست. در این سند آقای مدنی هراران کارگروکارمندرا سست به‌سر نوشت خودشان غیر مسئولی‌ـ دانسته!

درگزارش چنین‌آمده:

"شرکت "سدکو" با حدود ۲۰۰۰ کارگر بهمانکار حفر چاههای نفت درخوزستان می‌باشد. نصف سهام این شرکت آمریکائی ونیم دیگرش ایرانی است. کارگران که اغلب در گرمای ۲۸ درجه کارمیکنندار طلف سرویس وکمپینی جدای از روساو کارشناسها استفاده می‌کنند واین درحالی است که آنها سرخلاف کارگرانا ازحقوق وامکانات درجه یک بهترین غذاها، وسایل تومید نشاندنی مرخورداردند.

بعد از فرار رئیس آمریکائی شرکت به دوبی، وسامانیهای شرکت‌کارکنان برای حل مشکلات موجود شورائی بی تشکیل دادند. پس‌ازاینکه شورا موفق میشود ۱۵ سفر از عناصر وابسته راتصفیه‌کنند (مناصری که اکنون نیز بسش از این تعداددرشرکت مشغول به‌کارهستند) ازطرف استاندار خوزستانی با خطر انحلال روبرو میشود.

ما برای روشن شدن ماهیت کسانی که کمر همت به‌مبارزه با راه "پدرطالقانی"که‌همان اتحاد شوراهاست بسته‌اند این سند بندکارگری و همچنین قطعنامه گردهمائی کارکنان شرکت راکه پیروز پس‌ازصدور دستور استاندارا علام شده‌می‌آورسم.

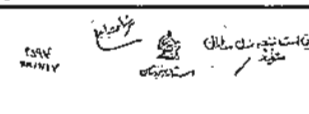

گزارشی از شرکت حمل و نقل ایران سرعت

توطئه‌های سرمایه‌داران علیه شوراهای کارکنان

چه کسانی خواستار تعطیل کارخانجات و موسسات هستند

سرمایه‌داران میخواهند شوراها هیچ مسئولیت اجرایی و هیچ نقشی در مدیریت نداشته باشند

شرکت حمل و نقل ایران سرعت در سال ۵۲ تاسیس شد. این شرکت دارای یک ترمینال حمل و نقل در کیلومتر ۱۲ جاده ساوه و یک دفتر مرکزی است.

سهامداران و موسسین شرکت محمد گرامی وسیگاری (۳۳۳ سهام)، روح‌الامین (۵۷٪ سهام) و کاشانی (۱۰٪ سهام) بوده‌اند. از شروع کار شرکت تا مردادماه امسال کاشانی مدیر عامل بوده است.

رشد سرمایه‌داری وابسته و سیاست آن به یک سیستم گسترده حمل و نقل باعث حمایتهای مستقیم و غیر مستقیم دولت گذشته. از این بخش گردید. و تسهیلات فراوانی جهت رشد آن فراهم شد. از آنجا که در شرایط کنونی هم راه‌اندازی بیشتر صنایع به فعالیت این بخش بستگی دارد. تلاش جهت رکود شرکتهای فوق اثرات مهمی بر اقتصاد جامعه، خواهد گذاشت.

سرمایهٔ اولیه این شرکت ۲ میلیون تومان بود. از ابتدای فعالیت با وامی معادل ۶۰ میلیون تومان از بانک ملی بازار. شرکت امکان خرید ۵۰۰ تریلر را پیدا میکند. هر تریلر ۲۸۰ هزار تومان خریده میشود. و لذا مابقه ۲۰۰ دستگاه آن بقیمت هر دستگاه ۶۰۰ الی ۶۴۰ هزار تومان بفروش میرسد. بعد از دو سال فعالیت ۸۲ دستگاه دیگر بقیمت هر دستگاه ۳۳۰ الی ۲۶۰ هزار تومان فروخته شد. باین ترتیب خود هنگفتی عاید شرکت گردید. شرکتی که با ۲ میلیون سرمایهٔ اولیه شروع بکار کرد، در سال ۵۶ درآمد ماهیانه‌اش به ۲ تا ۷ میلیون تومان بالغ میگردد.

کارکنان شرکت رانندگان و کارگران فنی می‌باشند. تعداد رانندگان متناسب با کار شرکت در بعضی موارد به ۲۵۰ نفر میرسید و تعداد کارگران فنی که در کارگاههای ترمینال به کار مشغولند نیز بطور متغیر تا ۲۰۰ نفر رسیده است.

حدود ۲۵۰ نفر از کل کارکنان را افراد خارجی (بنگلادشی، هندی، فیلیپینی و ...) تشکیل می‌دادند. کارکنان خارجی از طریق سازمانهای کار یابی در کشورهایشان معرفی میشوند. و اکثر رانندگان از این نوع بودند. اکنون که تقریباً قسمت عظیمی از شرکت خوابیده. کارفرما عده زیادی را رانندگان و کارگران را اخراج کرده است.

چرا حداقل امکانات رفاهی را از کارگران سلب میکنید؟

ترمینال از ۷ کارگاه و یک انبار تشکیل شده است. اکنون معموماً ۸۶ کارگر در قسمتهای مختلف مشغول کارند. در گذشته نیز همین کارها با دو برابر این تعداد کارگر انجام میگرفتند که با اخراج عقبه، باسهای گوناگون کارها به این تعداد کارگر تحمیل شده است. دارایی کارگران بعنوان قبل و سقوط رژیم کمتر شده است. در شرایط کنونی حق مسکن و خواربار کارگران ۲۳۰ تومان (حق اولاد ۱۲۶ تومان است.) سود ویژهٔ کارگران درگذشته سالی ۱۰۰ روز بود که به سالی ۳۰ روز تقلیل یافته است. حقوق کارگران از ۲۲۰۰ تومان تا ۳۰۰۰ تومان بعنوان درجهٔ تخصص آنها در نوسان است.

در کارگاهها و وسایل ایمنی خبری نیست. و امکانات اولیهٔ بهداشتی نیز در اختیار کارگران قرار نمیگیرد.

کارگران از داشتن ملک سرویس یا سالن غذاخوری محرومند و مجبورند با ارزانه با خود غذا بیاورند. و یا اینکه از غذاخوری شخصی که اجناس را قیمتهای سرسام آور میفروشد غذا تهیه کنند.

درگذشته که بازار سرمایه‌های خارجی و بساط قاچاقگری رواج کامل داشته بعلت تراکم کار، کارگاهها دوشیفته کار میکردند. ولی اکنون بعلت عدم ترمیم لوازم یدکی درگیری و مشکلات مدیریت و کارشکنی‌های کارفرما، اکثر تریلرها خوابیده‌اند. و کارفرما مثال اکد است. باین ترتیب شرکت خود نیز چون دیگر بخشهای وابسته در موقعیت حساس کنونی با برکود کشانیدن کارها ضربات خود را بر صنایعی نیز که کماکان روز افزون کارگران و شوراهای آنها، مجبور به ادامهٔ فعالیت شده‌اند.

بخوبی مشاهده میکنیم که سرمایه‌داری وابسته چگونه با حفظ پیوندها، پیش با امپریالیستها، به انحاء مختلف اثرات مخرب خود را بر اقتصاد جامعه‌مان میگذارد. و ایجاب است که لزوم قطع کامل دستهای اخلالگر آنها مشخص‌تر میشود. در غیر اینصورت هرگز نباید انتظار ادامهٔ فعالیت موفقیت آمیز بخشهائی را داشت که وسیله شوراها اداره میشود.

شورای کارکنان اولین پیروزی

قبل از قیام ۲۲ بهمن کارکنان شرکت از هرگونه تشکلی محروم بودند. اولین انتخابات آنها قبل از مدت امسال صورت گرفت. مدیر عامل شرکت در ابتدای تشکیل شورا کوششهائی جهت ممانعت از انتخاب کنانیدن و وابستگردن آن شروع کرد. که ناموفق ماند. فعالیتهای شورا با گرفتن امتیازات صنفی از قبیل حق مسکن و خواربار... شروع شد. و جلو تلاشی‌های کارفرما در جهت محدود و بدنوسها بنام "متوقف کردن فعالیت شرکت" را گرفت. کارکنان با آگاهی به اهمیت فعالیت کامل شرکت، کارشان را شروع کردند. و این امر در صدر برنامه‌هایشان بود. از این نظر شورا با تحت نظر قرار دادن مدیریت، مواد اولیه و قطعات لوازم یدکی را از گمرک آمد و بود با گمرکچی آینده. می‌گفت از طرف دولت دستور داده‌اند شرکتها همه جمع شوند. بعد ۲۰۰ تومان از پول گدایی آنا بیش دادیم تا رفت. بعد نسخه‌های مبدوخودش را نشان میدهد. یکی از متریهای سیدهم که هیکل درشتی داشت بدون نسخه‌ها یک مشت کاغذ از جیبش درمی‌آورد و می‌گوید: "بسمه‌الله! سل سویه این روزا داخت. سل بدر سو درآورد."

بقیه از صفحه ۳

روستای "طُرق"

نمونه‌ای از روستاهای استعمارزده

حودم که علیلم. رنجم ملحه، پسر بزرگم ۷ سال است که بادوای دکتر راه سره ۲ سال است که این زن قلیر احمیو حور می‌کم."

زن به حمایت از شوهرش باگریه می‌گوید: "سد علیله. هرروز سره شهر مقری. ما ۲ تا بچه داشتیم هردو مردید! می‌فهمید مردن یعنی چه؟! آنوقت حالا سامده؟ رئیس پاسگاه. بعاونش راسکم آمدبود سروگوشی آینده.

در طول سرمایهٔ اولیه این شرکت ۲ میلیون تومان بود. از ابتدای فعالیت با وامی معادل ۶۰ میلیون تومان از بانک ملی بازار. شرکت امکان خرید ۵۰۰ تریلر را پیدا میکند. هر تریلر ۲۸۰ هزار تومان خریده میشود. و لذا مابقه ۲۰۰ دستگاه آن بقیمت هر دستگاه ۶۰۰ الی ۶۴۰ هزار تومان بفروش میرسد. بعد از دو سال فعالیت ۸۲ دستگاه دیگر بقیمت هر دستگاه ۳۳۰ الی ۲۶۰ هزار تومان فروخته شد. باین ترتیب خود هنگفتی

چرا به هشدارهای مکرر شوراهای مردمی توجهی نشد

واگذاری قدرت و نقش اجرائی به مردم تضمینی در مقابل هرگونه انحراف است

کارکنان سازمان انرژی اتمی: برخی رؤسای فعلی سابقاً به نشان "همایون" مفتخر شده بودند!

عنصر خنثی مواصل ساواک در سنا غلیا لای دولتی، یکبار دیگر ضرورت بررسی مسئله را در سطحی وسیع‌تر مطرح میسازد. این عنصر گرچه بسیار دقت انگیز می‌نمود، ولی از سوی توده مردم، مانند یک امر طبیعی تلقی شد. طبیعی از این نظر که افشاء مختلف مردم از همان روزهای پس از سقوط رژیم، انتظار چنین چیزهایی را داشتند چون می‌دانستند که سقاهای رژیم قبل هنوز در نهادهای عمومی نفوذ دارند. از این رو آنها مصرانه وحتی گاه با بریا کردن اعتصاب، تحصن و تظاهرات ضرورت تصفیه و پاکسازی را مطرح ساختند. زیرا مردم میدانستند که امپریالیسم در مقابل ما تلاشهای هیاهوی فهرمانانه آنها، چاره‌ای جز عقب‌نشینی فاکتیکی نداشت روش است که این عقب‌نشینی موقتی برای مقط امکانات و استفاده‌ای نهادهای قبلی، خودبوده و در مراحل بعدی دوده مردم که شاهد رخنهٔ این عوامل بوده با نحاء طرق ممکن زبان به اعتراض گشود ودست اندرکاران متقاعلاً با پاها را مردم دانیدند که: هرکس را برسرکار میگذاریم بر او برچسب امپریالیست میزنند. در همین مورد شورا و کارکنان قلعه در نامه‌ای اعتراض خود را قاطعاً اعلام کرده بود: "از بدو انتصاب یک علق در اداره بیست ۵۸ به فعلی وزیر هشدار دادیم..... و هم اکنون نیز مواصل وکه‌پرست های دیگر که در چند استان، بکارهای برخورد سازنده‌ای که پیش گرفته‌اند، بزرگترین عامل و دلیل نفوذ ضد انقلاب در ارگان مختلف مملکت گردیده. مواصل ساواک منابع اطلاعاتی و مقامات رژیم سابق وطور کلی آدمهائی که در کشیدن ما در دهه‌های اول پهلوی در کوشه و کنار متوطن و پیدا شده بودند تنها راه نجات خود را فرار از مرزها می‌دانستند، با مشاهدهٔ موج توده پذیری ما در داخلی و حمایت خارجی، به ماندن و بقای خود پیکروی مجدداً آغاز میشود. لذا با کمال زیرکی در کلیه ارگانها و ادارات بخصوص در سطوح بالای تصمیم گیری چه در نهادهای دولتی و چه در کمیته‌ها و پاسداران و روحانیت.... با رها مورد خواست مردم قرار گرفت وحتی مسئولین نیز در برخی موارد آنرا مطرح نمودند.

چگونه ضد انقلاب فرصت رخنه می‌یابد؟

اما در این میان برداشت وطرز عمل مقامات در قسمتی مطرح بکلی متفاوت بود. برخورد سازنده‌ای که پیش گرفته‌اند، بزرگترین عامل و دلیل نفوذ ضد انقلاب در ارگان مختلف مملکت گردید. مواصل ساواک منابع اطلاعاتی و مقامات رژیم سابق وطور کلی آدمهائی که در کشیدن ما در دهه‌های اول پهلوی در کوشه و کنار متوطن و پیدا شده بودند تنها راه نجات خود را فرار از مرزها می‌دانستند، با مشاهدهٔ موج توده پذیری ما در داخلی و حمایت خارجی، به ماندن و بقای خود امیدوار گشتند. از آنجا که دشمن بنا به ماهیتش در مقابل هرکار که به عقب گذاشته شود بگذارد جلو می‌آید. این عناصر نیز در مقابل مبارزات و روشهای مسالمت جویانهٔ موجود چنان جرأت یافتند و مشغول فعالیت ضد انقلابی بودند.

بازتاب‌های داخلی و خارجی عدم قاطعیت

در مقابل عوامل مؤثر بر کمترین ضربات شوراها و سخنرانی‌های مالی است. و لانمونه‌ها و متعددی حاکی از نفوذ یک جریان ضد انقلابی در بطن نهادهای حاکمیت کنونی وحتی بالاترین ارگانهای تصمیم گیری آنها است که بطور منظم در جهت اجرای مقاصد و اهداف امپریالیستی تلاش می‌نمایند. عکس‌العمل های فاحش در مقابل تمکین و سازشکاری و فوق الذکر نیز مؤید این مدعاست. در ست از همان موقعی که سرسپردگان یکی پس از دیگری از زندان آزاد شدند و در برخورد با آنها تخفیف‌هایی داده شد و برخی نیز در نظاط کنونی به سرکار سابق خود برگشتند. توافق‌های سیاسی و اقتصادی گسترش یافت که اوال کالا و قطعات یدکی جنگ افزارها را تسهیل میکرد و درست بعد از این جهان است که لحن مطبوعات غرب نیز تغییر می‌کند!

برخورد قاطع برای جلوگیری از نفوذ ضد انقلاب

چرا با ثبات، غیر وزارت بازرگانی و رآهن، مثل همیشه ثابت کرد که مردم بحق بوده وهستند. طبیعی است که تا وقتی که نهادهای حاکم بطور بنیادی و انقلابی، زیر و رو با زسازی نشوند، فاز مانی که معیارهایی مانند تخصص، وابستگی به نظام حاکم و اطاعت بی چون وچرا از آن سمای "ملاحیت انقلابی" ملاک سنجش افراد و استخدام در نهادهای مزبور باشد، تا زمانیکه تفتیش عقاید و تصفیه‌ها صرفاً انقلابی همچنان در ارگانهای دولتی برقرار باشد، نمونه‌های مندرج از اینها هم خواهد بود و چیز عجیب وغیر منتظره‌ای هم نیست. از اینرو مسئولین و مقامات اگر بخواهند واقعاً "در اینمورد چاره‌ای اساسی بیابند، تنها راه، بجست که سخت گیری‌ها و محدودیت‌ها و کنترلها را مبنای اینکه متوجه جاهایی بگذارند که امپریالیسم خواستار آن است بر علیه ضد انقلاب و عوامل رژیم گذشته وسا واک بکار گیرند. این سخت گیری وقاطعیت بتوانند از اخراج وتصفیهٔ انقلابی گرفته تا دستگیری ومحاکمه ومجازات عوامل خیانت پیشه رژیم سابق کشوش باید.

البته در این روند چون مستقیماً به استعمار و عوامل امپریالیسم ضربه وارد میشود، باید آماده حملات و توطئه‌های آن نیز بود موج حملات و تضعیفات کوناکون سیاسی و اقتصادی. وقتی آغاز میشود که تیغ ها برعوامل ساواک و سیا و امپریالیسم کشیده شود.

دگرگونی بنیادی نهادها تنها راه چاره مسئله

بنابراین چارهٔ مسئله اینست که در برابر بقایای امپریالیسم درهمه ابعاد بطور انقلابی به دگرگونی بنیادی نهادها پرداخته شود. یعنی چه در روابط اقتصادی - اجتماعی وچه در موجود روابط سیاسی با دول امپریالیستی.

در اینصورت چه رهنمودی بهتر از این بنیاد اعبارا ما که: "تمام گرفتاریهای شرق از این غرب است، از این آمریکاست... الان تمام گرفتاریهای ما از آمریکاست".

بنابراین تغییرات - بنیادی اقتصادی - اجتماعی وقطع بدار سرمایه داری - وابسته که به منزلهٔ پایگاه اجتماعی امپریالیسم عمل میکنند در درجهٔ اهمیت قرار دارد. تنها از این طریق پایگاه اصلی ضد انقلاب که از طریق وابستگی اقتصادی - اجتماعی امکان رشد وفعالیت می‌یابد، از بین میرود. با گسترش ابعاد دمیا مبریالیستی خود به مرز بندی دقیق تر وجدیدتری از انقلاب و ضد انقلاب دست می‌یابیم و از این رهگذر دست بسیاری از عوامل پنهان در مدافع نظام پیشین رو می‌شود.

واگذاری قدرت و نقش اجرایی به توده‌ها تضمینی برای جلوگیری از نفوذ سرسپردگان

این دگرگونی بنیادی در شکل سیاسی خود مستلزم شرکت توده‌ها و دخالت وسیع مردم در تصمیم گیری در امور و سرنوشت خود خواهد بود! که جز از طریق تشکیل شوراهای مردمی امکان پذیر نیست. شوراهائی که در آنها به ما حیات اصلی قدرت نقش امرائی خویش شود و تصمیماتش به اعلال و کارشکنی تصمیم شود. اگر راه برای تشکیل شوراها و مردمی با زبود، توده‌ها در بخش‌های تولیدی با خدمات فعال میشدند و کار تصفیه‌ها نمی‌یافتند و رژیم سابق را پیش می‌بردند. چرا که در هر محدودهٔ صنفی، شناسایی مزدوران سابق و انتخاب رؤسای لایق و مردمی در بهترین شکل صورت گرفته و خود مردم مسئولیت پیدا میکردند. نهایتاً دوراه بیشتر متصور نیست راه انقلابی و مبارزه با بقایای رژیم گذشته و ارتجاع و یا پیش گرفتن شیوه‌های محافظه کارانه که در این صورت با افلاس روز افزون و درونی سیستم روبرو خواهیم بود. تازه مواد اعلام شده تنها نمونه‌هایی هستند که سایه شرایطی که پیش آمده با کز بر اعلام شده است. والابد و...

بقیه در صفحه ۸

www.iran-archive.com

در حالیکه سرمایه‌داری وابسته در موقعیت حساس کنونی میکوشد تا مؤسسات را برکود بکشد، کارگران و شوراهای کارکنان با فشار روز افزون خود میکوشند تا از رکود آنها جلوگیری کنند

کوشیده بود با نهام "کمونیست" بودن دستگیر میماندند؟ این اقدام باعث درگیری کارگران و پاسداران میشود. در همین موقع مردم دهات اطراف هم که از قضیه مطلع میشوند بحمایت کارگران میشتابند. بالاخره با وساطت دادستانی قضیه فیصله می‌یابد.

بدهیهای شرکت ملی میشود!

در نتیجه سرسپردگان اولیه که برای ملی کردن شرکت در این زمان به عمل می‌آید چنین شخصی می‌شود: سرمایهٔ اولیه شرکت ۲ میلیون تومان، موجودی فعلی ۸۰ میلیون تومان است. اما در حال حاضر ۲۰۰ میلیون تومان به بانکها و اشخاص بدهی دارد. در این موقع گرامی یکی از سهامداران شرکت سهام خود را بنیاد می‌بخشد! با نگاهی به وضع شرکت مشخص میشود که این بخش دارایی گرامی نبوده، بلکه بدهی هایش بوده است. و باین ترتیب شرکت با چنین وضعیتی به بنیاد مستضعفین تحویل داده میشود. و جزو سرمایه‌های ملی! میگردد. در همین حال میگوید که گرامی سهامدار ممدوح شرکت سیمرغ و شرکت چای گلستان، کارخانهٔ چای در لاهیجان، شرکت ایران پارچه و... نباید در جهت حفظ این سرمایه‌ها حاضر به چنین بذل و بخشی شده باشد.

باین ترتیب کاشانی اخراج میشود و بنیاد مستضعفین مدیر جدیدی میفرستد. کارگران در انتظار دگرگونیهای جدید و امکان فعالیت نمایندگانشان در شورا نمیباشد ولی کارشکنی‌های قبلی علیه شورا ادامه می‌یابد. و مدیر جدید جلو تلاشهای شورا را در جهت گسترش فعالیت شرکت گرفته وارجود طلبه مسئولیت نمیباید. به خانه بتواند سند بکارا منحل نماید، و تنها تشکل کارگران همان شورای ساختگی باشد. بعد از این جریان کارگران متوجه میشوند که آنچه کاشانی را ناراحت میکرده، شکل شوراها بدگانبوده، بلکه نمایندگان واقعی آنها و کوشش وتلاشی بوده که در جهت منافع کارگران انجام میگرفته.

می‌بینیم که سرسپردگان بیگانه خواست مردم محروم را درنظر ندارند. به کارافتادن شرکت تنها خواست کارگران بود بلکه منافع همهٔ مردم در اینمرحله چنین حکم میکند. وبهمین دلیل سرمایه‌داران وابسته شدیداً با شورا مخالفت دارند. آنها فقط منافع اربابانشان، امپریالیستها را درنظر دارند. نمیخواهند صنایع مایا اتکاء به نیروی شوراها بکار افتد.

چه دستهایی کمیته‌ها را در برابر کارگران قرار میدهد؟

بالاخره در مردادماه امسال با دعوت کاشانی نمایندهای از کمیته‌ها جهت هماهنگی در کارخانه حضور می‌یابد. با اتکاء به قدرت کمیته تعدادی از کارگران فعال وسهم امضای شورا را به نمایندهای علائلگری (ارشرکت اخراج میکند. بدنبال آن برای شورا اساسنامه‌ای تنظیم مینماید که وظایف شورا در آن چنین دگرمیشود:

شورا حق مداخله در امور مدیریت کارخانه را ندارد. تنها وظیفهٔ شورا رواج شعار مذهبی وتبلیغات مذهبی است! و هیچ مسئولیت دیگری ندارد!!

جالب است که تنظیم این اساسنامه در مردادماه صورت میگیرد، و در مقایسه با اساسنامه تصویبی دولت مشخص میشود که چه کسانی در تهیهٔ آن شرکت داشته‌اند. کارگران پاسرمایه‌داران! نمایندهٔ مذهبی و تبلیغات مذهبی سرمایه‌داران نیز چیز جدیدی نیست. همان مذهب‌بی دردسر که شاه هم خود را حامی آن می‌دانست.

بدنبال این اقدام یکپیرمشناسه سنی مرتاپید مدیریت (کاشانی) تهیه میکند. روز بعد درجلو کارخانه شرط ورود برای کارگران را امضای آن میگذارند، چند نفر باسداد مسلح نیز مجری این فرمان میشوند.

کارگران از قبول آن سرباززده، و جلو شرکت تجمع میکنند. در همین ضمن یکی از افراد کمیته محل به نفع کارگران دخالت میکند. طبق اظهار کارگران، در همین موقع یک کامیون باسدار جلوی در ورودی پیاده شده، و با روشهای صد چرخی! وارد ترمینال میشود. وفردی را که از کمیته دخالت کرده بود باتهام "کمونیست" بودن دستگیر میماندند؟ این اقدام باعث درگیری کارگران و پاسداران میشود. در همین موقع مردم دهات اطراف هم که از قضیه مطلع میشوند بحمایت کارگران میشتابند. بالاخره با وساطت دادستانی قضیه فیصله می‌یابد.

بدهیهای شرکت ملی میشود!

در نتیجه سرسپردگان اولیه که برای ملی کردن شرکت در این زمان به عمل می‌آید چنین شخصی می‌شود: سرمایهٔ اولیه شرکت ۲ میلیون تومان، موجودی فعلی ۸۰ میلیون تومان است. اما در حال حاضر ۲۰۰ میلیون تومان به بانکها و اشخاص بدهی دارد. در این موقع گرامی یکی از سهامداران شرکت سهام خود را بنیاد می‌بخشد! با نگاهی به وضع شرکت مشخص میشود که این بخش دارایی گرامی نبوده، بلکه بدهی هایش بوده است. و باین ترتیب شرکت با چنین وضعیتی به بنیاد مستضعفین تحویل داده میشود. و جزو سرمایه‌های ملی! میگردد. در همین حال میگوید که گرامی سهامدار ممدوح شرکت سیمرغ و شرکت چای گلستان، کارخانهٔ چای در لاهیجان، شرکت ایران پارچه و... نباید در جهت حفظ این سرمایه‌ها حاضر به چنین بذل و بخشی شده باشد.

باین ترتیب کاشانی اخراج میشود و بنیاد مستضعفین مدیر جدیدی میفرستد. کارگران در انتظار دگرگونیهای جدید و امکان فعالیت نمایندگانشان در شورا نمیباشد ولی کارشکنی‌های قبلی علیه شورا ادامه می‌یابد. و مدیر جدید جلو تلاشهای شورا را در جهت گسترش فعالیت شرکت گرفته وارجود طلبه مسئولیت نمیباید. به دنبال درگیریهائی که کارگران با مدیر جدید پیدا میکنند، سوابق راجستجو مینمایند. در تماس با کارگران شرکت تراس کشتیرانی متوجه گذشته مدیر فوق میشوند. آنها میگفتند شخص فوق در زمان رژیم شاه مدیر آن شرکت بوده است که بدنبال مبارزات کارگران و تحصن دو ماهه آنها در وزارت بازرگانی او را اخراج مینمایند. جای تعجب است که با این سابقه چگونه نامبرده بسمت مستضعفین شده است.

قدرت گرفتن شوراها راه حل مشکلات شرکت است

مدیر جدید از ابتدای ورود در صریحاً "شورائی‌ها که توسط کارکنان تشکیل شده بود، غیر رسمی قلمداد کرده، وگفته به شورا مینشانم و نه سندیکا. یک کارگر، یک راننده، یک کارمند را میدیدم.

در حال حاضر شورا موانع کار در شرکت باین ترتیب مشخص کرده است:

۱- ترخیص نکردن کالاها و قطعات یدکی.

۲- فراهم نبودن لوازم و مواد اولیه‌ای که اکثراً "از بازارهای داخلی سیر میتوان تهیه کرد.

۳- عدم قبول مسئولیت توسط مدیر فعلی و به تعطیل کشانیدن شرکت.

۴- برسمیت نشناختن شورا و اختلاف انداختن بین کارگران و رانندگان باین ترتیب، علت اصلی رکود شرکت حاکمیت روابط گذشته است. درست است که کاشانی رفته و نمایندهٔ بنیاد آمده، ولی همان برخوردهای گذشته باشورا میشود. تاوقتیکه قدرت شورا برسمیت شناخته نشود، وامکان فعالیت به آن ندهند، رفع نابسامانی در شرکت ممکن نیست. در حکم بنیاد که مدیر جدید را معرفی نموده، با اختیار ثانی که باپیش داده، سرو سامان دادن به شرکت را خواستار شده است. ولی راهی که جهت این منظور در پیش گرفته شده، همان شیوه‌های مدیر سابق است که تضعیف شوراها را درصدر کارهایش قرار داده بود.

شوراسیتواند نقش مهمی در راه انداختن شرکت داشته باشد. این را درگذشته با فعالیتهایش بوضوح نشان داده. ولی سیمان دلیلی که مدیر وظالقانی بآن بارها اشاره میکرد، با رسمیت دادن به شورا مدیران سابق و غیر مسئول گذارده میشوند. آنها از بقدرت رسیدن مردم وحشت دارند. آنهائیکه منافعشان بخطر می‌افتد، همان سرمایه‌داران و وابستگان به نظام قبلی‌اند. آنهائیکه میخواهند شرایط گذشته را در کارخانجات و مؤسسات صنعتی برقرار سازند و حالا زیر پوشش بنیاد مستضعفین خود را مخفی میکنند. برای کارگران هیچ تغییری بوجود نیامده، چه آن موقع که شرکت بوسیله نماینده سرمایه‌داران اداره می‌شد. امکان فعالیت شورایشان وجود نداشت. وحال که وسیلهٔ بنیاد مستضعفین اداره میشود نیز امکان فعالیت ندارند.

جرا به هشدارهای مکرر شوراهای مردمی توجهی نشد

واگذاری قدرت و نقش اجرائی به مردم تضمینی در مقابل هرگونه انحراف است

کارکنان سازمان انرژی اتمی: برخی رؤسای فعلی سابقاً به نشان "همایون" مفتخر شده بودند!

عنصر خنثی مواصل ساواک در سنا غلیا لای دولتی، یکبار دیگر ضرورت بررسی مسئله را در سطحی وسیع‌تر مطرح میسازد. این عنصر گرچه بسیار دقت انگیز می‌نمود، ولی از سوی توده مردم، مانند یک امر طبیعی تلقی شد. طبیعی از این نظر که افشاء مختلف مردم از همان روزهای پس از سقوط رژیم، انتظار چنین چیزهایی را داشتند چون می‌دانستند که سقاهای رژیم قبل هنوز در نهادهای عمومی نفوذ دارند. از این رو آنها مصرانه وحتی گاه با بریا کردن اعتصاب، تحصن و تظاهرات ضرورت تصفیه و پاکسازی را مطرح ساختند. زیرا مردم میدانستند که امپریالیسم در مقابل ما تلاشهای هیاهوی قهرمانانه آنها، چاره‌ای جز عقب‌نشینی فاکتیکی نداشت روش است که این عقب‌نشینی موقتی برای مقط امکانات و استفاده‌ای نهادهای قبلی، خودبوده و در مراحل بعدی

بقیه در صفحه ۸

مردم و مجاهدین

امکانات همیشه بیش از توان ما هستند

قبل از وارد شدن به صحبت‌ها — بجاست تذکر چند ساله ضروری منظر میرسد. اول اینکه درمیان انبوه نامه‌هائی که هر هفته بدست ما می‌رسد، درتعدادی از آنها مسائلی مطرح شده و ازما چیزهائی خواسته‌اند که بصحیح و معمارانه انجام آن نیست. از این قبیل دوستان خود شما داریم. موقعیت و امکانات و کار ما را درنظر بگیرید. و بیش از این ما را خسته سده سازید.

نکته دوم اینکه حجم بسیاری از نامه‌ها بقدر دانی و تحلیل از "مجاهد" اختصاص می‌یابد. ما از کلیه خواهران و برادران خواهش داریم که بیشتر انتقادات و نقایصمان را گوشزد کنند. مطمئن باشید که درایصورت ما را بهتر خوشحال میکنید.

نکته سوم اینکه در اغلب نامه‌هائی که بدست ما میرسد، چقدر انتقاد و چه درقدردانی، مقدار زیاد وتکلی گوشی میشود. از شما خواهر و برادر عزیز تقاضا میکنیم بجای اینکار نقاط ضعف و یا نقاط قوتی که بطور مشخص مورد نظر تان هست بنویسید. مثلا "بارها بنامه‌هائی برخورد کرده‌ایم که فلان مقاله بسیار جالب بود.. یا من ازفلان مقاله خوشم نیامد ویا... نامه‌های شما وقتی میتواند رهگشای ما باشد که در این‌گونه موارد با ذکر دلایل ونمونه‌ها و مشخص کردن آنها ما را راهنمائی کنید نکته بعدی اینکه بعد ازفرستادن خبر یا گزارش و سند و عکس وغیره... انتظار چاپ و یا استفاده بلافاصله آن را نداشته باشید مطمئن باشید که نکته‌ای نامه‌های شما خوانده شده، و بنحوی مورد استفاده قرار میگیرد.

رهنمود به برادران و خواهرانی که در ایران اند

اما نامه‌های این هفته، عدد ا این نامه‌ها بمراتب از هفته پیش بیشتر بود. و درمیان آنها به مطالب بسیار جالبی رسیدیم. از انتقادات جزئی تا کلی و از سؤالات خاص تا عام. ابتدا به چند مساله که در بسیاری از آنها مشترک بود اشاره میکنیم.

مدعای ازخواهران و برادران به خصوص آنها که درنقاطی هستند که امکان ارتباط نیستیم. اما و با مراکز ما درشهرستانها را ندارند سؤال کرده‌اند "درمحیطی که هستند چه‌کاری بطور مشخص میتوانند بکنند؟ تا بهتر و مفید تر باشند. این خواهران و برادران از رهنمود نداشتن و آنها درچگونگی انجام وظایف خود گله‌مند بوده‌اند. ما به این عده از دوستان خود سفارش میکنیم که در وهله اول به نزدیکترین شعبه‌تشکیلاتی در شهرستانهای خود مراجعه کرده و در ارتباط با آنان از راهنمائیهایشان استفاده کنند. چنانچه چنین کاری شدنی نبود، متناسب با توانائی و وضعیت خود میتوانند برای سرمنشورها و خطوط مشخص شده (درنشریات سازمان) در امام وظایف انقلابی و مکتبی خود تو بکوشند.

مثلا "خواهری ازیکی ازشهرستانها سپهای دوره‌ها و دبیرستانها دبیرستان را ط هم ندارد... ما به این خواهر توصیه میکنیم ضمن حفظ ارتباط خود با ما از طریق نشریات و اعلامیه‌ها و... و با استفاده از آنها درمحیطی که هست فرهنگ انقلابی وبلد تولوژیک سازمان را گسترش دهد. درعین‌المثل این خواهر می‌تواند از نشریات ویژه دانش‌آموزی ما برای دانش‌آموزان، وازنشریات سطح بالاتر برای دیگران استفاده نماید. این خواهر میتواند دانش‌آموزان را در امر تشکیل شورای مدرسه‌ای یاری داده، رشد شخصیتی برادران و خواهران کوچکتر را تضمین کند. یا اینکه باگذاشتن وقت کافی وکلاسهای خاص و برخورد یکری که برایش مکتبست سیاسی‌های امپریالیسم و ارتجاع را خنثی کند. این خواهر میتواند با انتشارات خاص از قبیل تهیه روزنامه‌های دیواری وجلسات سخنرانی وتکثیر وپخش اعلامیه‌های سازمان و... درمحلی جمع‌بندی واقعی انقلاب نقش شایسته خود را ایفا کند. این خواهر میتواند با گذاشتن برنامه‌های کوهنوردی وبرنامه‌های نظیر آن عملا "تمام کسانی که درشعاع عمل او قرار دارند، درمحیط کار و زندگی مشترک، درس خلوص و فداکاری و صداقت بدهد. و بهمین گونه برادری که در دهی دورافتاده با موریت دارد و یا کارگری که درفلان کارخانه دور کار میکند ویا....

دراین رابطه درنظر گرفتن دو مساله ضرورت دارد:

اول اینکه امکانات ما همواره بیش از توان ما هستند واینکه بگوئیم "نیست" بهمین‌چه بذرفتنی نمی‌باشد. باید فکر گذاشت و امکانات را تا حضور و آنها کارکرد.

دوم اینکه بهارزش کارخود واقف بوده و "باید مدارد" را بطور اعداد بی‌هیچگونه تعارفی سگوئیم این وظیفه هریک ازخواهران وبرادران است که چمس مسئولیت را قبول کنند. و دانند که کمترین مرحلهٔ انقلابی سازمان از وظایف اساسی تک تک آنهاست.

به این علت ضد ارتجاع هستیم که عملکرد آن بنفع امپریالیسم است

درنامه‌های متعدد دیگری از ما خواسته‌شده که هرچه بیشتر افشاگری کنیم. ماضمن تأکید برنقش افشاگری در آگاهی توده‌ها تاکید به رعایت ودرنظرگرفتن این مساله هستیم کوشش میکوشیم تضاد عملی ما با امپریالیزم است یعنی مرتکاری که میکنیم باید درخدمت حل این تضاد باشد. درمورد افشاگری سست بمواضع ارتجاعی وبااقدامات انحصارطلبانه و مرتجع‌طلبانه... نیز تا آنجا مجاز هستیم که درجهت حل این تضاد باشد. ما به این ملت ضد ارتجاع هستیم که عمل‌کرد ارتجاع بنفع امپریالیسم تمام می‌شود. بنا بر این برای جلوگیری از چپ روی های ساده‌اندیشانه وبا راست روبهای محافظه‌کارانه باید معیاری داشت واین معیار همان تضاد اصلی، یعنی مبارزهٔ ضد امپریالیستی است. ازشما برادران و خواهران نیز میخواهیم اگر میخواهید در خطوط ما مطالبت کنید به این مساله بسیار مهم توجه داشته‌باشید. اگر افشاگریهای شما مثلا "درجهت هرج و مرج باشد، ویا بهانه بدست ارتجاع داده و افزایش فشارهای مرتجعین را باعث شود، بمبرا هافتاده‌اید. وضررش دامنگیر کل جنبش ازجمله خود ما خواهد شد.

به ادعاهای احتمالی افراد اصالت ندهید

درچند نامه خواهران وبرادرانی تذکر داده‌اند که چگونه عده‌ای خودرا از اسم سازمان سوءاستفاده کرده، مسائل انحرافی را مطرح کرده‌اند، و یا حتی از سوی دوستان ناآگاه مطالبی به سازمان نسبت داده میشود که بهیچوجه از ما نیست. ضمن تشکر از احساس مسئولیت این خواهران وبرادران باید بگوئیم که قبیل کارها اگر بصورت فردی باشد که اکثرا "هم هست، از نوع کارهائی است که بعواقب کاری از دست ما بر نمی‌آید جز دادن تذکر. ولی اگر قضیه ازجاهای دیگری آب بخورد... که نمونه‌هایش را درچند شماره‌پیش نوشتیم سپاه بنویسید تا به موقع جلوی آنها را گرفته و یا احیانا" افشا کنیم.

دربعضی موارد هم این قبیل کارها بسابه ضرورتهائی (مثلا "داشتن ارزش امروزی گذاری) بهتر است "لغو" تلقی شده، واز کنار آن بی‌خیال گذشت. مانند ادعای آن حزب درمورد همکاری ما با آنها، که برادری فیزیکی گفته" سخنگویش را برای ما فرستاده‌بود، در این رابطه از کلیه دوستان — وحتی غیر دوستان — خود میخواهیم که گفته‌ها و نظرات افراد را دقیقا" با موضعگیریها و رسمی وعلنی سازمان بسنجند و به ادعاهای احتمالی افراد اصالت ندهند.

خواهری از آبادان (دبیرستان فردوسی) نامه‌فصلی برای ما نوشته و از موضع انتقادی سؤالات متعددی در مورد مواضع عقیدتی وسیاسی ما مطرح کرده‌است. بدیهی است این خواهر نباید انتظار داشته باشد که به سؤالات او که هریک مستلزم بحث های مفصل و پیچیده‌ای است پاسخ بدهیم. اوکاش محدود به چنین کاری برنمی‌آید. ازشما خواهری که از عدای بزرگ برایمان آرزوی هدایت کرده‌اید تقاضا می‌کنیم بیشتر فکر کنید، کتابها ونشریات ما را با دقت بیشتری بخوانید امیدواریم همانطورکه با مطالعه شمارهٔ ۶ مجاهد تا حدودی بمجاهدین نزدیک شدید پاسخ بسیاری از سؤالاتتان را نیز بیابید.

تاریخ پاسخ خواهد داد

از رشت (سیدمحمود ف) نامه‌ای نوشته که قسمتهائی از آنرا عینا "نقل می‌کنیم "اکنون شما برادران مجاهد روز به روز تغییر موضع داده، وتبرصد انقلاب را به هدف میزنید. یک روز طالقانی عزیزرا که مجاهد بزرگی بود، آنقدر پرده‌دریها کردید که امام را مردم فراموش کنند.....؟ شما بازیچهٔ دست سازمان چریکهای فدائی خلق شدید وآنها را به آرزویشان رساندید! کدام آرزو؟ "شما سکی است حالا نفهمیدم که من چه میگویم ولی ایرادداشتید که تاریخ پاسخ خواهد داد... انشاءالله — "این قول از ما پاسخ خواسته است. ما نیز پاسخ او را بتاریخ حواله میدهیم. وضمنا" ازاو میخواهیم که مسائل را بدور از غصب بررسی کند، ونوشته‌ها ونشریات واعلامیه‌ها را با دقت بخواند.

انحصارطلبی کرده‌اید

برادران دانشجوی مسلمان دبیرستان هدف درنامه‌ای انتقاد کرده‌اند که "درشماره ۶ مجاهد انحصارطلبی کرده‌اید" و نوشته‌اید "ما از روابط گذشته شما وبدر طالقانی اطلاع چندانی نداریم. شاید او رهبر شما بوده.... ولی دیگر حق نبود که انحصار طلب باشید، ومقبول پدر طالقانی بپذیرید قبل ازغوره‌شدن مویز نشوید". ما ازنامه مختصر و صادقانهٔ این برادران متوجه شدیم که چرا انحصارطلبی کرده‌ایم؟ آیا وجود نامه‌دادن برای پدرکه آنقدر به ما محبت داشت، و صاحب‌خانواده — اش، ونقل خاطراتی ازاو و عکس وغیره... انحصارطلبی است؟ درکدام نوشته یا سخنرانی وبحث، گفته‌شد که "پدر — پدرطالقانی" که درمورد "امام" هم همیشه گفته‌ایم مقام ایشان بالاتراز منافع یک گروه خاص است، وهیچ‌فرد و باگروهی نباید از نفوذ معنوی‌ایشان در جهت منافع خود استفاده کند.

سؤالی شده که ازشهرستان ها چگونه میتوانندکمک مالی برای ما بفرستند درهر شهرستانی که هستند، میتوانند به همان آدرس همیشگی ما، نصف‌ارا حساب ۱۲۰۰ ... حواله کنید وقبض را نیز به آدرس صندوق پستی بفرستید.

انتقاد شده که جزوه "برتوی از اندیشه‌های طالقانی" (انتشار بوسیله جنبش ملی مجاهدین مرکز تبریز) "به این‌صورت "درشا" نبودنبود. علیرغم اینکه از محدودیت امکانات برادران خود در تبریز کم‌وبیش اطلاع داریم به آن توصیه میکنیم بخاطر این برادر توجه کنند.

شیوه عضوگیری و شرایط آن

سؤالاتی درمورد نحوه عضو گیری شده‌است. باید تذکر داده‌که شیوه عضو گیری دریک سازمان انقلابی، تاآنجاکه به فرد مربوط میشود، بسیارزیادی مراحلی از رشد فردوانطباق با معیارهای سازمانی وکسب صلاحیتهای لازم صورت میگیرد. خواهران وبرادران دراین مورد به دفترهای جنبش ملی مجاهدین و یا مراکز دیگر مراجعه کرده، و راهنمائی‌های لازم را از آنها بخواهند.

برادری وقائم شهر برایمان نوشته که روش نمیشود به‌مرکز جنبش مراجعه کند و... پیام ما پایین برادرانست که توضیح چیز از آنها کم‌نداری، وبه هیچوجه آرایش باستخبارات‌نگرانی داشته باشی. با اطمینان قلبی به‌آنجا بروی، و همکاریت را آغاز کن.

جرادر صالروز شهادت حاج آقا مصطفی خمینی یادی از او نکردید؟

انتقادی شده‌که درشماره‌گذشته که‌معادف بودباشهادت حاج آقا مصطفی خمینی، چراچیزی ننوشتید. درحالیکه ایشان نعراست مرتجع بودندونه...

توضیح اینکه‌بودن یانبودن مطلبی در "مجاهد" دقیقا "به‌معنی نظرات ما درمورد اهمیت دادن یانداشتن‌بموضوع نیست. چهاسابقی ازماشکه‌اکنون هم بیشاریم توان و امکان طرح آن را نداشته باشیم. توان وامکانی که ازیک طرف بعنوان تشکیلاتی مابرمیگردد، واز طرف دیگر به ۱۲ صفحه درهر هفته محدود میشود. وبالاخره به مسائل اجتماعی‌ای برمیگردد که‌لازم‌می‌بینیم بهآنها برخورد کنیم. وآن مسائل‌نیزی دیگری برای مانمیگذاردتابه‌مسائل‌مهم دیگر بپردازیم. بطور مشخص درهفته های گذشته سالروز شهادت چندتن از برادران ما مهدی محسن وعلیرضا آلت مجتبی الادپوش و... نیز بود و ما یادی از آنها نکردیم. اگر درسالروز یک برادر شهید یادی‌ازاوکردیم و در سالروز برادردیگریادی از او به میان نیامد، دلیل برتری اولی بردومی یا بی‌توجهی نسبت به دومی نیست.

برادر (د. ض. ت) از بابلسر نامه پرمحبتش را به‌برادران مسعود و موسی رساندیم. از صلابت شو بی‌اندازه خوشحال شدند. برادرمطمئن باش تاچون تو برادران زحمتکش و مبارزی داریم هرگز آندیشه شکست‌را به ذهن راه نخواهیم داد. باردیگرازتمام خواهران وبرادرانی که برای ما نامه نوشتند، تشکرکرده دستشان را از دور میفشریم.

دانشگاه وانقلاب (۲)

هوشیاری انقلابی خود را درگزینش تاکتیکهای سیاسی حفظ کنیم

"نگاهی تحلیلی به‌اشغال ساختمانهای بزرگ توسط دانشجویان"

تحلیلی خاص از موضوعی مشخص در روند تحلیلهای دانشگاه وانقلاب

بقیه از صفحه اول

رزمنده وانقلابی ما مورد استفاده قرارگرفته، یعنی مسأله اشغال ساختمان های بزرگ برای استفاده بعنوان "خوابگاه دانشجویان" را درهمین چهارچوب مورد بررسی قراردهیم. وبدین ترتیب عام را درخاص پیاده‌کنیم، وازجریان عمل‌برای ارتقاء نگرش سیاسی خودمان سود بریم. طبیعی‌است که‌درجریان‌این‌بررسی رابطهٔ بین تاکتیکهائی را که انتخاب میکنیم، با استراتژی مبارزه در این مرحله درک خواهیم کرد. وتاکتیک انتخاب شده‌با آنجا اصولی خواهدبودکه‌تناقض‌اصولی با طرح کلی مبارزه دراین مرحله نداشته باشد.

دانشجویان هرگز حاضر نیستند ساده‌اندیشانه به شیوه‌های رفرمیستی دلخوش کنند

قبل از ورود به بحث تذکر یک نکته نیز لازمست واینکه ما مرتباً "مسائل را در چهارچوب دیدگاه، نیروهائی که مبارزه با امپریالیزم وارتجاع را محتوای اصلی مبارزه دراین مرحله میدانند، وامپریالیزم جهانخوار درراس آن آمریکا را دشمن اصلی تلقی میکنند، موردبررسی قرارمیدهیم.

محتوای اشغال ساختمانها ازطرف دانشجویان درجوهرخود بیانگرشورانقلابی دانشجویان ماست. دانشجویانی که درمراسر مبارزات خود از دانشگاه به عنوان پیشروترین سنگر برای ارائه انقلابی‌ترین اقدامات استفاده کرده‌اند. این عمل نشان میدهد که دانشجویان ما هرگز حاضر نیستند ساده‌اندیشانه به شیوه های رفرمیستی دل خوش‌کنند. آنها درک کرده‌اند که دراین مقطع تاریخی اقشار و طبقات استثمارگر ملاحیت رهبری جامعه را درحرکت تکاملی‌شان ندارند. ومیدانند که با ظهور طبقهٔ کارگر، بحق این طبقه توان آن را دارد که‌ما فرازگرفتن درصفوف مقدم انقلاب زنجیرها را یکی پس‌از دیگری بگسلد، وندهای تکامل اجتماع را درهم بشکند. وهمین درک انقلابی درمورد نظام حاکم وقابل نبودن صلاحیت تاریخی برای آن، مبنای تن در ندادن به رفرمیسم است. تن‌ندادن بهرفرمیسم درواقع محصول این اعتقاد است که:

"بورژوازی وخرده‌بورژوازی ماهیتا" توان حل مسائل اقتصادی — اجتماعی و سیاسی جامعه ما را ندارد.

این تاکتیک بازتابی جزهرج و مرج ندارد

قبلا" شکی هم نیست که یک بعد دیگراشغال ساختمانهای بزرگ‌خواسته‌های صنفی دانشجویان، یعنی مسأله مشکل مسکن است، که‌مشخصا "از خواسته های بحق دانشجویان وبخصوص "دانشجویان شهرستانی میباشد. مشکلی‌که‌باید حل‌شود.

ولی همچنانکه اشارهٔ شد، این تاکتیک صرفا" وقتی بطور کامل قابل‌پذیرش است، و واقع‌بینانه‌بوده وبرای شرایط موجود مناسب خواهد بود، که‌دراین‌مرحله درخدمت مبارزهٔ ضدامپریالیستی قرارگیرد. اینجاست که نقاط ضعف‌این تاکتیک میتواند درچهارچوب انقلاب دموکراتیک مورد بررسی واقع شود.

می‌دانیم که مبارزهٔ ما با امپریالیزم درپس خود حاوی‌مبارزه" طبقاتی‌است. ولی ما درمرحلهٔ کنونی بطور عمده درمرحلهٔ‌مبارزه" بین "کارورسرمایه" سرنخیم. به عبارت دیگربرای نفی استثمار وپایه‌گذاری جامعه‌ای که دران بهرکس بهاندازهٔ کارش برسد، باید مرحله فعلی راکه عمدتا "مبارزه‌بین" خلق وامپریالیزم "است، نه بین "کارگر وسرمایه‌دار" پشت سر بگذاریم.

حال، اگر باتوجه به‌این مسأله شیوه‌هائی‌رابیش بگیریم و ازتاکتیک هائی استفاده کنیم که در واقع برای مرحلهٔ مبارزه‌بین "کارورسرمایه" و عمده شدن تضاد "کارگر وسرمایه‌دار" مناسب است، بدون شک این‌تاکتیک‌دراین‌مرحله‌مفید نخواهد بود، وچپ روی بحساب خواهد آمد.

مخصوصا اگر توجه‌کنیم‌که‌بدلیل حادبودن مسأله مسکن مسئله است این تاکتیک از طرف کلیهٔ اقشار بدون‌خانه پیش‌گرفته‌شود، و موج آن گسترش پیداکند، وبازتابی جز هرج ومرج نداشته‌باشد. ودقیقا" درهمین شرایط نیروهای مرتجع به سوء استفاده و تفرقه افکنی بپردازند. حال ببینیم این‌هرج ومرج سیاسی به کجا می انجامد.

تشدید یک تضاد فرعی ما را بساده‌گی از توجه به مسائل اصلی بازخواهد داشت

قبلا" اساسی‌ترین نقطه‌ضعف‌این تاکتیک بوجهت افتادن تولیدکنندگانی است که "بازار ملی" را سرپا نگهداشته‌اند. آنهم نه‌آن‌لحاظ‌که‌این‌سرمایه‌داران خردپا در مالکیت ساختمانهای اشغال شده سهمی دارند، بلکه ازآن روکه دیگر محیط را برای فعالیت اقتصادی‌شان "ناامن" خواهند یافت.

مشخص است که با پیش گرفتن چنین شیوه‌هائی نخستین برپا نگاهدارندگان بازار ملی را بطور مرحله‌ای درکنارخلق نگاهداشته‌ایم، بلکه آنها را یک گام بیش از بی‌تفاوت بودن، بنفع امپریالیزم رانده‌ایم. واین بدون شک دراین‌مرحله به نفع انقلاب ما نیست.

پلحاظ‌اقتصادی هم ثمرهٔ این اقدام افت رونق فعالیتهای‌اقتصادی‌خواهد بود. واین چیزی نیست که امپریالیزم زیاد ازآن بدش بیاید (۱). چرا که‌یک گام او را به تکرار تجربهٔ "شیلی" نزدیک خواهدکرد.

اینجاست که بازهم می‌بینیم که بطور عملی تشدید یک تضاد فرعی ما را به سادگی از توجه به مسائل اصلی بازخواهد داشت.

تاکتیکهای حرکتهای دانشجوئی را اصولیترکنیم

امروز بطور اصلی باید انگشت روی مسألهٔ وابستگی به امپریالیزم آمریکا بگذاریم:

افشا نشدن قراردادهای امپریالیستی تحمیلی والغاء نشدن آنها، تداوم جریان نفت مثل قبل از انقلاب، استوار شدن پایه‌های‌مرتجع ترین‌وفاشیست‌ترین جناحها دربطن نیروهای مسلح وتثبیت آنها، ونیز تصویب‌شدن‌قوانینی درمجلس خبرگان که اصلا "جوهر ضدامپریالیستی ندارد وهمچنین‌غیر دموکراتیک‌ترین‌نهادها را قانونی میکند، و.... ازجمله مسائلی هستند که باید بیشترین توجه را جلب کنند و بیشترین انرژی مبارزاتی را بخود اختصاص‌دهند.

بنابراین بنظر ما بهترین شیوهٔ عملی درشرایط فعلی‌اینست که نمایندگان شوراهای دانشجوئی باجدیت به مذاکره با دولت بنشینند، وتلاش‌کنندکه‌دریک رابطهٔ منطقی، شکل قانونی‌برای خوابگاههائی که دردست‌دانشجویان‌است ایجاد شود. وسعی کنند که درهمین مذاکرات و درچهارچوب کلی، مسألهٔ خوابگاه‌همهٔ دانشجویان راحل کنند.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که خیلی ها ممکن است مسألهٔ اشغال ساختمانها را مورد انتقاد قراردهند. ولی قبلا" انتقاد میتواند از مواضع کاملا" متفاوت انجام شود. انتقاد ما قبلا" از موضع حفظ وضع موجود نیست، بلکه به خاطر هرچه اصولی‌تر کردن تاکتیکهای مبارزهٔ ضدامپریالیستی وضدارتجاعی برای همه خلق ماست.

"به امید هرچه اصولی‌ترشدن تاکتیکهای حرکتهای دانشجوئی"

---

۱ — دراین رابطه‌بجاست که‌بهانهٔ مجاهدین‌دربارهٔ مرا‌حدوم وانتظارات‌مرحلهٔ اکار جمهوری اسلامی مراجعه شود. دراین جزوه درزمینهٔ سرمایه‌گذاریهای کوچک وکمک به بازار و صنایع ملی بحث شده‌است.

خاطراتی از پدر طالقانی

از یک مجاهد

سؤال پدر درمورد ضدیت مجاهدین با آخوندها

روزی پدر از من که در خدمتش بودم به مناسبتی پرسیدند؟ فلانی‌راست است که شما ضدآخوند هستید؟

گفتم: خیرآقا، شما که بهتر اطلاع دارید، مگرچیزی شنیده‌اید؟

پدرفرمود: بله عده ای آمدند سراغ من وگفتند با مجاهدین نمی شود راه آمد. ضدآخوندند.

عرض کردم: خیرآقا، ما ضدارتجاع هستیم، نه ضدآخوند زیرا درست مثل خودشما، نه اسلام را به لباس میدانیم ونه هم بخاطر لباس با کسی دشمنی ودعوا داریم. اگر درست فهمیده باشم شما یک‌روز فرقان را بتوان ضدآخوندگفت. زیرا درنوشته‌هایشان از آخوندسم تنها کربا صحبت می کنند. ولی ما این را یک طرز تفکر سوری واصطلاح فرمالیستی میدانیم، که کسی بهاپدواز روی ظاهر یا صورت ولباس یک قضاوت عام درموردگروه یا قشری ازمردم بکند. آخوندها وروحانیون مانند هر صنف دیگری ازمردم خوب ومبارز هم دارند، بدوناشکال وهم دارند. ازقضا ما درتاریخ معاصر مبارزاتی خودمان درسیاری ازمقاطع با اقدامات بسیار ارزنده روحانیون وآخوندهای مبارز ومجاهد موا جه هستیم، که بهتر ازهرکس دیگر مردم را بسیج کرده‌اند. بنابراین یکی از معیارهای اصالت وعمق هر گروهی این است که نیابد و مردم را مثلا" روی لباس به آخوندوکلاهی تقسیم کند، ویا همه را سروته یک کربا س بداند. بعکس وقتی ما سی گوئیم ضد ارتجاع هستیم. فقط بافراد ارتجاعی ضدیت داریم، حالا درهرلباسی که باشند. چه پائین‌پوش به گردن داشته باشند یاگرواوات، وچه شال به کمرشان باشد. چیزی که هرگز مطرح نیست لباس است. علامه معیارهای ما درستیش افراد دوحربان ها، معیارهای مکتبی ومبارزاتی است ونه چیزدیگر. لذا اگرما باعقدارمنامرا رتجاع می‌خواهیم یک صنف یا قشرراکه داریکنیم، درحق خوب های آن ظلم‌کرده‌ایم وهمان مقدارسیرورا به نفع دشمن استعمارگرخودمی اعتبار ساخته‌ایم.

بدرفرمود: باحسنت، اینها رابنویسیدتانشوانندعلیه شما تبلیغ کنند.

سؤال پدر درمورد یکی از اعضاء تصفیه شده

پس ازغربات اپورتونیستی که گرایشات راست داشتند بسیاری ازاعضاء وطرفداران سازمان شده بود، سازمان

بقیه درصفحه ۶

www.iran-archive.com

گفتگو با برادر مجاهد موسی خیابانی (۲)

چه کسی در کردستان پیروز میشود؟

هرگونه نقض قوانین و اصول مبارزه سالاً بنفع دشمن تمام شده و باصطلاح دودش بچشم نیروهای انقلابی میرود و منافع درازمدت خلق فدا میشود

شاهد وقایع خونین کردستان هستیم، که در زمینهٔ همان مسأله ملیتها که تا اعتادماست، ونشان برخوردهای نا ـ درست و غیر اصولی وناتوانی درحل صحیح مسأله است.

* مسألهٔ ملیتها چه راه حلی دارد؟ یعنی راه حل صحیح مسأله کدام است؟

ـ بنظر ما مسألهٔ ملیتها یک راه حل اساسی واصولی دارد، که اتفاقاً همین است کاملاً "شناخته شده". وهیچ چیز عجیب وغریبی هم نیست. وآن عبارت است از "برسمیت شناختن اصل حق تعیین سرنوشت وادارهٔ امور داخلی، درچهارچوب وحدت وتمامیت ارضی خدشهٔ پذیر کشور". البته روش است که این یک راه حل انقلابی است واینکه چه کسی بتواند ازعهدهٔ آن برآید مطلب دیگری است.

* بنظر شما دولت وقتا" سیم حاکم کنونی چنین آمادگی یاتوانی را دارد؟

ـ تاکنون که چنین چیزی را نشان نداده است.

تمام تضادهای فرعی درچهارچوب حل اصولی تضاد اصلی رو به حل میروند

* دراینصورت ملیتها وسازمانهای سیاسی آنها، وهمچنین سایر گروهها و سازمانهای سیاسی باید چکار بکنند؟

ـ دراینصورت بایدوانمیت های اجتماعی را درنظرگرفت وبطاق اصول وقوانین شناخته شدهٔ اجتماعی عمل نمود. باید تضادها را تشخیص داد، و تضادهای اصلی وفرعی را ازهم بازشناخت وباهرکدام به شیوهٔ متناسب خودبرخورد نمود.

درشرایط کنونی مبهمن ما، یعنی پس از پیروزی قیام و سقوط رژیم، باید توجه کردکه تضاد اصلی در اینجا همچنان تضاد بین خلق وامپریالیسم است. چنین نیست که ما امپریالیزم را ازمیهمان رانده وآن را ریشه‌کن کرده باشیم. امپریالیزم دراین فقط به عقب نشینی هائی تن داده، که در پاسخ آن قربانی کردن رژیم دست نشانده" خود و یک زنجیری نشانه‌هائی میباشد. اما نه ایران اهمیت حیاتی خودرابرای امپریالیزم ازدست داده، ونه امپریالیسم نیستها از موقعیتها، منافع و مطامع خود درایران چشم پوشیده‌اند. بنابراین کاملاً" روشن است که امپریالیسم به سرکردگی آمریکا میکوشد تا موقعیتهای ازدست رفتهاش را درمیهن ما دوباره چنگ آورد. وسلطهٔ خودرا مجدداً" مثل سابق برقرار، آن را محکمتر ومستحکمتر کند. نیروهای انقلابی باید توطئه‌ها و تاکتیکهای امپریالیسم را دراین مسیر تشخیص داده وطریق صحیح واصولی با آن مقابله کرده، وامتمرار و توانم مبارزه ضدامپریالیستی خلق مارا تامین کنند. تمام تضادهای فرعی نیز دراین چهارچوب و درمسیر حل این تضاد اصلی است که رو بحل میروند. والا مادامیکه سلطهٔ امپریالیزم را درمیهن خود تماماً" ریشه‌کن نکرده، وبه آزادی واقعی و تمام و کمال دست نیافته‌ایم هیچ حل قاطعی برای تضادهای فرعی و منجمله مسألهٔ ملیتها هم متصور نیست. وهرگونه پرداختن غیراصولی به این تضادها "طوریکه تضاد اصلی ومسألهٔ تمام خلق ایران فراموش شده، وباتحت الشعاع قرار بگیرد، "مالاً" بضد خود تبدیل شده، ومبارزهٔ ضدامپریالیستی تمام خلق را مختل خواهد نمود. و مسلماً" نتیجهٔ آن بنفع ملیتهای ستم کشیده نیز نخواهد بود.

* باید از عجله‌کاری، چپ‌روی و ماجراجوئی پرهیز کرد

اتفاقاً "امپریالیزم نیز همین را میخواهد، وحتماً" توسط آبادی خود و پرسانه‌های رژیم سابق وعناصر ونیروهای وابس گرای وابسته، سعی میکند با داس زدن ومنجمر کردن تضادهای فرعی انقلاب را ازمسیر منحرف کرده، ونیروهای خلق را درمسیرهای انحرافی تحلیل ببرد. ودراین میان منافع خود را بدست برده وبارخودرا بندد. مسلماً" اجرای این توطئه کاهی با مکانیسمهای خیلی پیچیده‌ای صورت میگیرد، ونیروهای ترقیخواه و انقلابی باید هوشیار باشند که در دام آن نیفتند.

البته این توضیحات رانباید حمل برابین نمود که پس ما ازملیتهای ستم کشیده میهنمان میخواهیم و به آنها موعظه میکنیم که از حقوق حقهٔ خود چشم بپوشند. مسلماً" ما ابدا نمی خواهیم. ما بخوبی به ستم مضاعفی که خلق کرد با خلق بلوچ وترکمن وغیره تحمل کرده‌اند واقفیم. بخصوص از رنجها وآلام خواهران وبرادران کردمان واز مبارزات دلیرانهای که آنها طی سالها با رژیم مزدور شاه داشته‌اند اطلاع داریم. راه حل انقلابی واصولی این مسائل همچنانکه درپیش نشان دادیم کاملاً" روشن است. بهمین دلیل ما بر برسمیت شناخته شدن حقوق ملیتها و بویژه حقی که تأکید داریم. وهر ـ گونه کشتار وتجاوز و راه‌حل نظامی قضیه را محکوم میکنیم. اما ازطرف دیگر مسأله برسرایست که درشرایط اجتماعی کنونی این میهن، این حقوق وخواست ها را چگونه باید عنوان کرد ودنبال نمود. ما درسطح نیروهای سیاسی آگاه ترقیخواه و انقلابی صحبت میکنیم که مسئولیتهای سنگینی را درقبال خدا و خلق و تاریخ برعهده‌دارند. مسأله بر سرایست که باید مبارزهٔ ملیتها را در راه تحقق حقوق وخواستهایشان با مبارزهٔ سراسری ضدامپریالیستی تمام خلق پیوند داد. مسأله اینست که ملیتها بایدتضاد اصلی را مراموش نمود. ومسأله اینست که باید از عجله‌کاری، ازچپ روی و ماجراجوئی پرهیزکرده، واجازه‌ندادکه امور روند دیالکتیکی خودرا طی کنند. باید مرزهای وحدت وتضاد را بدرستی تشخیص داد وشیوه‌های مناسب حل مسائل را پیدا نمود. اینها درمبارزه و حرکت اجتماعی یکسوی قوانین واصولند وهرگونه نقض آنها "مالاً" بنفع دشمن تمام شده، وباصطلاح دودش به چشم نیروهای انقلابی میرود، و منافع دراز مدت خلق فدا میشود. مثلاً" همین برخورد قهرآمیزی را درنظر بگیرید که متأسفانه درکردستان پیش آمد، بسا قاطعیت میشود گفت که چنین جنگی خواست امپریالیزم است، وآن فقط امپریالیستها و مرتجعین سود میبرند. بنابراین وظیفهٔ نیروهای انقلابی این است که باتمام قوا از بروز چنین بر ـ خوردهائی جلوگیری کنند، واجازه ندهند که آنها را بچنین ورطه‌هائی بکشانند. بنظر ما امپریالیستها و ا ـ ستکانشان اراینکه پای نیروهای مقابلی به چنین ماجراهائی کشانده شده و در آن درگیر شوند، کاملاً" راضی هستند چراکه این دخالت و درگیری باعث پیچیده‌ترشدن مسأله‌شده، وبه دست نیروهای ارتجاعی بهانه میدهند، وسر انجام هم راه تصفیه وسرکوب همین نیروها هموار میشود.

خیلی ساده‌اندیشانه است که بدست آوردهای تاکتیکی درجاجوب یک استراتژی غلط دلخوش کنیم.

* گاهی شنیده میشود بعضی‌ها که دخالت دراین مسائل و برخورد قهر آمیز را توجیه میکنند از جنگ‌ها یکرد ـ ستان ارتجاعی صحبت کرده، وآن را یک پیروزی تحلیل میکنند، ومجاهدین را به سازشکاری متهم مینمایند، نظرتان در این باره چیست؟

ـ من این را نشنیده‌ام اما اگر چنین ارزیابی وتحلیلی وجود داشته باشد، این یک اشتباه مهلک است. اگر ما قانونمندیها واصولی راکه قبلاً اشاره کردیم قبول داشته‌ایم، بسیار بچگانه وساده‌اندیشانه است که بدست آوردها حتی پیروزیهائی که دریک مقطع و در یک جبههٔ فرعی بدست میآوریم، بعنی به پیروزیهای تاکتیکی درچهارچوب یک خط استراتژیک غلط، دلخوش کنیم چرا که دردراز مدت ودرجبههٔ اصلی دهها برابر آن را ازدست خواهیم داد. "باید قدری عمیقتر به مسألهٔ کردستان ازیکطرف کردهای رنج ـ دیده وستمکشیده وازطرف دیگر پاسدا ـ ران و سربازان بیگناه‌کشته می ـ شوند. اما دراین میان چمکسانی‌به چه نواهائی کهمیرسند. باید دید که از خلال این جنگ وخونریزی چه نیرو ـ هائی سربرمی‌آورند. وکدام نهادها شکل وستمکش

درحاشیهٔ مجلس خبرگان (۳)

ردّ "نظام توحیدی" نقض آشکار میثاق خونین شهدای انقلاب

خبرگانی که به حذف نظام توحیدی رأی دادند، برضد هدف و جهت جنبش خونبار خلق و شهدای والامقام آن موضع گرفتند

درشمارهٔ گذشته گفتیم که ما بـا ردودن کلیهٔ تحریمات و بحران‌ها بـای طبقاتی و استثماری از دامن اسلام ، خط اصل کیفی مشخصی بین ایدئولوژی اصیل اسلامی و ایدئولوژی بی محتوای حرده سرمایه‌داری آن دسته از خبرگان که مخالف " نظام توحیدی " هستند تر- سیم میسازیم .

از جهت تأکید و تصریح برهمین خصیصه "استثماری " نظام توحیدی است که ما با نظام نهائی اسلام را بـا صفت "جامعه بی طبقه توحیدی " مشخص میکنیم . تا مضمون اقتصادی ـ اجتماعی نظام توحیدی را دقیقا "تشخیص کرده، و معنی اسلامی آن را که گشاینده راه تداوم انقلاب در مرحلهٔ تاریخی است روشن سازیم .

اولینرو ما اسلام را چنانکه حقیقتا هم هست، روی محور ترقی و انقلاب سمت چپ و بالاتر از مارکسیسم قرار میدهیم . دراینصورت است که حقیقت نفوذ پاینده و برتر اسلام راستین مشخص میگردد : " هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ "

اکنون ببینیم رد "نظام توحیدی" در مجلس خبرگان برعلیه چگونگی و به نفع کدام اردو تمام میشود؟

" ردّ نظام توحیدی "

حرکتی برعلیه رای و اراده توده‌های محروم

همچکس نمیتواند انکار کند که نظام سیاسی رژیم شاه بوسیلهٔ فداکاری وخون هزاران شهید گلگون کفن که از متعدد ترین طبقات مردم این میهن برخاسته بودند ، فروریخت . همان بـا برهنه‌هائی که با دست خالی و سینهٔ سپرکرده، ارتش نادندان مسلح طاغوت را از پای درآوردند .

ازطرف دیگر توده‌های ملیونی مستضعف ایران باین امید به جمهوری اسلامی رای دادند که برویرانه هـای نظام طاغوتی شاهنشاهی ، سلطنت نویس تاریخ از وابستگی‌های استعماری و سر- انجام جامعهای عاری از ظلم وحاکمیت طبقات استثمارگر مستظر شود .

از اینرو کارگران ودهقانان وعموم محرومان وستمدیدگان بویژه مستضعفان میهن با چشم انتظار آینده‌ای بودند که میثاق وعده الهی (وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا ...) به آنها تعلق داشته باشد ، نه اینکه طبقات ظالم واستثمار- گر مجددا " حاکم شوند . (وبا همان تقسیم جنبی اقلیت تروت متعدد واکثریت مفتقر حفظ شود ! البته این حق رنجدیدگان جامعه ما بود ، چرا که با یکدیگر و رای و ارادهٔ خودشان می خواستند نظامی را مستقر سازند کمیک نقطهٔ پایان اسلامی برونجهای طولانی و ستمهای اجتماعی وطبقاتی شان باشد . مصاحبه‌های تلویزیونی با افرادی از طبقات پائینی و ناکسین جنوب شهر در هنگام رفراندوم بهترین گواه این حقیقت است . آنها درجواب باین سؤال که : " چرا جمهوری اسلامی را می‌دادید ؟ " بدون استثناء پاسخ میدادند که آن را نجات بخش فقر و قدرت و وضع اسفبار خود دیده‌اند .

بنابراین واژگونی شاه تنها معنی ۲۵۰۰ ساله اگرچه کام مهمی محسوب میشود ، اما این همه آن چیزی که شهدای ما بخاطرش جان باختند و توده‌های قهرمان ایران پس از آنهمه رنج وفداکاری ، آرزویش را داشتند ، نبود .

گواهی خون تمام این شهداء و گواهی خروش که ازجانب همین مردم درروزهای موت " بدرطالقانی " تنها و " ابودرد ضد سرمایه‌دار " و اصولا مابودی هرگونه استبداد و استعمار و استثمار را فریاد می زدند ، این پیروزی را وقتی می توان کامل دانست که مقدمهٔ تحقق آرمـان هـای توحیدی ومنادی حقوق ازدست رفتهٔ زحمتکشان و نفی طبقات استثمارگر باشد . کنفدنتا " درخلع بد از سرمایه داری وابسته وغارتگر تجلی می یابد . درغیر اینصورت این پیروزی مقدمه‌ای برشکست انقلاب و بی اعتباری سیستمی که بنام جمهوری اسلامی بنا شده خواهد بود .

ردّ نظام توحیدی "راه را برسلطهٔ مجدد امپریالیست‌ها هموار خواهد کرد

ازطرف دیگر شواهدی دردست است که امپریالیستها دست از هما ن لحظه که درکنفرانس گوادلوپ بـا پـی نتیجه رسیدند که باید شاه رافدرپائی کنند ، دست به تلاشهای مذبوحانه‌ای درجهت انتقال مسالمت آمیز قدرت زدند . چون آنها نمیخواستند کاری بکنند که آتش انقلاب شعله‌ورشده ، و آنگاه تمام پلهای سازشکارانه‌وراههای نفوذشان بطور اجتماعی و تاریخی خراب ومسدود شود . تمام تلاشهای امپریالیسم دراین خلاصه میشد کـه بنیادهای اجتماعی ـ اقتصادی موجود ، یعنی نظام طبقاتی باقی مانده‌ازدوران شاه که پایگاه داخلی امپریالیستها بود، دست نخورده باقی بماند . تا از این راه پیوندهای وابستگی و نفوذ حفظ گردد . از اینرو برای امپریالیسم درحال حاضر مسالهٔ اساسی این نیست که شکل ونام سیستم چگونه باشد . بلکه مهمترین هدف و بیشترین تلاش آنها در این سمت خواهد بود که نظام اجتماعی و طبقاتی جامعه ما اساسا " وبنیادا " زیر رو و بازسازی نشود .

دراینصورت حرکت جامعه لاجرم بجانب سازش با امپریالیسم خواهد بود، کما اینکه درتاریخ صدر اسلام سوابق ثبت اموی پس از پیروزی اسلام مانع طبقاتی ونظام طبقاتی کهنه‌رانده‌وشکل جاهلی وپیشرسانه گذشته ، بلکه با شکل ظاهر وشکل اسلامی تجدید و احیاءنمود .

شکست مشروطیت نیز به همین طریق عملی گردید . محمد علیشاه سر- نگون شد ، اما چون نظام طبقاتی جا- معه درمسیر حاکمیت طبقات و نیروهای رشد یابنده‌تر دگرگون نشد ، دوباره همان عوده‌ها مسلط شدند و برانسام " مه وماعاش دیکتاتور باقرمانیلیه به اصطلاح مجلس شورای ملی روی‌کارآمد و . . .

اینجاست که بایستی باکمال تأسف بگوئیم که درشرایط عملی هم با اتخاذ مواضعی مانند ضدیت با نظام توحیدی درمجلس خبرگان، قانون اساسی بگونه‌ای تدوین میشود که مارپه باپایگاههای داخلی امپریالیسم و مظهر طبقاتی آن متوقف میشود .

ازاینرو دیگر امپریالیسم همچگونه نگرانی واحساس خطری هم نسبت‌بماین قانون اساسی نخواهد داشت . چرا که در روال وخطی که اکنون درپیش‌گرفته شده، کل نظام موجود ، اساسا " وماهیتا " وابسته باقی خواهد ماند .

دراینجا امپریالیستها وترجمین به رسم شناخته‌شده قدیم خود سیاست " از درخارج شدن واز پنجره وارد شدن " را درپیش خواهند گرفت . آخر آنها سرمایه‌مسلمانان می اندیشند . لذاکاری هم به‌کار اسلام نمی آزار مجلس خبرگان که‌مگاوگوسفند همچکس ضرر نمی‌رساند، نخواهند داشت

ردّ نظام توحیدی ضربه‌ای برحیثیت جهانی وتاریخی مکتب اسلام

مسلم است بهای آینده‌ناقرجا- می که ضدیت با " نظام توحیدی "برای انقلاب ما بارمان میآورد ، موقتا " هم که شده‌از حیثیت اسلام بایستی بردا خته شود . اینجاست که‌ما تاب‌ناپذیر اسلام شا مدتها درکسوت قرومسود . کماآنکه در دولت های مرتجعی چون سعودی و پاکستان هم اکنون قرون‌قبلاست‌ازاینرو آنچه درروای جنبش نمونهای درمجلس خبرگان برای جامعه‌ما بجا می ماند ، اسارت ورنج میلیونها انسان‌رنج‌کشیده وحیثیت عقب‌مانده‌اسلام خواهد بود .

اینجاست که دیگر اسلامی که به میدان آمده بود ، و توده‌های محروم‌را به پیکار علیه امپریالیسم و طبقه‌انگل واستثمارگر فراخواند ، تبدیل به یک تفکر ارتجاعی طبقاتی میشود . عمق تحریفات ، کج فهمیها وبدعت‌گذاری مجلس خبرگان را دراینمورد از اینجا میتوان‌فهمید که درحالیکه علی (ع) درنخستین روزهای زمامداری‌اش محور تمام سخنان وخطبه‌هایش لموشارات طبقاتی گذشته و تقسیم مساوی بیت ـ المال (خطبه‌های ۱۵و۱۹و۱۹۶و۱۲۶ و . . .) بود ، درمجلس‌بررسی قانون اساسی که بظاهر خود را پیرو امام علی میدانند ، درنخستین جلساتش‌حیثیت نظام طبقاتی ونفی توحید اجتماعی راءی داد و درآخرین جلساتش هـم برخی‌نمایندگان اعلام کردند کـه " مالکیت‌دراسلام نامحدود است ! "

اینجاست که باید به چنین خبر- گانی گفت که شما پوشش اسلام را دارونه پوشیده‌اید !

بنابراین شما که با ارائهٔ این تعاویر وارونه‌وصلکرد ارتجاعی ازاسلام نسل جوان انقلابی را ازاین ایدئولو- ژی گریزان میکنید ، خود بایستی در برابر خدا وخلق پاسخگو باشید .

آیا این اندیشه‌ها جز درخدمت سرمایه‌داری وابسته و سلطه‌مجدد امپر- یالیسم خواهد بود ؟

خطاب به آنها که عهد و پیمانها را شکستند

اکنون معلوم میشود چرا " پدر طالقانی " نسبت به سرنوشت این مجلس ، ومحصول آن نگران بود .

پدرامروزهای آغاز با هوشیاری و درک روشنی که نسبت به نمونه "انتخا- بات و ترکیب انحصاری این مجلس داشت (خطبه نماز جمعه ۵۸/۵/۵) به ماهیت این مجلس وقوانینی‌کهاز آن بیرون خواهد آمد ، کاملا " واقف بود . لذا صریحا " گفت که: " میترسم قوانینی که‌این مجلس تصویب میکند از ۷۰سال پیش هم (قانون اساسی مشروطه) عقبتر باشد ! " بدین‌سبب‌بودکه پدر در و واپسین دم حیاتش نگران این بود که مبادا اسلام درچنین مجالسی دفن شود ! براساسی که " پدر " چه بسیار داشت ! آخر پدر بارها وبارها اعلام کرده بود که اسلام یک ایدئولوژی‌سخا- لف استبداد واستعمار واستثمار است . (سخنرانی ۲۰تیر) پدر این شعارها رابعنوان‌شعارهای برحلقکتونی انقلاب ایران به صح امام نیز رسانیده بود .

پس بگذار خطاب به تمام خبرگانی که " نظام توحیدی " را بخاطر تکیه‌نمنفی طبقات واستثمار ا است ، ردکردند بگوئیم که : تمامی واقع نه تنها به ایدئولوژی توحید و آرمان شهدای انقلاب و عموم توده- های قهرمان ایران پشت کردید‌بلکه هدف وراه پدرطالقانی‌وامام خمینی را هم زیر پاهاید .

همچنین به همهٔ آنهائی که‌به نتائج راءی طبعت به حذف کلمهٔ توحید درمجلس خبرگان قیام‌کردند، بی‌پرده بگوئیم که این قیام شما بر ضد هدف و جهت قیام خودبارخلق قهرمان ایران وتمام شهدای والامقام آن بود . این قیام بهای اعتلای کلمهٔ توحید ، تثبیت نظام شرک و طبقات و نفی توحید ونظام قسط توحیدی‌راعملی میکند . این قیام حرکتی برعلیه اسلام راستین علوی بود . شما میثاق خون و الله اکبر شهدای مارا شکستید ، ایـن حرکت شما توهین به تمام شهدای بـه خون خفته خلق ایران بود . شما آیات خدا را به بهای اندک فروختید : " و من یشتر وا بآیاتی الله ثمنا قلیلا " . . . تاریخ هرگز این پیمان‌شکنی شمارا فراموش نخواهد کرد . شما مسئول خدشه‌دار- شدن حیثیت جهانی وتاریخی اسلام هستید .

راءی مثبت شما راءی مثبت بـه مذهب بی محتوای سرمایه‌داری و نظام اجتماعی شرک‌آمیز آن بود . راءی مثبت شما ، همین نشاندادن درباغ‌سبز به کبوترادورها ، و هموارکردن‌راه تسلط مجدد قارتگران وبالاخره نشانه‌دیگری ازسمت وسازش با امپریالیسم است .

پس حال که این دسته ازخبرگان عهدوپیمان‌ها را شکستند و رشته‌ها را پنبه کردند ، بی‌تردید باید منتظرروزی بودکه ثمرات انقلاب بوسیلهٔ طبقات انگل صفت ومرتجعین از راه رسیده به یغما رود ، و دوباره استعمارگران مسلط شوند ودست به تاراج بگشایند : " ولا تکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا ، تتخذون ایمانکم دخلا بینکم ان تکون امة هی اربی من امة انما یبلوکم الله به ولیبینن لکم یوم القیامة ما کنتم فیه تختلفون " (نحل ۹۲)

" ولاتتخذوا ایمانکم دخلا بینکم فتزل قدم بعد ثبوتها وتذوقوا السوء بما صددتم عن سبیل الله ولکم عذاب عظیم . " (نحل ۹۴) ولی بگذار ا همهٔ پیمان‌شکنان وقیام‌کنندگان برعلیه " نظام توحیدی " بدانند که اگر چه آنها سبت ابراهیم را شکستند اما راه و هدف ابراهیم یعنی آرمان توحید همچنان ماندان باقی خواهد ماند . این راه بوسیله افراد و نیروهای اصلح و شایستهتر پیموده میشود . زیرا کسی که از " ملت ابراهیم " روی بگرداند ، خودش از صحنهٔ تاریخ محو میشود :

" ومن یرغب عن ملة ابراهیم الا من سفه نفسه ولقد اصطفیناه فی الدنیا وانه فی الاخرة لمن الصالحین " (بقره ۱۳۰)

(چه کسی است که از ملت ابراهیم روی بگرداند جز آنکه‌خویشتن را تباه کرده‌است ، وبیشک ابراهیم برگزیده دنیا ودرآخرت از شایستگان است .)

این استکه‌ماهمچون‌پدرمجاهد- ما ن که درآخرین روزهای حیات‌شریف بهشت زهرا بر پیمان خود باشهدای به خون خفته خلق تأکید نمود ، خطاب به تمام شهیدان والامقامی که‌امروز چنین خبرگانی در قبایه آنها به پیمان‌شکنی ونقض میثاق خونینشان نشسته‌اند همچنان با " پدر " می‌گوئیم‌ای‌جمعهای که درخاک خفته‌اید ! ای جوانانی که با گلوله های دشمن بدسهای شاوظیفهای شما دریده‌شد ! ای‌زنهای برگزاری که به میدان ریختید وبچه‌ها رابغل‌گرفتید ودرمقابل گلوله‌ها ایستادید ! ما با شما تجدید میثاق می کنیم . خون شما میثاق ماست . فریاد " اللهاکبر " شما میثاق ماست . آن هدفی که شما دنبال گردید درمقابل طاغوت وبرای آزادی انسانهای ایران ومسلمانان و همهٔ انسانهای دنیا ، ما با شما تجدیدپیوند وتجدید عهد میکنیم که ما همان را تعقیب خواهیم کرد . ما پیمان‌می‌بندیم برعلیه استبداد درهر شکل . پیمان در مقابل هرگونه استعمارواستثمار . پیمان برای‌آزادی همهٔ "مستضعف‌مردم" . . .

پایان

درعکس سعیدوکاردا والجزایرهمراه با یاران دیده میشوند .

مراسم بیست وپنجمین سالگرد پیروزی انقلاب الجزایر

روزیکشنبهٔ هفته گذشته مجلس میهمانی‌ای ازطرف سفیر الجزایر درایران بمناسبت بیست وپنجمین سالگرد انقلاب الجزایر ترتیب یافت سفراونمایندگان کشورهای مختلف ، عده‌ای از اعضای دولت ، بعضی از اعضاء دفتر آیت الله طالقانی ونمایندگان برخی گروههای سیاسی دراین ضیافت حضورداشتند. ازطرف سازمان نیز برادرانمان رجوی وغیابانی و . . . شرکت کرده‌بودند ، که گفتگوهای دوستانه‌ای با سفرای کشورهای مختلف وسفیروکاردا والجزایر پرداختند ، دراین‌میهمانی‌ما نم‌سفیرالجزایر با ما درباره‌نیهای مدتی بگفتگونشستند . درپایان ضمن اهداء آخرین شماره مجاهد سفیرالجزایر توضیحاتی پیرامون آن داده شد . دراین ملاقات برادران مجاهد نقش وتاثیر انقلاب الجزایر در ایران ، وسرپیوندهای عاطفی سیاسی دوانقلاب تأکیدکردند .

عملکرد ارتش متناسب با روابط ومناسبات درونی ودرنهایت ایدئولوژی آن است

بازسازی ارتش براساس روابط درونی گذشته بی توجهی بدستاوردهای خونین قیام

ما دردیدی عینی بـا پدیده‌های گوناگونی روبـرو هستیم ، که‌درهمان نظربرخورد اوّل قابل تشخیص وتمیزازیکدیگر. ازطرف دیگرهریک ازاین اشکال دارای محتوائی ویژه‌است ، کـه گرچه بخودی خودقابل مشاهدهٔ آنی نیستند ، ولی درحقیقت بوجودآورندهٔ آن قالبهـای متفاوتند ، بعبارت دیگـرهـر عملکردونمودی گویای محتوای خاص خوداست . این قاعـده‌در مسائل اجتماعی نیزمادق است. متلاشک جامعه‌سرمایه داری که دارای مظاهری ازقبیل فرهنگ، ارزشها وسیستم های اداری و حقوقی خاص ودولتهایی بـا عملکردهای مشخص است ، درعین حال بیان کننده‌ٔ روابط و مـنا سباتی است که درآن جامعه حاکم است . وجودا متشارروابط براساس سودپرستی وطبقه‌مشخص ، بوجودآورنده‌ٔ تمـام آثارنیمی دیگراست . دراین جامعهٔ تمام قوانین بـه نفـع اقلیت حاکم تدوین وبا تعبیر میشود، وروزبروز برظلم وغفلت وتمعیض افزوده شده وسرنیزه وزورجای عدالت‌وآزادی را میگیرد. تجاوزات امپریالیسم وعشی و جنایتکارا مریکا ، خلق هلفساد و . . . . همه وهمه به برکت روابط ومناسبات کنیک سرمایه‌داری حاصل شده است .

بنابراین برای تفاوت در موردهرنظام ونیاز دوتشخیص میزان فکا ملی یا غدنکا ملی بودن آن بایدبه روابط درونی وماهیت آن پدیده ، نگریست.

دربارهٔ ارتش نیـز ایـن قاعده‌بعنوی حادق وجاری است. حوی تجا وزگروآتش افروزهـر ارتشی را میتوان وبایدمعلول روابط ومناسبات وخلاصه محتوای آن دانست . وبسته باینکه‌این ارتش دارای چه مناسبا تی‌است. دربیوندبا کدام اقشاروطبقات اجتماعی ، ودرنهایت دارای چه ایدئولوژی است ، دقیقـا " عملکردهای مناسب با خودرانیز دارا خواهدبود .

سیستم ارتشهای استعماری وابسته به تسلیحات ومستشاران خارجی است

ارتش های امپریالیستی وهمچنین ارتشهای کشورهـای وابسته ، ازآنجائی که اساس موجودیتشان برپاسداری ازمنافع جهانخواران ودفاع ازکارگران استوار است ، نه تنها درجهت کسب حقوق مردم قدمی برنمیدارند ، بلکه همواره روحیهٔ چون سگی آنها را بازداشته‌اند . وهرچندمدت یکبار قیام مردم رابه خاک وخون میکشند . ارتش وکشورهای زیرسلطهٔ امپریالیسم چه بلحاظ قدارکات وچه آموزش کاملا " وابسته به تسلیحات ومستشاران خارجی است ، ارتش شاه نمونهٔ بارزی ازاین ادعاست ، وضعیت یک چنین نیروی نظامی سرکوبگری است. خریدهای کلان اسلحه‌وتجهیزات نظامی همواره قسمت عمده‌ٔ بودجه‌ٔ زمان شاه را تشکیل میداد .

وضع درونی ارتش نیزکاملا " متناسب با این وابستگی ودر جهت همان هدفها بود . انعکاس اختلاف فاحش طبقاتی درجامعه درارتش نیزبطروفوح بچشم می خورد . وعلامه ارتش ماهیم خوی تجا وزگروآتش افروزهـر ارتشی را میتوان وبایدمعلول روابط ومناسبات وخلاصه محتوای آن دانست . وبسته باینکه‌این ارتش دارای چه مناسبا تی‌است. دربیوندبا کدام اقشاروطبقات اجتماعی ، ودرنهایت دارای چه ایدئولوژی است ، دقیقـا " عملکردهای مناسب با خودرانیز دارا خواهدبود .

سیستم ارتشهای استعماری وابسته به تسلیحات ومستشاران خارجی است

ارتش های امپریالیستی وهمچنین ارتشهای کشورهـای وابسته ، ازآنجائی که اساس موجودیتشان برپاسداری ازمنافع جهانخواران ودفاع ازکارگران استوار است ، نه تنها درجهت کسب حقوق مردم قدمی برنمیدارند ، بلکه همواره روحیهٔ چون سگی آنها راب

نگاهی به مذاکرات مجلس خبرگان

نمایندهٔ مجلس خبرگان: "مالکیت در اسلام نامحدود است!!"

در روزهای دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه ۲ الی ۹ آبان اصول مربوط به نظام اقتصادی جمهوری اسلامی مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. برخی از نمایندگان علاوه بر قبول مالکیت در اسلام، معتقد بودند که اسلام برای مالکیت حدود قائل نشده، بلکه برعکس مالکیت در اسلام بی‌حد محدود است.

انرا قی نماینده آذربایجان شدیداً "از نامحدود بودن مالکیت در اسلام دفاع میکرد و اینطور گفت:

"اسلام قائل به مالکیت نامحدود هم نیست. از این نترسید. آقا یا نمیگذارید لقب اسلامی را می‌دانند. انسان نامحدود نیست که روزی ده تومان، ۱۰۰۰ تومان و یا یک میلیون تومان دخل کند. خوابط این را کتب فقیه در باب معاملات مشخص کرده‌اند.

آقایان! این را با صراحت در اینجا بنویسید. بنویسید اگر از جماعتی می‌ترسید، جماعتی دیگری هم از طرف ما برای ما خواهند گفت که شما رفتید، نشستید، خواهند گفت ملاهای اسلام آنجا رفتند، نشستند، مالکیت اسلام را هرچه گفتند گوش دادید.

در این اصل مسامحه نفرمایید. ما هم اینجا گفتیم «خدا هم شاهد است شما هم شاهدید، یک عده ایهم شنیدند شاهدند که ما تصوری نکردیم، مالکیت در اسلام نامحدود نیست.»

موسوی تبریزی در روی کتابه به سخنان یکی از نمایندگان گفت: "برای آنکه آقایان را فریب ندهید بنویسید، مالکیت در نظام جمهوری اسلامی ملغی است!!"

نوربخش نماینده چهارمحال بختیاری گفت:

"آن چیزیکه از شما شب برای ما میمخراست خرد کردن سر ما به دار و کوبیده است. الان با این مولیکه شما نوشته اید، اینکار را نمیتوانی که عملاً وابستگی ما را به خارج را تامین میکردند. اینها دوباره به دست صاحبانش میافتند."

در اینجا رباني املشي نماینده گیلان سخنان نوربخش را برای دکتر بهشتی باز میکند و میگوید:

"ایشان می‌خواهند بگویند در حال حاضر کار خانه یک چنان طبق این قانون به چه کسی تعلق دارد اگر اختیار دولت است یا در اختیار مردم؟"

سپس دکتر بهشتی خطاب به دکتر نوربخش میگوید: "نظر شما همین است؟"

نوربخش: "بلی"

بهشتی: "این چه ربطی به وابسته داشت؟"

نوربخش: "کارخانجات وابسته همین ها هستند."

بهشتی: "نه جانم. اگر ممکن است منابع بزرگ در دست اشخاص باشد و وابسته هم نباشد. الان منابع بزرگ آمریکا در دست سرمایه داران هست و وابسته هم نیست."

چرا به هشدارهای مکرر شوراهای مردمی توجهی نشد

بقیه از صفحه ۴

واگذاری قدرت و نقش اجرائی به مردم تضمینی در مقابل هرگونه انحراف است

نک مواضعی هستند که هنوز مقامات به کنه آنها توفیق نیافته اند و یا عناصری که در نهادهای فوق الذکر مشغول کار شده و وجود داشتن مدارک خیانت و سوابق سرسپردگی به ساواک و رژیم گذشته همچنان در مواضع حساسی خود را نگه داشته شده اند، در اینجا یک نمونه از این موارد را با ارائه مدارک آن در اینجا میآوریم. این نمونه از افشاگری های کارکنان متعهد سازمان انرژی اتمی ایران در رابطه با رکنت مواضع سابق رژیم به این سازمان و اشغال پست های کلیدی شان میباشد که همراه با توضیحات جامع برای "مجاهد" ارسال شده است. ما ضمن تشکر و قدردانی از برادری که این مدارک را برای ما فرستاده عین سند و قسمت هایی از نامهٔ او را در اینجا منعکس میکنیم.

شده بودند ما به علت انحراف دادگاه ها ی انقلاب از مسیر خودش، تا بحروز آزاد شده که هیچ، بلکه به پست های خود برمیگردند.

... با گذشت زمان سرپرست جدیدمان زمان چهره واقعی خود را نشان داد و شورای کارکنان را بی اعتبار و تلقی کرد و با ضربه مشورت با آنها نشده ... تصمیمات در بالا بدون دخالت خود مردم گرفته و بصورت دستوریه پائین ها در میشود و اطاعت از آن را نیز امروزه وظیفه شرعی میدانند و هرگونه اعتراض و انتقاد را شرعاً "قدغن میکنند و با چماق ضد انقلاب افراد مسئول و آگاه را تعلیه میکنند ...

... به بهانه "تصفیه ضد انقلاب و افراد کارکنان ناقص (در صورتیکه در مرکز کارمند ناقص وجود نداشت) داده بود شروع به تصفیه"

در این نامه ضمن افشاگری در مورد قرارداد های ننگین، خائنانه و یکطرفه سازمان انرژی اتمی با آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی در دوران شاه نوشته است:

... افرادی که آگاهانه این قرارداد ها را با کشورها غربی و آمریکا بسته بودند و چسبه پولها هنگفتی در این میان به عنوان رشوه دریافت کرده بودند بعداز انقلاب عظیم خلق مسلمان ایران روانه زندان کارمندان انقلابی و آگاه به عنوان کارمندان ناقص میکرد.

..... عناصر فعلی نیز یکی پس از دیگری آزادیها را نوشته و با به سرپرست خود باز میگردند برای نمونه چند هفته پیش سرپرست از سازمان همراه با دو نفر مسئولین دیگر در صحنه "تلویزیون ظاهر شدند و در مورد دو مردمی بودن قرارداد ها خیلی حرف زدند. ولی جای تعجب است که یکی از این آقایان ... خودش در

هشداری پیرامون چپ روی و چپ نمایی

بسیاری از آنها که امروز فتوای جنگ و اقدام مسلحانه علیه "رژیم خمینی" میدهند، دردوران شاه سنگر مبارزه مسلحانه را بدلیل فقدان شرایط عینی با ذهنی ترک میکردند. بحثی که اگر شاه فرضاً بازگردد مجدداً آغاز خواهد شد

بقیه از صفحه اول

علاج بیماریهای خاص این مرحله را خواستار بوده ایم. بیماریهائی که بنظر میرسد در مورد برخی جریانات "همیشه کودک !!" در سراسر عمرشان نیز ادامه داشته باشد.

ثانیاً – بی دانیم که همچنان جریان‌های انحرافی نه تنها با بحث‌گوئی وجواب نویسی متقابل فرونمی نشیند بلکه افزایش هم می‌یابد بخصوص جریان بسیار محولی که هنوز ریشه‌های متدیک روش شناختی وطبقاتی گمراهی هسای گذشته خود را درنیاورده، میخواهد رهائی طبقهٔ کارگر و پیکار برای آن را انحصاری خود سازد. بخصوص که حتی چریکهای فدائی را نیز دموکرات‌های خرده بورژوا میخواند.

ثالثاً – بخوبی میدانیم که جریانهای انحرافی اساساً جریانهای فکری جامعه وتنگناها و تضادهای نیروهای راستین انقلابی واصولی حاضر نداردند ولذا بهترین راه ساختگوئی آنها برگردن بمطلق این تکاف ها بویژه در اذهان انقلابیون جوان است. بخصوص درمورد این جریانی که مبارزه‌ای از سرسپردگی اصلی سلطه اقتصادی – نظامی و سایر نمومهای نفوذ سیاسی امپریالیستها وابادی آنهاست، بعنی همان چیزهائی که اگر ریشه‌کن نشوند، دوباره وضعیت سابق به اشکال دیگری تکرار خواهد شد. و این مطلبی است که بوسیلهٔ ما بارها و بارها چه قبل و چه بعد از قیام بهمن‌ماه (بطور رسمی وعلنی) تکرارشده است.

> **قوت‌ها و سرمایه شما، نبایستی فقط ضعف‌ها و بیمایگی دست راستی‌ها باشد. کسیکه بنای خود را فقط برپایهٔ ایرادات و بنیاد سست سایرین استوار میکند سرانجام هیچ قوام ودوامی احراز نخواهدکرد**

لیکن اگر تغییرات سیاسی انجام شده را نادیده بگیریم و بخواهیم عامدانه با سیستم موجود نیز چنان برخورد کنیم که گویا فقط جای مگسها عوض شده است. طبعاً "پشتوانهٔ عظیم توده‌ای مشروعیت و حقانیت (ولو موضعی) سیستم را نادیده انگاشته و به مواضعی انحرافی درغلطیم. گواینکه هیچکس، حتی چپ نمایان افراطی نیز درعمل نمی‌توانند منکر این واقعیت شده و ناگزیر می‌شوند شعوریهای خود را به گونه‌ای پراگماتیک زیر پا بگذارند (زیرا این برخورد کمکوبا تضاد آنها با سیستم موجود مطلق شده و بتعارض رسیده، با واقعیات توده‌ای بسیت درتعارض است) اینجاست که دیده‌می‌شود بسیاری از آنها که امروز فتوای جنگ و اقدام مسلحانهٔ علیه "رژیم خمینی" میدهند دردوران شاه سنگر مبارزه مسلحانه را بدلیل فقدان شرایط عینی با ذهنی ترک میکردند. بحثی که اگر شاه فرضاً بازگردد، مجدداً "تکرار خواهد شد.

ممکن است عده‌ای برای توجیه مطلق کردن تضادشان با سیستم معتقد باشند که حالا ما دراعتصاب دقیقاً "ناشیستی سرمیبریم" حال اینکه ناشیستم به معنی علمی و فنی آن (و نه بمعنا واصطلاح رایج) حالتی از دیکتاتوری عریان تروریستی سرمایه‌داری وبیوند سرمایه‌داران خونی ارتجاعی حناح مالی است که طبعاً "به این معنی دراسران کنونی موردی ندارد.

این مطلب را که فقط جای مگسها عوض شده را می‌توان بسادگی ازمحکومیت نیروهای نوع فرقان بوسیلهٔ عموم نیروهای سیاسی و انقلابی درپاسخ‌نیز برادر حالی که بطور استراتژیک هنوز هم مبارزه مسلحانهٔ ضدامپریالیستی حقانیت خود را داراست درمان کنونی، مبارزات اعتکافانه سیاسی از تقدم عملی برخوردار بود و عمل شهامتی مسلحانه (البته اگر عمل با بخاطر نفی عمل نخواسته باشیم) مقبولیت ندارد.

ازاین مطالب الزاماً "نتیجه میشود که مطلق کردن تضاد با سیستم حاکم امری چپ روانه وناموقول بوده‌وغیر بطورکلی نتایجی جزآنچه نیروهای سرنوع فرقان بماری آورد نخواهد داشت. این سیاست درست به همان اندازه‌ا "مطلق‌کردن وحدت وندیدن اختلافات و ایرادات ونقایص، مذموم وبایستند است" و فراموش نکرد ما هم که اپورتونیسم درجوهر اجتماعی خود ارتنومی‌کم بهادادن باپهنها دادن به منصوربروزائی باکارگری سرچشمه می‌گیرد، کمدرحرکت سیاسی مذهبی اصول ملی ناظر بر حرکت استراتژیک ما منتبی میشود. "مسؤلی که شدیدتا مبهم را بورژوازی (خصوصاً سنتی) و بورژوازی کوچک یکی از بدیهیات آن است.

> **امپریالیسم برای تثبیت نفوذ خود یا باید به تضادهای فرعی دامن زده، ویا از دامن زدن به آنها استقبال کند**

سؤال ۱ – آیا وضعیت موجود دقیقاً "همان وضعیت گذشته است ومقط جای عکس ها عوض شده ؟

ما علیرغم انتقاداتی که به سراسر نظام موجود داریم، صراحتاً باین سؤال پاسخ منفی میدهیم. اگرچه بارهم مثل چند سال گذشته‌یکی از نخستین زندانیان سیاسی ایران از برادران خود ماست کمابارهم طعم شکنجه را به سختی چشیده است، اگر چه بارهم مثل گذشته در زیر انبوهی از فشارهای روزافزون سرخمیدم، اگرچه حاصل خونهای ما را اکنون بسیاری سوءتجمان دزد می کنند واگرچه... لیکن اگر نخواهیم که قوتها وسرمایه" ما فقط ضعف‌ها وبی‌مایگی دست راستی ها باشد، و اگر بخواهیم که کسی که بنای خود را فقط برپایه ایرادات و بنیادسست سایرین استواری کند، سرانجام هیچ‌قوام ودوامی نخواهدکرد، چیزهای دیگری هم هست بعنی این هم هست کمسلطه سیاسی سرمایه‌داری وابسته‌ورژیم دست‌نشانده‌آن سرنگون شده وطبقات جدیدی قدرت سیاسی را تصدی می‌کنند. طبعاً "تکنیک‌ت که مسالهٔ اصلی سلطه اقتصادی – نظامی و سایر نمومهای نفوذ سیاسی امپریالیستها وابادی آنهاست، بعنی همان چیزهائی که اگر ریشه‌کن نشوند، دوباره وضعیت سابق به اشکال دیگری تکرار خواهد شد. و این مطلبی است که بوسیلهٔ ما بارها و بارها چه قبل و چه بعد از قیام بهمن‌ماه (بطور رسمی وعلنی) تکرارشده است.

> **قوت‌ها و سرمایه شما، نبایستی فقط ضعف‌ها و بیمایگی دست راستی‌ها باشد. کسیکه بنای خود را فقط برپایهٔ ایرادات و بنیاد سست سایرین استوار میکند سرانجام هیچ قوام ودوامی احراز نخواهدکرد**

سؤال ۲ – تثبیت نفوذ امپریالیسم ازچه کانالهائی صورت میگیرد؟

با توجه به تضاد اصلی که همچنان مابین خلق وامپریالیسم است، امپریالیزم نفوذ ریشه‌کن نشده، خودرا بطور توأم از کانالهای زیر بازسازی خواهد نمود.

۱ – تکیه بر روی عناصر ارتجاعی بورژوازی کوچک بویژه بخش سنتی آن که درحال حاضر از ارجحیت سیاسی برخوردار است. با توجه به اینکه می‌دانیم عناصر ضدامپریالیستی ترقیخواهانه این بخش، سطحی وگذرا وغیر ریشه‌ای بوده و درجریان حرکت و برخورد با معضلات اجتماعی که حل آنها از او ساخته نیست، تحت الشعاع جبهه‌های ارتجاعی واقع میشود.

۲ – تکیه بر روی منحر امپریالیسم اقتصادی، بورژوازی متوسط از طریق نفوذهای کمپرادوری و وابسته سازی اقتصاد

۳ – برای تسریع پروسه‌های انتکابی هر دوبخش فوق الذکر، امپریالیسم لاجرم بایستی به تضادهای فرعی دامن‌زده ویا ازدامن‌زدن آنها استقبال نماید. تضادهائی که چون بدون حل تضاد اصلی لاینحلند، طبعاً "، پروسه" انجذاب هردوبخش با افتار مختلف آنها را بسنت امپریالیسم تسریع میکند.

در مورد الگوهای عملی امپریالیسم در مقدمهٔ برنامهٔ "حد اقل مجاهدین (مورخ اسفند ۵۷) چنین میخوانیم.

ابتدا با علم کردن مسائل فرعی وحاشیه‌ای بودست‌گذاشتن برنقاط اختلاف نیروهای مختلف مبارز با بمکانالهای فرعی کشاندن موازمسیر اصلی منحرف میکند. به اینگونه وحدت اصولی بردم درمسیر واحد مبارزه "ضدامپریالیستی بافراموشی سپردن قاعدهٔ "الاهم فالاهم" کمعمال اصلی و فرعی کردن مسائل و مشکلات باشد، عقبماندگی می‌شود. آنگاه نیروهای مختلف را بجان‌هم‌انداخته ودر این میان تا بتوانند با لکه‌دارکردن انقلابیون راستین، همان فروندان سازش ناپذیر خلق، آنها راقطع وقع میکنند. آنگاه وقتی نیروهای مردم خسته‌شده و رمیده ازجهت سیاسی فراهم گردید، ضدانقلاب بانیروهای نظامی مجدداً "سازمان یافته‌اش وارد معرکه شده وضربه" نهائی را فرود می‌آورد و کنترل اوضاع را بدست می‌آورد بهمانهای این اقدامات نیز بطور جهانی ازپیش ستاندارد ضدامت‌وحمولاً "زیر پرچوش " دفاع از دین و مذهب " یا " ترس از سلطه" کمونیسم وشوروی " یا " نگرانی از تجزیه طلبی " و ... امثالهم صورت میگیرد...

ازآنچه گفته‌شد، مقدماً "موضوعیت سیاسی بورژوازی کوچک درحال حاضر وسابق درخشان مبارزه مسلحانه درایران (که رشد کمی وکیفی نیروهای انقلابی رابا عث شده) و مبتنی برواقعیات اقتصادی – اجتماعی میهن‌ماکه با مدر متروطه بسیار متفاوت است، نتیجه‌میشود که "عناصر ارتجاعی" درحال حاضر کاملاً مقدم امپریالیزم برای نفوذ و استقرار مجددا است. بنابراین مبارزه با امپریالیسم درشرایط حاضر دردم اول ازکانال دموکراسیم انقلابی میگذرد. قدمی کملاجرم وبطور ارگانیک با قدم لیبرال – کمپرادوری همراه ومتعاقب است.

براساس همین تحلیل اگر اکنون به‌گذشته بازنگریسته‌و موضعگیری های سیاسی مجاهدین را مرور کنیم، بطور کلی آنها را در دو مولفه باک مبدا، واحد ضدامپریالیستی خلاصه می‌بینیم:

۱ – مؤلفه ضدارتجاعی حول دموکراسی خواهی انقلابی (دموکراسی خلقی)

۲ – مؤلفه ضدکمپرادوری حول ضدیت با امپریالیسم ولیبرالیسم وابسته گرا.

سؤال ۳ – ضعف اساسی جنبش انقلابی و مبرمترین وظایف انقلابیون در حال حاضر.

(بقیه در شماره آینده)

یک تهدید انحرافی در کل جنبش انقلابی ایران

بنابراین ساله برای ما ترس از مارک خوردن نیست: مدتهاست که عادت کرده‌ایم چه از راست وچه از باصطلاح چپ مورد طعن ولعن افراد و جریان‌هائی واقع شویم که یا می‌خواهند حداکثر اسلام پناهی (خود را اثبات کنند و یا بر آنند که حداکثر مارکسیسم تباری خالص (خود را به رخ بکشند!

لکن تلاش ما این خواهد بود که اخلاقاً "به درجه‌ای برسیم که شایستهٔ انقلابیون واقعی است. یک انقلابی بزرگ، "انقلابیون واقعی" راچنین توصیف می کند:

> انقلابی میتواند دارای عالیترین درجهٔ عزت نفس وشامخ باشد، می‌تواند بخاطر منافع انقلاب "بالاترین" صبورترین وبارگارترین افراد باشد، و حتی می‌تواند درصورت لزوم انواع تحقیر وبی عدالتی را بدون احساس ملال الجبازی تحمل کند چون مقصد و منظور شخصی ندارد: نه احتیاجی دارد تعلق بگروه‌ودو میخواهد تعلق بشنود. "متوقع الطاف شخصی دیگران نیست "بدینجهت احتیاج ندارد که برای استعداد از دیگران خودرا خفیف بکند" بخاطر منافع انقلاب مواظب خودش است وجان و سلامت خود را حفظ میکند... اگر لازم باشد بخاطر بعضی مقاصد مهم انقلاب تحمل دشنام کند، بارهای سنگین بدوش بکشد وکاری بکند که موافق میلش نیست، مشکلترین ومهمترین کار را بدون کوچکترین تردید انجام می‌دهد و میدان را خالی نمی‌گذارد...

باین ترتیب وقتی ترس از مارک خوردن و جاذبه‌های کودکانه چپ رو و عدم را کنار بگذاریم، دیگر مساله بصورت یک تهدید انحرافی درکل جنبش انقلابی درمی‌آید. این تهدید چیست؟

تطلق کردن تضاد با سیستم حاکم و نادیده گرفتن مطلق مرزهای وحدت با بورژوازی کوچک که جمعی جز اپورتونیسم و انحراف نیست وبنابنا "به سودامپر- بالیسم خواهد بود.

درشرایط موجود، هرنیروی انقلابی میتواند بیرحمانه بر تمایلات وعملیات ارتجاعی بتازد وبه هرزبانی که می‌خواهد برآن انتقاد کند. می‌تواند سرزمانی بسیار شخصی میان خود وآنچه سازش ناکردنی است ترسیم کند، میتواند دقیقاً "معلوم کند که چه تمایلات و نیروها و افرادی را چرا وبچه دلیل نایستد و مذموم میدارد، می تواند اکیداً "و عمیقاً "ازسازش وسازشکاری مجدد با امپریالیست ها پرهیز داده و صداقتگرانه" بسیار قطوری نیز دراین راه ایجاد کند...

اما مطلق کردن تضاد با سیستم حاکم، چنانکه گوئی اوضاع مطلقاً "هیچ تغییری نکرده و "فقط جای عکس‌ها عوض شده" نتیجتاً مبتنی یک تجزیه وتحلیل اشتباه، بلکه حاکی از رهنمودهای بس خطرناکی است که سلطهٔ مجدد امپریالیسم را عملاً "بسیار هموار تر خواهد نمود. بنابراین مساله هرگز این نیست که یک نیروی انقلابی از اصول عقیدتی و سیاسی خود عدول کند بلکه مساله اینست که چگونه راه را برای تحقق این اصول باز نموده واز اینکه عملاً "جاده صاف کن امپریالیستها باشد اجتناب ورزد.

> **اگر تغییرات سیاسی انجام شده را نادیده بگیریم، طبعاً بشتوانه عظیم توده‌ای و حقانیت سیستم را نادیده انگاشته‌ایم**

اکنون اجازه بدهید قبل از ادامه این بحث، بچند سؤال پاسخ بپردازیم

زمان بستن قراردادها مسئول مستقیم همین کارها بود...

..... بهمین شما رو عمل چقدر فاصله است، در اوائل انقلاب ما جلساتی داشتیم که حیلی ها چرفهای انقلابی میزدند..... ولی در این موقعیت هم قشرین مذهبی طرفدار حزب حاکم و هم چهره‌نماهای دوآتشه جواب "نه" نداده‌ند و تمایل درفت شخصی.... و علق آنها درفته بود و مسئله اساسی فراموش شده بود، خدایا، چه زیباست کلمه عمل! در این موقع است که انسان درپوته آزمایش قرار میگیرد و افراد مسئول درپوتا برخدا و خلق شناخته میشوند.

پیشنهاد به "دولت" دربارهٔ ضرورت انتشار هرچه سریعتر لیست ساواکیها

طبیعی‌ترین انتکار بعد ازکابها عفونت وشکنجه‌وکشتار ساواک این بود که دولت و یا سایر مسئولین کشور درشورای انقلاب فهرست کامل عناصر ساواک و بودجه و ساختمانها وارتباطات وگروگی سازمانی آنها را با تفصیل تمام منتشر سازند. این کار چند حسن داشت:

۱ – ادای دین نسبت به خون شهدای شهیدان انقلاب.

۲ – خاطرجمع شدن مردم – دراثر شناختن همه "یادیوم‌نابع ساواک نسبت به فعالیت های بعدی آنها. بعبارت دیگر خنثی کردن فعالیت‌های احتمالی آنان

۳ – ممانعت از نفوذ آنها بداخل دستگاههای جدید

۴ – امنیت روانی واخلاقی مردم ومحفوظ ماندن آنها ازتهمت های رایج که حتی اخیراً "دیدیم دامنگیر دادستان تهران‌روزیرسابق‌دادگستری‌نیزشده‌است.

لکن با گمال تاسف بدلایلی که‌دولت وشورای انقلاب باید جواب بدهند، و هنوز هم برای ما روشن نیست تاکنون ازانجام این درخواست طفره رفته‌اند. و این درحالی است که‌گفته میشود حتی درغرب کشور نیزخیلی از توطئه‌ها زیر سر بقایای ساواک است. تنها محظوری هم که‌ممکنست مانع این کار باشد برورزی از عناصر خردمای ساواک وترس از عکس‌العمل بعدی مردم اینست که‌البته درمقابل منافع کل انقلاب وگناه خود آنها چیزی نیست. بخصوص که آیندگان عبرت می‌گیرند که همکاری با جنان سازمانهائی هیچ آخر وعاقبت اجتماعی خوشی نخواهد داشت. تازه این مطلب نیز بسادگی پاگذاشتن غوابطی قابل حل است. گمانیکه ماباتلاقه بعد از قیام بهمن ماه طرح‌شیطانی وبازداری اخلاقی و روحی ابادی و رژیم سابق را دراردوگاههای تربیتی ویژه (که‌ازتمام امکانات رفاهی نیز برخوردار باشد) آماده‌ای مهندس بازرگان تسلیم نمودیم، ولی‌بازهاکمال تاسف شاهد آنهم که هروئین‌فروش ومشروب‌فروش حدیدخورند وزندانی میشوند وبعدا "باعکس و تفصیلات درروزنامه‌ها هم معرفی میگردند. حال اینکه‌موادفروش ودین فروش ملت فروش درامن وامانند! وهیچ طرحی‌برای بازسازی وتربیت اخلاقی آنها نیز دوگانه‌نیست، سهل است درصدد حفظ آبروی آنها هم هستند.

بنابراین با تاکید هرچه تمامتر از دولت وشورای انقلاب خواستارانیستیم که باین کوچکترین وبدیهی‌ترین وضروری‌ترین وظیفه ملی‌وقانونی خودادا نموده وبیش ازاین میدان رابرای جولان بقایای ساواک وانواع واقسام تهمت های رایج باز نگذارند.

مباحث ایدئولوژیک :

رابطهٔ مواضع اجتماعی ـ سیاسی امام علی با دیدگاه فلسفی توحیدی او

عمیقترین اعتقاد به آرمانهای ایدئولوژیک، مستلزم دقیقترین استقرار بر مواضع مترقی اقتصادی ـ اجتماعی است

بقیهٔ صفحهٔ اول

ودیگرگونه وارتجاعی و ازدور خارج شده باشند ایدئولوژی برتر هنوز دیدنامیم ونازکی خودرا حفظ نموده و باز هم راهنما و راهگشا خواهد بود . اصولاً یک درک صحیح از خاصه و تاریخ وسمت حرکت آن ونقشی کمیک فرد یا جریان درست یابی آن می تواند ایفا کند ، مستلزم مجهز بودن به یک فلسفه وبه طور وسیعتر یک ایدئولوژی وجهانبینی وثالثیستی است . زیرا "جامعه" بخشی از "وجود" می باشد که موضوع فلسفه است . بعبارت دیگر هر موضوع مشخص سیاسی ـ اجتماعی مبین یک نگرش فلسفی بخصوص است که در رابطه با کل وجود و تبیین آن قرار داد . چرا که هیچ برخورد اجتماعی جدائی از دیدگاه فلسفی قابل تصور نیست . چگونه میتوان بدون تبیین واقعگرایانه از وجود که محیط بر انسان وجامعه است موضعگیری درست اجتماعی داشت مثلاً "با میتوان با یک اسلوب تاریخی که پدیده ها را ثابت وبی ارتباط با یکدیگر می بیند به حل واقع گرایانه معضلات اجتماعی پرداخت" فرض کنیم تکامل اجتماعی را که حاصل منطقی تعمیم دیالکتیک به تاریخ است قبول نداشته باشیم ، در اینصورت چگونه میتوانیم از نفی استثمار وطبقات دم بزنیم ؟ (ذکر این نکته بی مناسبت نیست که ما با قرار دادن دیالکتیک در چارچوب فلسفه توحید ، هدایت آگاهانه و هدفدار تاریخ را نتیجه میگیریم) با فرض کنیم که یگانگی و ـ توحید کلی وجود را قبول نداشته باشیم درصورت یگانگی و توحید اجتماعی چگونه قابل تبیین است ؟

بهمین ترتیب دفاع از هر ایده فلسفی نیز ملازم با اتخاذ یک موضع مناسب اقتصادی ـ اجتماعی است که بخود خود در هر مرحله مشی سیاسی خاصی را ایجاب می کند . مثلاً "نگرش توحیدی به لحاظ اجتماعی ملازم با پذیرش توحید اجتماعی و برخورداری از یک موضع ضداستثماری و اعتقاد به انعطاف تاریخی بهره کشی و طبقات است .

یکپارچگی ارگانیک مواضع سیاسی ـ اجتماعی با نظرگاه فلسفی

بنا براین آرمانهای فلسفی ما در مواضع اجتماعی ـ سیاسی بخصوصی تجلی می یابند که تنها توسط آنها می توانیم با این آرمانها سطح نویسی در اینجا قصد ورود به این بحث را که نظرگاههای فلسفی از مرحله مشی سیاسی نداریم ، همین قدر متذکر می شویم که علیرغم دیدگاههای متأثر از مارکسیستها که عنصر اقتصادی را عامل بی چون وچرای تمام ارزشهای دیگر میدانند و از اینرو هر فلسفه ای را به سرلوحه یک مرورو نائی ، محصول بلافصل یک زیر بنای طبقاتی مشخص تلقی می کنند ، ما این نگاه نیز را هرگز به فلسفه توحید تحمیل نمی نمائیم . . .

فرض از این همه توضیحات این است که بدون یک تصویر واقعی از هستی نمی توان مسائل محاط در آن را حل نمود وبدرجه ای که تئوری وجهانبینی با نقص داشته باشد ، درشناخت و در کمال از آن مسائل تاثیر می گذارد .

درست بهمین دلیل است که میگوئیم نفی کامل هر گونه بهره کشی واستثمار به معنای توحید تمام عیار اجتماعی تنها زیر چتر فلسفه توحیدی صورت می پذیرد . و در واقع تجلی اجتماعی آن می باشد . یعنی در برتو تصویری از کل جهان که بتواند چنین وحدتی را تضمین کند . فوقاً گفتیم که هر مختوای آرمانی ـ عقیدتی بصورتیه

در واقع واعتقال اقتصادی ـ اجتماعی جلوه می کند . از اینرو فلسفه سازِ توحیدی در هر دوره ، تاریخی تکیه گاه ویژه اقتصادی ـ اجتماعی خود را دارا است . این پایگاهها نا محروم ترین وبالقوه ترین نیروها وطبقات اجتماع (مستضعفین) هستند که به اتکاء آنها جامعه به سمت اهداف تاریخی بهر مکشی هدایت شده و بار تحقق توحید اجتماعی را در هر مرحله بدوش می کشند .

مادر بحث های گذشته تاکیدات امام علی را بر رشد و توسعه مادلانه ، و موضعگیریهای اقتصادی ـ اجتماعی وی را بر علیه طبقات ارتجاعی و بنفع توده های محروم ونیروی رو به رشد جامعه به تفصیل شرح داده ایم ، از این نظر دیگر نیازی به توضیح مجدد نمی بینیم . فقط این نکته را متذکر می شویم که وقتی صحبت از اسماء تاریخی استثماری کنیم معنایش بایست که در هر شرایط تاریخی بایستی با اتخاذ مواضع درست واصولی ، هرچه سریعتر به این سمت حرکت کرد . بنا بر این از این امر نباید نتیجه گرفت که مثلاً علی در آن شرایط می بایست تمام نفی استثمار بدهد ، زیرا در آن مقطع ضرورتهای تاریخی بنامی گوید که چنین شعاری با مرحله ، حین رشد نیروهای مولده نامتناسب و بنابراین نادرست است . استثمار وطبقات طی یک پروسه درازمدت و تاریخی نفی می شود (دیالکتیک تاریخ) .

بنابراین یک موحد در هر مقطع تاریخ با احترار از هرگونه شرکت گرایش انحرافی یا ارتجاعی در مواضع اجتماعی ـ سیاسی این متناسب با شرایط و ضروریات تاریخی را معمود به سوی "قسط" و استقرار "نظام توحیدی" میکند .

به همین دلیل ما ، جریانات مذهبی سرمایه داری کوچک را هرگز بلحاظ فلسفی در جایگاه گروندگان به توحید واقعی ایشان ، امور یوسی محتوا تلقی میکنیم زیرا مواضع اقتصادی اجتماعی

بایک نگرش عمیق وارگانیک یکسان بودن نمود حرکت دو ایدئولوژی در یک مرحله نمی تواند دلیل بر یکی بودن کل محتوای آنها باشد . از اینرو گر چه در مراحل ومقاطع ساده بارتباب اقتصادی ـ اجتماعی آنها را مستقیماً "وبطور مخصوص مشاهده نکنیم ولی در مراحل ومقاطع پیچیده تر وعالی تر قطعاً "اثرات آن بارز میشود.

جامعه به منزلهٔ جزئی ازهستی ووجود باکل آن درهماهنگی بسرمی برد . از جامعه بشری تنها درو هنگذر انطباق بایست یگانه جهان که ملازم با فلسفهٔ توحیدی است به وحدت ویگانگی میرسد وازیگانگی های متضاد طبقاتی وبهره کشانه بطور کامل خلاصی خواهد یافت .

در دراومدت تفاوتهای فلسفی آنها در مواضع اقتصادی ـ اجتماعی شان ظاهر خواهد کرد . از اینرو گر چه در مراحل ومقاطع ساده بازتاب آنها را استقصاً وبطور مخصوص مشاهده نکنیم ولی در مراحل ومقاطع پیچیده تر و عالی تر قطعاً "اثرات آن بارز میشود . درهمین رابطه است که ما معتقدیم که حل قطعی مساله استثمار انسان از انسان وتوحید تمام عیار اجتماعی تنها تحت الشعاع یک دیدگاه وحود شناسانه توحید امکان پذیر است وما تردابیمتها تا زمانیکه دکم های غیرحقیقی ماده گرایانه خود را نشکنند نمیتوانند در دست یابی به نفی کامل استثمار ووحدت تمام و کمال جامعه توفیق یابند . زیرا جامعه به منزله جزئی ازهستی و وجود باکل آن درهماهنگی بسر می بردوتنها در هنگذر انطباق بایست یگانه جهان که ملازم بافلسفه توحیدی است وحدت ومیرد ویگانگی های متضاد طبقاتی وبهره کشانه بطور کامل خلاصی خواهد یافت . لذا میان نفی استثمار توحیدی ونفی استثمار بی مقصد و معنای ماتریالیستی تفاوت کیفی قائلیم .

این است جایگاه ونقش وتاثیر مهم عامل ایدئولوژیک . حتی اگر جهانبینی وفلسفه توحید را به منزله واقع گرایانه ترین تبیین وجود بدیرفته باشیم ، توحیدین راستین که در هر مقطع از تاریخ اساساً به بالنده ترین ومحروم ترین طبقات (مستضعفین) تکیه دارند ، ومتناسب ترین شیوه را برای حل تضاد اصلی آن در مرحله می گزینند بهوسته در تمام رهانیها وعکاسها بر تارک نیروهای انقلابی خواهند درخشید . هم چنانکه تاریخ در مورد نهضت هایی که انبیاء وپیشوایان توحید به راه انداخته اند گواهی میدهد . پایان

خاستگاه اقتصادی ـ اجتماعی موضعگیریهای سیاسی

از آنجا که تضاد اساسی جامعه طبقاتی در کل تاریخ ، تضاد میان استثمارشونده واستثمارکننده است ، هر حرکت وعمل سیاسی در رابطه با مسئله استثمار ، دارای یک خاستگاه و مصدر اقتصادی ـ اجتماعی است که خود از آن ناشی شده ودر رابطه با آن سنجیده میشود . از اینرو دفاع علی از موضع اقتصادی ـ اجتماعی عدل و حمایت از نیروهای استثمارشده ورو به رشد ملازم با درپیش گرفتن یک مشی سیاسی متناسب با آن موضع است . یعنی یک مشی انقلابی واصولی که امام درخطبه ۱۶ از آن به عنوان "طریق الواضح" نام میبرد ، (به تفسیر خطبه درشماره های قبل رجوع کنید) . کما اینکه گرایشات وعقاید انحرافی و ارتجاعی وادرغلط مشی وعملکرد سیاسی آنها نیز ضمن دفاع از استثمار (ولودر ایمادکوچک) وعدم موضعگیری بنفع طبقه محروم وبه منزله حمایت از تثبیت دروگانگی های شرک آمیز اجتماعی است . ابحاث که امام علی می گوید :

کسی که بگوید امید وانگیختن به خدا است ولی این امیدواری درعمل او (مواضع اجتماعی ـ سیاسی) تجلی پیدا نکند دروغ می گوید . (خطبه ۱۵۹)

معیار امام علی درمرزبندی حق وباطل

می بینیم علی برخلاف بینش های سطحی ودگماتیک مذهبی که مسلو از مطلق بینی های یک ذهن گرائی ایستا ومتجمد می باشند ، قبول صوری خدارا به تنهائی معیارتمام وکمال حقانیت بحساب نمی آورد . بلکه بهنگام مرزبندی میان حق وباطل ، تمام افراد ونیروهای منحرف وارتجاعی را که به نحوی از مواضع طبقاتی اشرافیت حمایت می کردند و یا عملکردهای سیاسی شان به نفع ارتجاع بود ، در اردوی باطل قرار می دهد . اگر چه بسیاری از آنها فی المثل به خدا هم اعتقاد دارند (البته خدای ذهنی خودشان) ودعوی توحید واسلام هم دارند . در آنطرف دیگر بعنی اردوی حق نیز ، افراد وهدفگیرانی راستین انقلاب توحیدی وعناصر با ایمان و انقلابی را قرار میدهد . (خطبه ۱۶ فراز ۴) این است که علی در ارزیابی ، تعیین اطلاعیه سیاسی خود را با حمایه مواضع ویا پایگاههای اقتصادی ـ اجتماعی هم ، ارزیابی کند وعیار مسادره اموال غارت شده وتقسیم مساوی بیت المال را میدهد . ازطرف دیگر ، همانطور که هر موضع اقتصادی ـ اجتماعی انعکاس یک نظرگاه فلسفی بخصوص است ، هر موضع اقتصادی ـ اجتماعی نیز بنوبه خود دارای یک بازتاب سیاسی خاص خود می باشد . به عبارت دیگر هر موضعگیری اقتصادی ـ اجتماعی ، موضعگیری سیاسی خاص خود را بهمراه دارد در درازمدت ایجاب و به دقت شکل میدهد . این بدان معنی است که تنها از طریق مشی سیاسی بخصوص می توانیم اهداف اقتصادی ـ اجتماعی خود را جامعه عمل بپوشانیم . در این مورد توضیح بیشتری میدهیم :

بایک نگرش عمیق وارگانیک یکسان بودن نمود حرکت دو ایدئولوژی در یک مرحله نمی تواند دلیل بریکی بودن کل محتوای آنها باشد . از اینرو گر چه در مراحل ومقاطع ساده بارتباب اقتصادی ـ اجتماعی آنها را مستقیماً "وبطور مخصوص مشاهده نکنیم ولی در مراحل ومقاطع پیچیده تر وعالی تر قطعاً "اثرات آن بارز میشود.

به پایگاهها و مسادر اقتصادی ـ اجتماعی نفی شونده یا نفی شده ای که از آن برخاسته اند تحویل می کنیم . در این مورد خطبه ۱۶ نهج البلاغه بسیار قابل توجه است . آنجا که امام وقتی انحرافات طلحه وزبیر را بازگو کرده و دلایل آنها را در مورد ضرورت ادامه مشورت با ایشان رد می نماید ، در آخر خطبه ، مضمون اقتصادی ـ اجتماعی موضعگیریهای آنها را که اعتراض به تقسیم مساوی بیت المال میباشد ، مطرح میسازد .

بطور کلی خط سیاسی چنانکه در شماره های قبل تشریح کردیم ، دقیقاً دارای مضمون و جوهر اقتصادی ـ اجتماعی است که بالاخره به نحوی در تشریح پروسه تاریخی نفع کامل استثمار یعنی حصول یگانگی و توحید اجتماعی موثر است .

یکسانی موضع اقتصادی ـ اجتماعی دونیرو در یک مقطع

درخاتمه این بحث بی مناسبت نیست که به این نکته نیز اشاره کنیم که یکسانی موضع اقتصادی ـ اجتماعی دونیرو در یک مقطع تاریخی دلیل وحدت کلی فلسفی واشتراک تبیینات آنها را وجود نیست . مثلاً "ممکن است دو نیرو که از نظرگاههای فلسفی متفاوتی برخوردارند و مثلاً "یکی ماتریالیست ودیگری معتقد بفلسفه توحیدی است در یک مقطع تاحدودی شبیه هم عمل کرد وبلحاظ اقتصادی ـ اجتماعی مثلاً "درنفی استثمار موضع یکسانی داشته باشند . درایصورت معلوم میشود که درمقطع تاریخی مورد بحث (ونقط درهمان مقطع) اهدافشان واحد است . درست در همین نقطه ، تفریق مذهبی واردکود شده وبایک نگرش دگماتیستی ماراتمه بهمادیده گرفتن باکم بهادادن به اصول عقیدتی می نمایند . این تفریق که به لحاظ سیاسی نیز عموماً "دارای یک موضع ارتجاعی هستند از آنجا که نمی توانند بکمارچگی ارگانیک ارتباط نشرده مواضع اجتماعی ـ سیاسی و بطرکاه فلسفی را درک کنند حتی گاه توصیه می کنند که مواضع ترقیخواهانه اجتماعی ـ سیاسی خویش را سترک کنیم تا خلوص "عقیدمان حفظ شود و ایدئولوژیمان عدشه دارکردد !!

لیکن برخلاف این دگماتیسم مطلق بینانه ، عمیق ترین اعتقاد به آرمانهای ایدئولوژیک در دقیق ترین استقرار برمواضع مترقی اقتصادی ـ اجتماعی بهفته است .

بایک نگرش عمیق وارگانیک اگر چه ممکن است در یک مرحله نمود حرکت دو ایدئولوژی یکی باشد ، لیکن

بمناسبت عید قربان

"ضدنابودی"، اینست معنای تحت اللفظی کلمات "فدا و قربانی"

رژیم منفور شاه مانع اجرای آزاده و با محتوای مراسم حج میشد

مراسم حج امسال برای ما مفهوم دیگری دارد ، و برای اولین بار درطول تاریخمان زمانی به استقبال این بین ـ الملل انقلاب وقربانی میرویم که سایه شوم دیکتاتوری شاه را برسرنداریم . درگذشته رژیم منفور شاه درتضادی عمیق گیرکرده بود ، ازسوئی ماهیت ضد خلقی وضدا سلامیش نمیتوانست اجازه دهد که خلق قهرمان ـ ایران مراسم حج را آزادانه برپا میتوانی تو ـ حیدی اجراء کند . وازسوی دیگر استقبال پرشور خلق را ازاین مراسم که ماهیت انقلابی ومردمی دارد میدید . بیادمی ـ آوریم که براثر همین تضاد بودکه بنیاد ضدخلقی اوقاف مربوطی گسترش نفوذ پلیسی شاه وساواک شد . ولی افشا ـ گری های نیروهای سیاسی جامعه و بخصوص امام خمینی که درآن زمان در تبعید بسر میبردند ، همواره مایه ـ دلگرمی مردم مشتاق و آزاده میشد . مراسم حج درسالهای گذشته ، بوید رهنمودگرفتن ها وتبادل نظرها وافشاء ماهیت ضداسلامی رژیم بود . لیکن حرکت پرشور خلق قهرمان ایران توانست با "قربانی" دادن بیش از ۴ هزار تن شهید ، ازبوغ دیکتاتوری پهلوی آزاد شده واولین قدم خود رادربنای جامعه ـ ای نوین وانقلابی ، جامعه ای درخور الگوی "بیت العشق" بردارد .

ماهیت نظامهای وابسته با محتوای مراسم حج تناقضی آشکار دارد

عظمت وشکوه انقلاب خلق ما برانداز امپریالیسم وبرتجمین وابسته و خصوصاً "مرتجمین منطقه لرزه انداخته است ، وبهمین دلیل ازهیچ اقدامی در به انحراف کشاندن وبا توهین وکارشکنی کوتاهی نمیکنند .

محظوراتی که برای حجاج ایرانی ، توسط مرتجمین حاکم سعودی بوجود آمده توهین هائی کعبه امام شد ـ از قبیل پارگردن عکس و ... همگی نشان دهنده وحشت مرتجمین سعودی از گسترش انقلاب ایران میباشد . موضع ـ خبر میدهد . حاداقل از خود سوال کنیم که آنها از چه چیز انقلاب ایران وحشت دارند که با چنین موضعی به "امام" توهین میکنند ؟ ازحدودن دادگاههای شرعی میترسند در حالی که ظواهر را بیشتر از همه رعایت میکنند با اینکه امام میگوید : تمام گرفتاریهای ما از آمریکاست ... وحشت دارند ؟

* * *

در آستان این عید فرخنده سازمان مجاهدین خلق ایران ، پیام تهنیتی به تمام رزمندگان انقلابی منتشر کرده است .

"تشریه مجاهد" ضمن تبریک مجدد به تمام مسلمانانی که توانسته اند با لبیک به ندای امام خمینی قربانی کنند و با فدا کردن خود ، ارزش انقلابی در حال شدن را تضمین کنند ، مقدمه پیام را در زیر می آوریم .

* * *

پیام تهنیت مجاهدین خلق ایران به تمام رزمندگان انقلابی

تشریح فلسفه عید قربان "بین الملل انقلاب وقربانی"

بنام خداوند تمام خلق قهرمان ایران

بنام تمام قربانیان انقلابی بشر

رمز انقلاب "فدا وقربانی" است . دنیاجای برتحقق آزادی ویگانگی ، نه تکامل بدون انقلاب وجهش پیش می رود ونه انقلاب بدون "فدا وقربانی" . رمزی که بدون آن درب انقلاب همچنان ناگشوده میماند .

از اینرو هر "قربانی" دریچه ای است بسوی انقلاب و روشنائی که همزمان برتباهی و ظلمت بسته میشود . شاهی وفساد و "هستی" رابه شیرکی تکاملی اشیاء ، تشبیهی از چنان دنیاجای ازفدا محقق قدیم "وجود" حقیقی می یابد . پس سرانجام ، این فدا وقربانی است که میان وجود ولاوجود حائل میشود و "هست" و "نیست" حقیقی اشیاء راهمین میسازد .

آری ، هستی حقیقی ، درتمامیت تکاملی خود ، مرهون گذشت وایثار وحدت گرایانه است .

دورک کلام بگوئیم : "ضدنابودی اینست ترجمه تحت اللفظی کلمات فدا وقربانی .

چرا چنین است ؟ زیرا این منطق بسیاردین ، طبیعت ، انسان واجتماع ما است . منطقی برمبنای "وحدت وفلسفه توحید ، بدینسان کشاکشی دائمی درمیان اضداد مختلف جریان دارد ، که خود وسیله نیل به غایتی یگانه اند نبردی یکتاگرا وسازش ناپذیر ، که هم طبیعت وهم انرژی دوشوع آنند . وتنها با قربانی میتوان دراین صحنه سنگارشد .

تکامل ، دیناجرای پرفراز ونشیب طولانیش ، سراسر گویای همین حقیقت است . درهرگامروی ، تکامل بدوش قربا ـ نیانی پیش رفته است که قدیه رهائی از قلمرو پیشین ارتجاعی اند . منطقی عدشه ناپذیر که درماجرای تکامل موجو ـ دات زنده ازهرحیث آشکارو انکار ـ ناگردنی است . از پیدایش نخستین حرثومه های حیاتی تا انتقال حیات از دریا به خشکی و . . . تاخروج جوامع و نظامات انقلابی از بطن نظامات بهره کشانه ، استبدادی وارتجاعی کمرا سپا تغییرات عظیم کیفی درشرایط تکاملی همراه بوده است ، بخوبی میتوان دید که :

۱ ـ از آنجا که طبیعت این مادر کبیر ، خود انقلابی است وپیوسته مسائل خودرا بعد ازگذران مراحل کمی ، جهش گونه وانقلابی حل کرده است ، جهش و انقلاب ضرورت اجتناب ناپذیر هرروند تکاملی است .

۲ ـ شی تردید ، هرانقلاب چه در طبیعت و چه درمورد اجتماع ، مستلزم قربانی های شایسته است .

فداکاری وقربانی بخاطر اهداف ، ایدآلها و کارکردها وآثار عاشقانه گذشته ، و اسرار ملاحیت هاوتوانائی های تکاملی هرچه بیشتر ، برای مهارکردن کشش و قوای خودبخودی وجاذبه های سرکش ضد تکاملی ، همان جاذبه ها ونیروهائی که راه خروج ازاسارت ونیل به رهائی تکاملی (تقوا) راسد میکنند ، همان جبر های کور طبیعی وغریزی و اجتماعی .

۳ ـ پس جاذبه تکامل ، همواره جاده ای سرخ فام وشفق رنگ بوده است که سرانجام قله شکوهمند سپیدی وصلح و آشتی و سلام ووحدت داعی رامژده میدهد .

آری چنین است داستان ابراهیم ! یا همان داستان عروج وارتقاء یگانه سار بشری ، کدامیک دراوج مراسم حج به زیبائی سمبلیک ، در چارچوب یک بین الملل عقیدتی یادآوری وتکرار می شود . ازاین نظر داستان ، درامل داستان آزادی و رهائی ونیل بیگانگی کمال مطلوب انسانی است .

ابراهیم خلیل خدا ، منادی توحید که بحق پدر تمام رسولان و انبیا ـ لقب گرفته است پیشانگزار بت شکنی و قهرمان ضدیت با ارتجاع و شرکورزی و دوگانگی است .

انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً "وما انا من المشرکین (انعام ۷۹)

نگاهی به مطبوعات

۱ـ قراردادهای خارجی ایران

بامداد ۵ آبان / بین ایران و بازار مشترک اروپا قرارداد جدیدی منعقد میشود .

اطلاعات ۶ آبان ـ بنقل از السفیل: "یکی از مسئولین امریکائی اعلام کرد: انقلاب ایران هیچگاه نیروی میران واردات نفت ایران به ایالات متحده امریکا تاثیر نمیگذارد" امریکا حتی بیش از شرکت های عضو کنسرسیوم سابق ایران موظف به تامین نفت ایران برای خود شده است .

اطلاعات ۶ آبان / سندیکای مشترک کارکنان نفت : سکوت دولت درزمینه قراردادهای نفتی مشکوک است .

کیهان ۷ آبان / شاکر : مسلماً استفاده ازبعضی سلاحها واهیاهها وجود دارد ، وبهمین خاطر وجود کارشناسان خارجی ضروری واجتناب ناپذیر خواهد بود .

کیهان ۸ آبان / با تصویب مجلس خبرگان ، مقدمه گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه شود ممنوع است .

کیهان ۸ آبان / در دادگاههای انقلاب اسلامی فاش شدکه "هرکارشناس خارجی ماهی ۹۰ هزارتومان برای ایران خرج داشت .

بامداد ۹ آبان / پیشنهاد لغو قرار ـ داد مهم ایران با امریکا وشوروی تسلیم شورای انقلاب شد .

۲ـ روابط ایران وآلمان فدرال

جمهوری اسلامی ۵ آبان / سخنگوی دولت آلمان : انقلاب اسلامی ایران در جهان نمونه ندارد .

کیهان ۵ آبان / رادیوبگن : دولت ایران قصد دارد بجای سفارش ۵ میلیارد مارکی این کشور برای خرید بردبرای ماشین آلات وسایل کشاورزی خریداری کند .

اطلاعات ۷ آبان / همکاریهای وسیع ایران وآلمان درمذاکرات طباطبائی با مقامات آلمانی مطرح شد .

بامداد ۹ آبان / وزیر صنایع ومعادن : موانع ومشکلاتی که برسرراه تامین مواد اولیه ، صنایع مارامور مخاطره قرار داده بود برطرف شده ومطرویکه اکنون کشورهای غربی برای انجام معاملات بازرگانی درجهت تامین نیازهای ایران اظهار تمایل میکنند .

۳ـ ایلیاوی مسئول رسیدگی به مطبوعات

بامداد ۴ آبان / آذری قمی : آقای ایلیاوی مسئولان این بود که دراموز مطبوعات رسیدگی میکرد . با دم در اشخاص را نمره میداد که مراحمان تلوغ نکنند .

کیهان ۶ آبان / آذری قمی ملیها شاید ، خراسان وموسسه اطلاعات اعلام جرم کرد .

اطلاعات ۴ آبان / وقتی برای بررسی مطبوعات و تصفیه آن آزادم در دری بادربانی که برای این قبیل کارها مناسب بود ماست استفاده میشد ، می خواستید که اعتراضی برای نویسند ، توحرمتی برای قلم ماند ما شد آنهم با مامور معذوری که یک فلم ۶ میلیمتر تومان از یکسر مایه دار معلوم الحال رشوه گرفته !

۴ـ دستگیری مهاجمان به دانشگاه

اطلاعات ۸ آبان / دانشجویان ، حمله ـ کنندگان به دانشگاه تهران را دستگیر و محاکمه کردند . وسپس آنها را به بهائیان تحویل دادند .

بامداد ۸ آبان / دکتر ملکی رئیس دانشگاه تهران : هیچ قدرتی خارج از دانشگاه نداریم . وهیچ مقامی از ما پشتیبانی نمیکند . قدرت ما فقط از دانشجویان است .

بامداد ۹ آبان / دکتر ملکی : درصورتی که حمله کنندگان را آزادکنند ، بانوجه به شکایتی که ازطرف شورای مدیران دانشگاه تهران طرح شده است ، من از سمت خود بعنوان رئیس دانشگاه استعفا خواهم کرد .

۵ـ بازداشت منتظری

اطلاعات ۹ آبان / محمد منتظری بهنگ می که برای روشن کردن وضع خود وگر ـ فتن گذرنامه وارد آدگستری شد بازداشت گردید .

بامداد ۱۲ آبان / شهشهانی : محمد منتظری مرا عوض کرد .

www.iran-archive.com

پیشتازان کبیر سرزمین قسط

میخروشد آتش اندر کورهٔ آهنگر پرکین
از رخ او جویباری از عرق جاریست
میگشاید راه خود بر سینهٔ آن زن پس
قطره قطره میچکد بر خاک
میدرخشد دیدهٔ تابش همچو گرگی زخمی و مغرور
با دو دستی پرز پینه، آهنین پیراشت رنج و کار
پتک خود را میبرد بالا
آهن تفتیده را با خشم میکوبد
با نفسهائی که داغ است و مقطع،
پتک میکوبد
زیر لب آرام قصهٔ میگوید:

* * *

من همین فردا، همین فردا، همین فردا
آتش این کوره را پرشعله تر سازم
گرچه باید آتش خورشید را در کوره اندازم
زآن سپس در گل، دشنهٔ پولاد خواهم ساخت
وز خون کینه آنرا آب خواهم داد
وز آن پس انتقام سالها رنج و فریب و درد
میستانم از پلیدانی که میدانم
با دشان خونی که میریزد زاندامم

* * *

میخروشد آتش اندر کوره خشم آلود
پتک را آهنگر پرکین، محکم و سنگین
سخت تر بر آهن تفتیده میکوبد.

با دو دستی پر ز پینه، آهنین، پیراشت رنج و کار

آتش از خورشید میریزد به روی دشت
کشتگر با غصه واندوه
با دو دستی لاغر و تیره
میفشارد گاوآهن را بروی خاک
خاک را با خشم میکاود
زیر لب آهسته میگوید:
(خشک آمد کشتگاه من
در کنار کشت همسایه
تا صد روزان ابری، داروگنگی میرسد باران)
می تراود از درخشش اشک
برزخ و جویباری گرم از خون و عرق جاریست
زیر لب آهسته میناله
کشت امسال ازل خاک سیه سر بر نیاورده
گسلف خرها ربود ندانکه آنرا
کودکانم در پناهی گرسنه ماندند
وزمستان باز در راهست.

* * *

مشت خود را میفشارد کشتگر چون پتک
چشم خود بر شعله خورشید میدوزد
میزند فریاد
من همین فردا، همین فردا، همین فردا
سینهٔ غارتگران را جای این خاک کثیف و چرب و خوب
شخم خواهم زد به گاوآهن
بذرکین را در شکاف سینهٔ غارتگران خویش
خواهم کاشت
بار خواهد داد
قلزم نابود خواهد شد
بر لبان کودکانم میشکفد غنچه لبخند

* * *

آتش از خورشید میریزد به روی دشت
کشتگر با کینه و نفرت
زیر لب آوازهای شورشی را میزند فریاد
میفشارد گاوآهن را بروی خاک

خشک آمد کشتگاه من...

* * *

از صدای کارخانه گوشها لبریز فریاد است
در فضا جاریست پشم و پنبه و گرما
کارگر با غصه واندوه استادهاست
از رگانش خون او در چرخها دندانه هاجاریست
پنبه ها از خون پاکش رنگ میگیرد
میشود گلگون
تا شود زیب لباس ارغوانی آن تن آسایان بیمقدار
گاه که تکه سرفه ای از سینه او خشک میخیزد
قطره ای خون می تراود از دهان او
بر حیاط کارخانه گرم میریزد
همراه اندوه آنسو نرا از در کلنجار است
با زخمی بی خون و دستانی که اندر آن
آبی رگهای او پیداست

* * *

کارگر آرام در تکراست
در نگاه تیره او شکل میگیرد
آنگه هر لحظه حیاتش را چه پول میکند اینجا
کارگر با خشم میفرد
هان کجاست او
در دریای دور با خلوت سرای خویش؟
گرم در خواست؟
با کلوخ و گلنی چند سیاهای خون و اشک من
پای گویاست
دست افشانست

* * *

میخروشد کارگر چون رعد
کارگر با خشم میخواند
آیه های شورشی را زیر لب پرشور
در نگاه او بروز شکل میگیرد
میزند فریاد
در شگفتم از کسی کو از فقر او در خانه می بیند
لیک با شمشیر بر مردم نمی شورد)

* * *

در گلان شهر خونی گرم می تولد
میخروشد باز دریای بزرگ انقلاب مخلق
آتش خشم و سلاح توده محروم
میخروشد همچنان آتشفشانی سرکش و بیرحم
چهره غارتگران چون گهربا زرد است
می درخشد در کف مستضعفین خود محروم
پیشتازان کبیر سرزمین قسط
رایت خونرنگ عصیان بزرگ خلق
آمیبینم که در او غارت صف با خشم

در نگاه تیره او شکل میگیرد

میفشارد بر لبان خویش دندانهای نفرت را
زیر لب با خشم میفرد
من همین فردا، همین فردا، همین فردا
آتشی در خرمن غارتگران سوزان برافروزم
ریشهٔ غارتگران خویش را سوزم
آیه های لبس لنا انسان الا ما سعی را با زجان
بخشم

* * *

از صدای کارخانه گوشها لبریز فریاد است
در فضا جاریست پشم و پنبه و گرما
میخروشد همچو شیری شرزه آن کشتگر محروم
دست او در دست آن بافنده پرکین
دست دیگر رنگ آن کشتگر چون حلقهٔ محکم
پیش میتازند چونان سیل بنیان کن

* * *

پرده های اشک میپوشد دو چشم را
می خروشم در فریو توده محروم
پیشتازان کبیر سرزمین قسط کارگر، دهقان
عزمشان پولاد، رزمشان پیروز

(اسماعیل بهائی)

نامه‌ای از یک برادر ارمنی

نامه ای که در زیر می‌خوانید از یک برادر ارمنی ماست. درنامه‌اش بما انتقاد شده که چرا بحقوق اقلیت های مذهبی بی‌توجه بوده‌ایم. اذعان داریم که این کار نیز مثل بسیاری کارهای دیگر بعلت تراکم کارهای دست وپاگیر انجام نشده. لذا از همین جا و برای جبران این کمبود صمیمانه تشکر از این برادر ارمنی، از سایر برادران دیگر نیز می‌خواهیم که فعالیت خود را با ما شروع کرده و مطمئن باشند صفحات "مجاهد" به روی آنها باز خواهد بود. قسمتی از نامهٔ این برادر را بدون هیچگونه تغییراتی نقل می‌کنیم.

سوال پیشجوان ارمنی از سازمان مجاهدین خلق:

درود بر برادران مسلمان که هنوز در سنگر آزادی به مبارزه ادامه میدهند! برادران انقلابی امروز میدانند خودم را معرفی کنم. من یک جوان ارمنی و کارگرزاده هستم. و بدلایلی اسم و مشخصات و نشانی خودم را نمی‌نویسم و خود را تنها با اس ـ خ ـ مشخص میکنم. امیدوارم که مرا ببخشید. برادران! روزیم سابق بسیار سعی کرد که جوانان انقلابی اقلیت‌های مختلف را از شما مسلمانان واقعی و انقلابی جدا نگهدارد. و این آرزو را بهمراه سرسپردگان کثیفش به گور سپرد.

هنگامیکه ارتجاع، جوانان و مسلمانان انقلابی را به باد تهمت و افتراهای بندی دیگر و صحبت ما معلوم است

اکنون من دوستانم سالها است که تحت تاثیر تبلیغات انقلاب الحرام شدید! به اسلام واقعی، قرآن و نهج البلاغه علاقمند شده‌ایم. و در مورد آنها دست به مطالعات وسیع زده‌ایم. من اکنون مدتهاست که نشریات مختلف اسلام انقلابی و از جمله "مجاهد" را با دقت زیاد مطالعه می‌کنم و می‌بینم که درد همه ما هم از مسلمان و غیرمسلمان یکسان است. ولی اجازه بدهید درد دل خودم را بی‌پروا با شما درمیان بگذارم.

اکنون ارتجاع ارمنی و ارتجاع ایران بطور عمومی، سعی بسیار دارند که ما جوانان از دل مختلف را به جان هم بیاندازند. متاسفانه در اثر تبلیغات همه‌جانبه برای اسلام، و البته آنهم نه اسلام واقعی و انقلابی و آزادی‌بخش، و (از سوی دیگر ما) توجیه و ارونه و ناجوانمردانهٔ آن از طرف ارتجاع ارمنی که همانا سرمایه‌داران، میباشند، جو بسیار متشنجی درمیان توده‌ها تا کاه ارمنی ایجاد شده است. هنگامیکه ارتجاع، جوانان و مسلمانان انقلابی را به باد تهمت و افترا می‌بندد، دیگر وضعیت ما معلوم است! می‌خواهم حقیقتی را با شما درمیان بگذارم. تمام ارامنه اعم از مادی و آگاه و روشنفکر عمق عالمانه‌ای نسبت به بدر طالقانی دارند. دلیل این امر چیست؟

ارامنه درغم از دست دادن پدر طالقانی واقعاً به سوگ نشستند

پدر در یکی از خطابه‌های خود می‌گوید: "هرجا انقلابی علیه ظلم، استبداد و استثمارات، انقلابی اسلامی است." این کلمات و تمام گرایشهای انسان دوستانه، انقلابی و آزادمردانه بر دل همه می‌نشیند.

ارامنه درغم از دست دادن پدر واقعاً به سوگ نشستند و واقعاً آن را درد که یک انقلابی برای همه یکسان است. من وقتی می‌بینم که پدرم مدت سی سال است توسط یک سرمایه‌دار مفتخوار ارمنی استثمار می‌شود و هنگامی که می‌بینم "پدر" (طالقانی) بی‌اعتنا از مستضعفین حمایت و پشتیبانی می‌کرد، خالصانه و عمیق می‌ورزم، ولی متاسفانه هیچکس دیگری غیر از پدر (طالقانی) نتوانسته است درد دل توده‌های محروم ارمنی حامی پیدا کند.

وقتی در انقلابی‌ترین نشریات اسلامی و مخصوصاً "مجاهد" که بسیاری از روشنفکران ارمنی اکنون به آن روی آورده‌اند، سخنی از آنها نیست و بدین ترتیب تبلیغات مسموم ارتجاع ارمنی بهراحتی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. و خود را در یک موج اسلامی تنگ و تنها می‌بینند و نگرانی و حساسیت عجیبی نسبت به این مسالهٔ پیدا کرده‌اند.

چرا مسلمانان و انقلابیون واقعی تا بحال نتوانسته‌اند قدمی در راه جذب این توده و دیگر اقلیت‌ها بردارند؟ چرا همچگونه روشنگری در مورد تصویب اصل ولایت فقیه و در "نظام توحیدی" در میان عیرگان که آخرین جرقه‌اسید رادیکال آنها خاموش می‌کند، انجام نمی‌شود؟ ارتجاع ارمنی به توده‌های ارمنی تلقین می‌کند که عقبگان بگیرند و با همه گونه فشار و استثمار سرمایه‌داران ارمنی بسازند. زیرا که در غیر اینصورت بلای کمیر سرگردها (که مسلمان هستند) آمد بر سرشما که مسیحی هستید بمراتب بدتر خواهد آمد.

نگذارید خاموشی و سکوت شما این دیوار دروغ و ریاکاری را محکمتر و ضخیمتر گرداند. نگذارید ارتجاع با این نیرنگ انقلابیون را از مبارزه علیه اصل اصلی علق با امپریالیسم منحرف گرداند و بین ما شکاف بیاندازد! من و دوستانم منتظر جوابی از جانب شما هستیم.

س ـ خ
۵۸/۲/۲۰

دعوت به همکاری

سازمان مجاهدین خلق برای برآورده کردن تقاضای هواداران در کشورهای دیگر که به زبان فارسی آشنائی ندارند درصدد است آثار و نشریات خود را به عربی و انگلیسی ترجمه کند.

از کلیه خواهران و برادرانی که امکان ترجمه این آثار را از فارسی به انگلیسی یا عربی با کیفیت خوب دارند، (در صورتیکه مایل به همکاری باشند) تقاضا میشود از طریق آدرس نشریه مجاهد با ما تماس بگیرند.

سامی در سنگر مبارزه مردم

ما برفتیم و دودامی و دل مخمور ما
"حافظ"

وزیر بهداری در نامه‌ای به امام و مهندس بازرگان علل استعفای خود را نوشت و آمد! این اولین باری نبود که وزیری از کابینه بازرگان استعفا می‌داد، ولی "آمدن" دکتر سامی زنگ خطری است جدی برای دولت و هشداری به مردم محروم میهنمان. با این استعفا، کابینه یکی از عناصر مبارز، صادق و مترقی خودش را از دست میدهد، و هرچه بیشتر تهی میگردد، بر استی قدرت حاکم و دولت موقت چرا از جذب عناصری چون دکتر سامی عاجزند؟ در این مدت ۶-۷ ماه چه دامنه‌ای ایجاد شده که روشنفکران متعهد و مسلمان را اینچنین آزرده‌خاطر و موجود گریزان می‌کند؟

آیا به دکتر سامی وظیفه‌ای می‌چسبد؟ و یا تازه بدوران رسیده‌ای است که از سنگینی بار مسئولیت فرار می‌کند؟ بهتر است علت استعفای او را از زبان خودش بخوانیم. در نامه با امام می‌نویسد: "آنچه در تقسیم مواضع قدرت در کشمکشهای پشت پرده میگذرد، علاقمندان و معتقدان به قبول مسئولیت و ایثار را دلزده و دلسرد می‌کند..." در همان نامه اولین دلیل استعفای خود را "عدم تجانس در هیات وزیران و تشابه تلات گروهی و فرقه‌ای و دسته‌بندی سرای کسب قدرت بیشتر" ذکر میکند.

در نامه به مهندس بازرگان اضافه میکند: "به بهانهٔ نجات اسلام و حمله به حناح چپ و خدا نقلاب سعی شده که همه گروههای انقلابی و مترقی را از صحنه خارج کنند".

اینجاست که معلوم می‌شود دکتر از سر دردمندی و احساس مسئولیت است که استعفا میدهد نه فرار از زیر بار مشکلات و هراسدن از این و آن. حرفهای دکتر نشان میدهد که درد او درد مشترک همهٔ مبارزان با ایمان و صادقی است که حرص جاه و مقام کورشان نکرده. علت استعفا همان است که پدر طالقانی را از شورای انقلاب گریزان می‌کند. همان علتی است که عناصر مبارز و روشنفکر دیگر را دفع می‌کند. همان علتی که خیل عظیمی از روشنفکران مسئول و مسلمان را نسبت به نظام حاکم بی‌اعتماد و ناپیوس و سرخورده میکند. نظامی که انرژی سرشار مردم را به کانالهای انحرافی می‌کشاند و از راه خدا و راه مبارزه جدی امپریالیستی باز میدارد (آنهم بقول خود دکتر به بهانهٔ نجات اسلام)، ظاهر مساله یک استعفای ساده است. شاید حرفهای چندان تازه‌ای نباشد و دل از او هم کسانی همین حرفها و دردها را بنحوی بارگو کرده باشند. ولی این بار و ممیز مساله آشکارتر می‌شود. این واقعیت دردناک نشان میدهد که سیستم حاکم با روالی که در پیش گرفته و تا بدین جا پیش آمده، هر روز از محتوای مردمی خود تهی‌تر میگردد. هر روز عناصر مادق و بقول دکتر "معتقدان به قبول مسئولیت و ایثار" را دفع می‌کند. اگر تغییرات همین‌گونه در جهت دمقیه عناصر ترقیخواه ادامه یابد، از یکطرف رژیم، مشروعیت مردمی و اسلامی خود را بتدریج از دست می‌دهد و از طرف دیگر با یکدست کردن با بافت درونی خود توان موضع‌گیری خود را در قبال نیروهای انقلابی افزایش خواهد داد.

رفرمیسم

www.iran-archive.com

اسنادی از توطئه‌های سیستم آریامهری (۳)

دشمن از تضادهای مختلف چگونه به نفع خود استفاده میکند؟

ترساندن مردم از خطر تجزیه کشور جزء مهمترین شیوه‌های رژیم برای بدبین کردن توده‌ها نسبت به انقلاب بود.

در این شماره ـ یک طرح تبلیغاتی دیگر رژیم را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این طرح را نیز جعفریان (مغز متفکر رژیم شاه) پیشنهاد کرده و سرهنگ یکانه آن را گزارش نموده است. تاریخ پیشنهاد این طرح ۲۷ آذرماه یعنی بحبوحه قیام میباشد.

آنچه که در این طرح جلب توجه میشد پیچیدگی دشمن و آگاهی وی بر تضادهای مختلفی است که در منطقه وجود دارد. برخورداری رژیم از قدرت تحلیل و بررسی این تضادها که شامل وضعیت اجتماعی، وضعیت نیروهای سیاسی، درک مسائل و نیازها جامعه (مانند مذهب، ملیت و ...) و شناخت نقاط ضعف و قابل تحریک در هریک از این جوامع، سلوبی از این طرح پیدا است.

با مطالعه این طرح بکبار دیگر پیچیدگی و نشوا رسودن امر مبارزه چهره می‌نماید. و ما نیز وجه این ضرورت میشویم که هم چنانکه دشمن شناخت دقیقی از ما، و از عوامل مختلفی که در رابطه با ما قرار میگیرند، دارد ما هم متقابلاً باید چنین آگاهیهای دقیقی از او داشته باشیم. و با شناخت سیستم پیچیده تبلیغاتی دشمن، سیستم برنامه‌های تبلیغاتی خود را ارتقاء بخشیده و متکاملتر کنیم تا بتوانیم این تبلیغات را خنثی کنیم.

نام کلی این طرح "چهره شاهنشاه آریامهر و شاهنشاهی ایران و آثار تزلزل رژیم میباشد، با این مدلال که شاه و نظام سلطنتی "در کانون توجه و مورد هجوم و حمله دشمنان قرار گرفته است بنابراین کوشش‌های تبلیغاتی برای خنثی کردن آثار سوء حمله دشمنان هم باید متوجه توضیح و توجیه چهره شاهنشاه آریامهر" باشد.

مطابق طرح این فعالیت تبلیغاتی در سه قلمرو باید انجام گیرد: ۱ـ فعالیت‌هائی عامه در غرب ۲ـ فعالیت منطقه‌ای که بسیار ضروری است ۳ـ فعالیت در داخل ایران.

تذکر داده شده که این طرح "بکلی سری" است و مجریان آن در کل طرح و مجموعه هدف‌ها و فیاهای آن نباید آگاه باشند.

تبلیغات رژیم در رابطه با کشورهای منطقه

در قسمت اول که کشورهای منطقه اختصاص دارد چنین آمده است: "طبیعت همه نظامهای سیاسی جزیره‌ا العرب (به استثنای یمن) شامل سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات عربی متحده و عمان سلطنتی است. "مرجع دینی خارج از ایران (مقصود آیت الله العظمی خمینی است) در پاره‌ای از نظرها بکلی سلطنت را نفی کرده، و موضوع جمهوری اسلامی را بر اساس انتخاب مطرح کرده است. طرح این موضوع برای کشورهای جزیره‌ا العرب تکان دهنده است، زیرا قبلاً نیز عبدالناصر و سپس حزب بعث در این زمینه روی افکار عمومی جزیره‌ا شرکا شده‌اند. و سوابق ذهنی ناراحت کننده‌ای در همانها ی حاکمه و بخشی از مردم وجود دارد. لذا پخش اعلامیه‌های مذهبی با هدف تبلیغ جمهوری اسلامی به زبان عربی در این کشورها بسیار مؤثر خواهد بود. امضای این اعلامیه "اعلامیه می‌تواند "مسلمانان انقلابی ایران" باشد. شیوه متن اینگونه اعلامیه‌ها بسیار اهمیت دارد، و باید بر نقاط ضعف این نظامهای سیاسی تکیه کند.

این اعلامیه‌ها بر بیداری دولتهای جزیره خواهد افزود، و آنها را به آرامش ایران را غیرتر خواهد ساخت".

ملاحظه میگردد که این اعلامیه‌ها که قرار است تهیه شوند ظاهرا "بسیار مترقی هستند و میکنند، ولی در راست در نقاط ضعف سیستم‌های پوسیده منطقه دقیقا "اشاره میکنند، و جمهوری اسلامی را هم درست تبلیغ کنند اما دشمن حیله‌گر هدف نهائی را در نظر دارد. هدف نهائی اینست که دولتهای منطقه را متقاعد کند، که آنچه در ایران میگذرد خطری است که آنها را هم تهدید میکند. و از اینطریق آنها را به حمایت رژیم حاکم بر ایران مجبور سازد. در جای دیگری چنین توضیح داده است: "... این اعلامیه‌ها علاوه بر اینکه دولت سعودی را تکان این حرکت مذهبی در ایران خواهد کرد، بلکه آمریکا و انگلستان را هم تکان می‌نماید. در نتیجه علاقمندی آرامش هرچه بیشتر ایران در آن مناطق افزایش خواهد یافت

اعلامیه‌های نوع دوم

نوع دیگر از اعلامیه‌ها باید به جمهوریهای عربی از قبیل عراق و سوریه اختصاص یابد و گفته شود که این جمهوریها طبیعت اسلامی ندارند، و مجری احکام اسلام نیستند. در مورد کشورهای با نظام سلطنتی آن تاکتیک در رابطه با کشورهای نظام جمهوری این تاکتیک را در آنها بر ضد سلطنت بودن انقلاب ایران و در اینجا بر سرموضوع دینی و مذهبی آن انگشت میگذارد. و از آن بعنوان عامل تهدید استفاده میکند.

اعلامیه‌های نوع سوم

در یک نوع دیگر از اعلامیه‌ها باید "از سوی شیعیان متعهد" عراق که مورد شیعیتی و ستم بعث عراق هستند خطاب به "مرجع تقلید حاضر در ایران" باشد" حتی میتوانند با نامه‌های حداگانه نیز این اعلامیه‌ها پخش شود و از همان مرجع تقاضای استخلاص خود را از ستم بعث بکنند. اینگونه اقدامات دولت عراق را در وضعی که هست تکان میدهد".

اعلامیه‌های نوع چهارم

این اعلامیه‌ها باید "به کشورهای کمونیست مسلمان‌نشین بپردازد (مثل افغانستان) لذا میتوان هم از اعلامیه "مسلمانان انقلابی ایران" استفاده کرد و هم از مراکز مذهبی افغانستان که بمخالفت با کمونیسم قیام کرده‌اند، و با اعلامیه‌هائی نیز تا کشور داشته‌اند" در دنباله این قسمت آمده است:

"این اعلامیه میتواند به جمهوریهای مسلمان‌نشین شوروی نیز بپردازد." آشکار است که هدف رژیم ایزوله کردن انقلاب ایران و وادار کردن همه کشورها و دول منطقه به حمایت از خویش است. علاوه بر مرکز دفوق هدف دیگری که این نوع اعلامیه‌ها تعقیب میکند تضعیف کشورهای ضد امپریالیست و تشدید تضادهای درونشان است امپریالیسم و دست نشاندگانش همیشه از مذهب و از مترسک کمونیسم درجهت مقاصد خود استفاده کرده و میکنند.

استفاده از تضادهای قومی

و مسئله ملیت‌ها

بخش دوم این طرح با استفاده از مسأله ملیتها و قومیت‌های ایران و تضادهای آن و با توجه به ویژگیهای هر یک تنظیم شده است مثلاً "برای خوزستان چاپ و پخش یک سری اعلامیه را پیشنهاد میکند به این ترتیب که:

"در خوزستان مردم نسبت به اقدامات "جبهه" آزادیبخش الاحواز" سابقه ذهنی دارند. اما ضرورت ندارد که این اعلامیه‌ها از سوی این جبهه صادر شود تا مورد تکذیب قرار گیرد بلکه می‌توان به نام‌های دیگر مثلاً "طرفداران استقلال خوزستان عربی" اعلامیه‌ها را منتشر کرد. کبیر، وحشی سنتی و اهمال جبهه آزادیبخش الاحواز" را درگذشته مورد انتقاد قرار داد. این اعلامیه‌ها بیشتر جنبه مذهبی دارد، و میتواند حتی از حکومت بدون مذهب بعث انتقاد کند. این اعلامیه‌ها خوزستان را تکان میدهد. با این توجه که فقط اقلیت محدودی از عرب در آنجا ساکن است و مردم خوزستان از تسلط عرب وحشت دارند، و مردم ایران استقلال خوزستان را بهیچوجه خواهان نیستند".

کما اینکه در مورد کردستان و بلوچستان، طرح مزبور چنین میگوید: "در اعلامیه‌های نوع پنجم میتوان به کردستان پرداخت که با سابقه تاریخی آن نیز موجود است و در آنجا آن حضور دارد، ..... در مورد بلوچستان چنین اعلامیه‌هائی مفید بنظر نمیرسد ...

مترسک کمونیسم

اعلامیه نوع ششم از سوی کمونیستها برای منطقه آذربایجان خواهد بود. و موضوع آزادی آذربایجان شمالی (آذربایجان شوروی) را مطرح میکند، و خواستار آزادی آذربایجان جنوبی (آذربایجان ایران) میشود. در این اعلامیه میتوان به اقدامات اسلامی فرقه" دموکرات نیز اشاره شود. "... چگونگی تدوین این اعلامیه‌ها باید طوری باشد که فضاوت نهائی خود انتشار به فریب کمونیسم و تبلیغات لیبرالها را به آن منتهی شود".

هدف مشخص است. با سوء استفاده از "زمینه" احساسات مذهبی که در مردم وجود دارد میخواهند بفهمانند که ولایت حکومت مرکزی و رژیم را تضعیف

بقیه در صفحه ۱۲

بی تفاوتی مردم در انتخابات شوراهای شهر نشان دهنده آگاهی آنهاست

بقیه از صفحه ۱۲

تشکیل شوراهای واقعی از ضروریات ایدئولوژیک و تداوم مبارزه ضد امپریالیستی است

بزرگداشت پدر همه جا فریاد میزدند: "پیام طالقانی، شهادت است و شوراء" این مردمی که در همه جا شعار مسئولیت خود را در ادامه راه پدر طالقانی میدیدند، در مورد شوراها و نقش آنها تا این اندازه ناآگاه باشند چه‌ی‌ـ تفاوت برخورد کنند؟ مگر همین مردم نبودند که در کوران انقلاب در همه جا به تشکیل نهادهای اجرائی همت گماشتند تا کارهای عملی را با مسئولیت سنگین آن در دوران دیکتاتوری بیاده کنند؟ و چه حق از عهده انجام این مسئولیت برآمدند.

میدانیم شوراهای اعتصاب که در همه نهادهای اداری و بیمارستانها برای اصناف مختلف شکل گرفت، و شوراهای هماهنگی، که بر همه شوراها نظارت داشت، از ویژگیهای انقلاب ما بوده‌اند. و در اساس نیازهای انقلاب و چاره‌اندیشی مردم تشکیل شده‌بود. در دوران شکوفائی قیام همه دیدیم که دستورات انقلابی و رهنمودهای رهبری چگونه خود پیش و آگاهانه ولی بدست مردم پیاده میشد. دیدیم که چگونه رابطه رهبری و مردم بصورت طبیعی خودش شکل گرفت. و نقش مردم تا چه حد واقعی تحقق یافت. در جریان ۱۷ شهریور دیدیم که ملیونها تعامل گردانندگان تظاهرات به جلوگیری از قیام جوانان پرشور، همین مردم بودند که با درک صحیح خط انقلاب و رهنمودهای رهبری بیشتر شدند، و از دیگران جلو افتادند. از رکود و سستی مبارزه جلوگیری کردند. و با نثار خون خود حمایت انقلاب را تداوم بخشیدند. تا آنجا که تمام انتقاد کنندگان دیروز را چاره‌ای جز حمایت و تأیید نیست.

از نظر ما موضع مردم مضمونی آگاهانه دارد

چرا باید مردمی که در جریان شکوفائی انقلاب و پس از پیروزی تا این حد شوراها را در شعارها و عمل خود حمایت و تأیید کردند، اکنون نسبت به آنها تا این حد غیر فعال و تردید آمیز برخورد کنند؟ از نظر ما این موضع نه‌می آگاهانه و مسئولانه دارد. و نشانه این است که مردم در این شوراها تجلی خواستها و آرمانهای خود را می‌بینند. این برخورد غیر فعال مردم نشانه اعتراضی است که نسبت به مفاد شوراها و حدود وظایف و نقش آن دارند. نشانه انتقادی است که نسبت به تهی شدن محتوای شوراها ابراز می‌دارند. آنان میدانند که تا آنجا که به سیستم حاکم برمی‌گردد شوراهای شهر آن محتوایی را که پدر طالقانی از آن سخن می‌گفت ندارد. این شوراها که از تصویب گذشته مرکز بمعنای واگذاری قدرت بدست توده‌ها مفهوم واقعی شورا نیست، و مسئولیت ساختمان جامعه آینده را در عهده آنان نمی‌گذارد. در حقیقت مردم با موضع انفعالی خود نشان دادند که خواستار شوراهای واقعی‌اند یعنی شوراهایی که بخواهد حاکمیت مردم را عملی سازد. شوراهایی که تنها به حق اظهار نظر مردم کفایت نکند و قدرت تصمیم‌گیری و اجراء هم از آن توده‌ها بشناسد.

شوراهایی که بتواند نیروهای حکومتی و مراجع دولتی در شهر و روستا و بخش را تعیین کند. نه شورایی که از بالا و با اشاره فرمانداری که خود برگزیده مردم نیست از کار برکنار شود. چنین شورایی قدرت سیاسی ندارد و تنها وسیله‌ای در خدمت اولیاء امور است، مسئول این بی تفاوتی کسانی هستند که حاضر نیستند قدرت به توده‌ها منتقل شود

کسانی که می‌گویند عدم شرکت مردم در انتخابات شوراها را بدلیل ناآگاهی آنان بدانند، با آنانکه تلاش می‌کنند گناه بی تفاوتی مردم را تنها بدوش دولت بار کنند، باید عمیقتر به جامعه خود بنگرند، و علت عمده را در انحصار طلبی ای ببینند که حاضر نیست قدرت توده‌ها و حق آنانرا به خودشان باز گردانند. باید ببینند که چرا در هرجا و در هر موضعیتی که سخن از شوراهای پدر طالقانی باشد آنهمه شور و هیجان و استقبال در کار است؟ ولی آنجا که صحبت از شوراهای تصویب شده است مردم با تردید و بی اعتمادی و عدم استقبال پاسخ می‌دهند. وقتی بعد از وفات پدر طالقانی رسماً اظهار میشود که نظر پدر طالقانی در برخی از مسائل مربوط به شوراها اساساً "درست نیست" مردم بخوبی درک می‌کنند که تلاش برای گرفتن قدرت اجرایی از شوراها و بی محتوا کردن آن آغاز شده است. وقتی چند روز بعد هم قانون تصویب شورا را می‌بینند به برداشت خود اعتماد می‌کنند. زیرا شوراها در شهرها از قدرت اجرایی و تعیین مقامات و اعمال نظارت بر آنها محروم شده‌اند. بقول وزیر کشور موضع تعیین کننده" شوراها در امور شهری یا استانی اساساً "اندیشه" درستی نیست. (باختاده ۵۸/۷/۱۰)

ممکن است در پیاده کردن شوراهای مردمی با شکستهایی مواجه شویم، اما هیچ مانعی نباید ما را از تحقق شوراهای واقعی باز دارد

این واقعیت را در جامعه خود ببینند که در کنار استقبال سرد مردم نسبت به شوراها، خواست آنان برای تشکیل شوراهای واقعی در حال اوج گرفتن است. و درست بهمین دلیل که واقعاً باید بمردم مسئولیت داد، کارشان را بآنان واگذارد. قدرت تصمیم گیری و قدرت اجرایی بآنان داد، تا حکومت مردمی شکل گیرد و انقلاب پایگاه خود را مستقر سازد.

بکوشیم تا شوراهای واقعی را در همه نقاط کشور پایه گذاری کنیم

اما تا آنجا که بمردم و نیروهای خلقی مربوط می‌شود، درک مسئولیت اجتماعی خودشان می‌باشد. حقیقت آنستکه شوراهای مردمی هم از ضروریات اجتماعی ایدئولوژی توحیدی است، و هم تنها راه حل از بین بردن دردهای اجتماعی و برآورده کردن خواستهای توده‌هاست. و هم بهترین شیوه استمرار انقلاب رهائی بخش و ضدامپریالیستی ماست تا انقلاب پایگاه واقعی خود را پیدا کند، و بقایای رژیم وابسته را نابود سازد، در نتیجه مسئولیت خدائی و خلقی همه ما ایجاب میکند، که در راه پاسداری از دست آوردهای مکتب و انقلاب، و دورانها پاسداری از خون شهدا، و برای ادامه راه پدر طالقانی، مسئولیت خویش را در پایه گذاری شوراهای اسلامی در همه زوایای جامعه فراموش نکنیم. و بکوشیم تا شوراهای واقعی را در همه جا پایه گذاری کنیم، و در راه رشد و تکامل و بارآوری آنها از هیچ تلاشی فروگذار نباشیم. واقع بین باشیم، بدانیم که در راه پایه گذاری هر نهاد انقلابی و مردمی نظیر شوراها مشکلات بسیار و موانع بازدارنده متعدد است. اما هیچ گریزی از طی این مسیر نداریم و در نتیجه از هیچ مانعی نباید بهراسیم. ممکن است در شروع پیاده کردن شوراها تجربه کافی نداشته باشیم. ممکن است در طی مسیر شکست هایی نیز بخوریم. لیکن هیچ یک از این عوامل نباید ما را از تشکیل شوراهای واقعی باز دارد. مردم ما اگر بدانند شکست هم میخورند باید تلاش خستگی ناپذیر خود را برای تحقق شوراها آغاز کنند.

تحلیل ما اینستکه آنجا که صحبت از شوراهای واقعی و مردمی بوده ملت ما پشتیبانی بوده و هستند، و در برابر عدم توجه نسبت به شوراهای دولتی با اشارات راه‌های مردمی و واقعی راه پایه گذاری نهادهای مردمی را هموار خواهند کرد.

نامه مجاهدین خلق به روزنامه کیهان دربارهٔ اظهارات اخیر آقای هادوی

بقیه از صفحه ۱۲

[چنانکه بعد از تعویض هادوی در روزنامه‌ها نیز اعلام شد] برآنند که پرونده سعادتی هنوز هم تکمیل نشده، ولذا بهیچ وجه نمی‌توانسته در آن تاریخ به دادگاه برود. واگنون سعادتی هنوز هم در زندان بلاتکلیف است و آقای هادوی همچنان مانند سالهای قبل از انقلاب در نهایت سلامت و عافیت در منزل تشریف دارند. و معلوم نیست که ایشان که به آنبوه سؤالات ما و مردم دربارهٔ سعادتی هیچ پاسخی ندادند، چگونه اکنون لب باز کرده و حواب بازپرسان وقفات تحقیق خودشان را هم، به مجاهدین می‌دهند؟!

اگر گروهی افراد شریف طاقت نیاورده و درصدد شده‌اند افتضاحات مربوطه را به سمع ملت ایران برسانند، آیا اینهم گناه سعادتی و مجاهدین است؟

۳ـ آقای هادوی در نامه‌ای بسیار از انقلاب و ضدانقلاب دم میزند. تکذیبه شاه هم به غلط و از روی اشتباه سعادتی و امثال او را که حالا متهم به آقای هادوی ضدانقلاب شده‌اند) دستگیر و شکنجه می‌کرد. و انقلابیون حقیقی را نظیر جنابعالی را نیز به غلط و از روی اشتباه در غانه‌هایشان راحت گذاشته‌بود؟

بله البته حالا خیلی راحت هستوان انقلابی نمائی نمود. لیکن باید دید آنوقت که زمان مایه گذاشتن برای انقلاب بود، و آنجا که سعادتی هاتکشه می‌شدند و کمرشان می‌شکست و یا در خیابان‌ها در خون خود می‌غلطیدند، جناب‌ایشان کجا بود و چه میکرد؟!..

پاسوء استفاده از اعتماد امام، بزرگترین ضربات را به امام میزنند

۴ـ واما در مورد اینکه آقای هادوی با منسوب کردن خودشان به امام قصد دارند برکلیه ندانم کاریها و افتضاحات و خرابکاریهای گذشته شخص خودشان سرپوش بگذارند، گو اینکه دیگر این حقه‌ها دیمی شده است، ما فقط این سؤال را مطرح می‌کنیم که:

آیا این جناب شما و امثال شما نیستید که با عدم کفایت و مشارکت آگاهانه و ناآگاهانه در موضع گیری‌های ارتجاعی و حتی امپریالیستی [نظیر جریان سعادتی] در واقع از اعتماد امام سوء استفاده کرده و بزرگترین ضربات را به امام می‌زنید؟

ادعای شما این است که کسانی میخواهند با حقه به مصوبین ارجانب امام، غیرمستقیم بخود امام و انقلاب حمله کنند. این سوء تفاهم از پشتیبانی‌ای می‌شود که آنان با رضایت نفس، خود را با امام و انقلاب یک روح در دو کالبد می‌پندارند. زهی خوش بینی و بر لطفی نسبت به خود!

آیا این همان شیوهٔ طاغوتی آریامهری نیست که تاکنی صدایش در می‌آمد، ... بعنوان توهین به مقام شامخ بر دهانش می‌زدند؟

خیر آقای هادوی، حساب شما و امثال شما از حساب امام و این انقلاب و بخصوص اسلام مطلقاً جداست. اگر مسلمانید و به قرآن اعتقاد دارید، باید بدانید که حتی خدا به پیمبرش هم عتاب می‌کند که چرا دایاش را تحریم کرده، بنابراین مطلب را فروگذار بدید که خود را روح محسم انقلاب و امام فرض کرده و هرگونه عتاب و خطاب را به خودتان "فدا انقلاب" برچسب می‌زنید.

باین ترتیب، اگرچه ما در مقام اندرز دادن به شما نیستیم، لیکن ضروری‌تر می‌دانیم که این گونه پاسخگوئیها به بازپرسان تحقیق را قل از همه از توضیح راجع به خودتان و امثال کدشتهتان در مقام دادستانی شروع کنید.

همان اعمالیکه خودبهتر می‌دانید که تا چه اندازه بدرطالقانی را نیز می‌آزرد.

اظهارنظرهای پدر راجع به جنابعالی که بعضی وقتها از شدت آزردگی به طنز و طعنه بیان می‌شد و مابکرات شاهد آن بودیم، با دگی ایرعی نزدیکان و اعضاء دفتر ایشان قابل تحقیق است.

مجاهدین خلق ایران

۵۸/آبان/۶

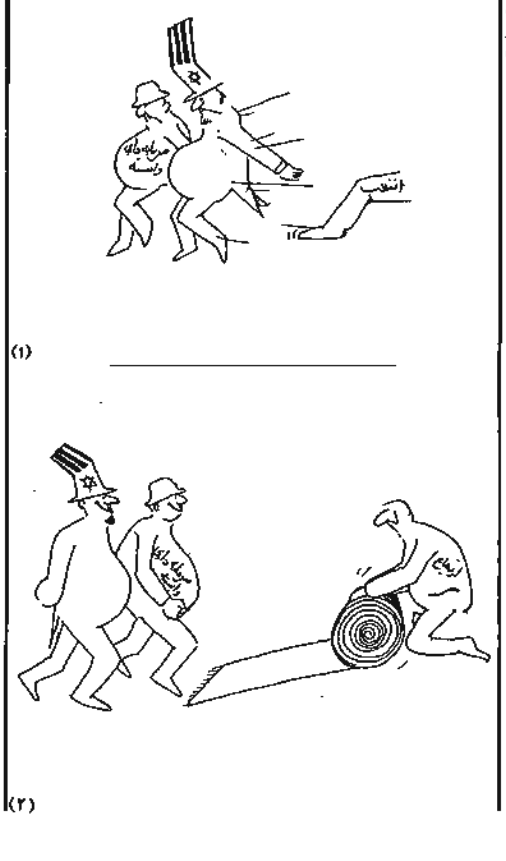

بی‌تفاوتی مردم در انتخابات شوراهای شهر نشاندهندهٔ آگاهی آنهاست

تشکیل شوراهای واقعی از ضروریات ایدئولوژیک و تداوم مبارزه ضد امپریالیستی است

در اطلاعات ۵۸/۷/۲۲ میخوانیم که وزیر کشور اعلام کرد: استقبال مردم برای شرکت در این انتخابات خوب نبود ..." و در ۵۸/۷/۲۴ حزب حاکم طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود "آنچه امیدها که در دل مردم پس از سقوط امام و ... بوجود آمده بود ... همه بر بادرفت و درمعنی نقاط به یأس تبدیل گشت ...."

اهمیت این بی‌تفاوتی و عدم استقبال مردم از انتخابات شوراها وقتی روشن میشود که به آمار مراجعه کنیم. در این مراجعه میبینیم که مردم ۹۸٪ آراء مثبت خودرا در تائید نظام جمهوری اسلامی به صندوقهای رأی ریختند، وحدود ۹۹٪ واجدین شرایط بطور فعال در فرایندم شرکت کردند. این آمار در انتخابات مجلس خبرگان به ۵۰٪ رسید، هرچند که هیچگاه مسأله اعلام نشده اما در انتخابات شوراهای شهر این آمار به حداقل ممکن سقوط کرد واز ۱۵ - ۱۰ درصد تجاوز نکرد. درحالی که شوراها بعلت اینکه بادردها و نیازهای ملموس مردم بیشتر رابطه دارد. علی‌القاعده باید مردم فعالتر برخورد میکردند.

سؤال اساسی اینجاست که چرا توده‌های مردم نسبت به مسألهٔ شوراها تا این حد غیر فعال و ازموضع نابارزی و عدم اعتماد یا مأیوسانه برخورد کردند؟ این سؤالی است که ذهن تمام افراد حساس نسبت به مسائل انقلاب، علاقمندان به خرابیهای اجتماعی و یا مسئولین امور را بخود جلب کرده است. مشها هر نیروی بستهٔ موضع اجتماعی و ماهیت خود از زاویهٔ خاصی بآن نگریسته وسعی کرده است مسأله را ارزیابی کند.

وزارت کشور که مظاهر برگزار کننده و همکاره بوده است، علت‌ان عدم شرکت فعال مردم راچنین میپندارد: "واین ناشی از عدم آگاهی مردم نسبت به نقش شوراهای شهر است ... مافرصت کافی برای تبلیغ وآگاهی‌نسبت به نقش شوراها را نداشتیم ...."

حزب حاکم مینویسد: "شوراها یک بازی سیاسی و یک امر کم اهمیت نبود که بتوان با برگزارکردن مجولانه وتسنجیده یک انتخابات وتحت‌تأثیر تبلیغات - موضعی از آن عبور کرده، وتمام ارزشهای وابسته بهآنرا با بد انجام دادن آن، وبا بد تعمیم کردن وظایف شوراها به مدتی تاریخ سپرد. ... اعمال نفوذ برخی مقامات مسئول فرماندار یها واستانداریها ووزارت کشور ورفتار غیرقانونی مستقیم و یاغیر مستقیم آنها ..."

میپنیم که هرکدام از موضعی خاص به مسأله‌مینگرند. ولی آیا براستی علت اساسی بی‌تفاوتی مردم همین‌هاست؟ آیا ناآگاهی مردم و مجولانه عمل‌کردن و نقش آن ناآگاه باشند. حتماً "موضع‌گیری مردم نسبت به‌شوراها علت اساسی وتعیین کننده" دیگری جدای از صعف تبلیغاتی و بادخالات باورین دولتی دارد. برای روشن شدن پاسخ این سؤال، و برای اصلی نکردن عوامل فرعی درموقع شناسائی این مسأله اجتماعی سیاسی بدنیست به سابقه وتاریخچهٔ شوراها بین مردم نگاهی بیندازیم.

درکمتر موسسه‌ای توده‌ها برای تحقق شوراها بپاخاسته‌اند

میدانیم که طرح شوراها درجامعهٔ اسلامی امری‌معمولی، از حقوق توده‌ها و غیر قابل تخلف است. علاوه برآن مردم ما در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی نیز براساس توصیه‌های پدر طالقانی آن را خوب جدی کرده، ودر راه پیاده کردن آن اصرار بسیارنموده‌اند. دراین دوران کوتاه، کمتر مؤسسه، کارخانه، اداره‌ای یافت شده که دران مسأله شوراها مطرح نشده وکارگران‌برای تحقق آن بپاخاسته‌باشند. اینان با مخالفت سرسخت کارفرمایان مواجه‌گشته‌اند. وستانسانه رژیم حاکم‌راهم بتوصی درمقابل خود بدون موضع حمایت از سرمایه‌داران وکارفرمایان یافته‌اند. ولی درجریان مبارزهٔ اجتماعی خود کوشیده‌اند، تاشوراهارابپاکنند. وهرگونه‌تبعیت و فشار و برچسب را هم متحمل شده‌اند: کمتر اسنانی ازاین کشور میتوان یافت که در آن مسألهٔ شوراها و واگذاری کار مردم بمردم طرح‌نشده باشد، ومردم در جهت بدست آوردن حق سیاسی و اجتماعی خود تلاش نکرده‌باشند. طبیعی نمانده که تاکنون راه حل مسأله جامعه ایران را درتشکیل شوراهای واقعی اعلام نکرده‌باشد. مردم ما گفتار پدر طالقانی را درآخرین نماز جمعاش برمزار شهدای ۱۷ شهریور فراموش نخواهند کرد: "صدها بار گفتم که مسلمتوراراساسی‌ترین مسائل اسلامی است .... مگر درسنندج کمانی شورای نیم بند تشکیل شد ضرری بجائی رسید؟ ... کوروهها وافرادی دست اندرکارو، باید اینطور تشخیص بدهند که‌اگرشورا تشکیل شود دیگر ماچه کاره هستیم .... بگذارید این مردم مسئولیت بپاکنند .... همانطوریکه‌جلوی توپ وتانک رفتند، شما این مسئولیت هارا دارید .... اینها مارا وکیل کردند، میدانند برای چه وکیل‌کردند... امیدوارم همه هشیار باشیم وفردفردما مسئولیت قبول کنیم .... گروه‌گرائی و فرصت طلبی و تحمیل‌عقیده ویا جدائی نخواسته استبداد زیر پرده دین را کنار بگذاریم وبیائیم بامردم ..... همدرد شویم.

تشکیل نهادهای شورایی در دوران قیام ویس از آن ناشی از درک مردم نسبت به شوراها بود

چگونه ممکن‌است مردمی‌که این رهنمودهای انقلابی پدرطالقانی رابارها وبارها شنیدند، این مردمی‌که درموارد

بقیه در صفحه ۱۱

دانشگاه در سیزدهم آبان میعادگاه انقلابیون جوان بود

روز ۱۳ آبان یکی ازدهها روزحماسه‌آفرین خلق قهرمان ماست. این واقعه دردوره حاکمیت‌زنرالهای فاشیست شاه اتفاق افتاد. دوره‌ای که آخرین نیروهای رهرآگیس دیکتاتوری شاه‌بسوی قلبهای پرطپش خلق‌ادا نخواهند شد.

لیکن چیزی کمابیش روزازماسیر روزهاستمایزمیکند، ترکیب‌حماسه‌آفرینان آنست. جوانان وبویژه دانش‌آموزان قهرمان که براستی فرزندان همتم خود ما بودند، درخلق‌حماسهٔ قهرمانانه این روز پرشکوهشان مبدءدار داشتند. وبی‌جهت نیست که این روز راپیمونان روزحضور فعال وزنده‌بودن انقلابیون پاکباخته‌ای بدانیم که‌عطش عشق به خلق و آزادی، تمامی بندهای اسارت آنان را پارگرد. این جوانان انقلابی با خلق قهرمانی‌های این روز ثابت کردندکه‌در شکل‌گیری آینده جنبش نقش‌بسیارمهم‌تر وحساستر امیتوانند وباید ایفاءکنند. باشد که درتحقق آرمانهاتاسک جنبش شاهدفداکاریهای هرچه بیشتر آنان باشیم.

ماضمن گرامیداشت عاطرهٔ فدا - کاریهای همرزمندگان این روز، بویژه شهدای آن، سرگذشت یکی‌ازاین‌قهرمانان شهید را که درکتاب "یادنامه رزمندگان انقلابی وشهدای دانش‌آموز" آمده، وازسوی سازمان جوانان مجاهد "ارگان جوانان سازمان مجاهدین خلق "چاپ شده، دربر میآوریم. بهامید آنکه درپاسداری ازعزیزشهدا کوشاباشیم ومسئولیت خودرا دربرابر فداکاری‌شان ادا نمائیم.

یادی از شهید دانش‌آموز سید مهدی فاطمی

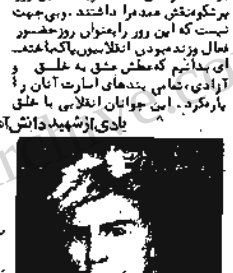

مهدی درسال ۱۳۴۰ درتبریزمتولد شد. بعداً به تهران منتقل گشت و در جریان جنبش اخیر، دانش آموز دبیرستان عدل بود. اودرمدرسه‌خود یکی ازعناصر مؤثر دربه‌حرکت آوردن سایر بچه‌هابود. درجریان ۱۷ شهریور درمیدان شهدا ودرکردوداد درگیری، به زخمی‌ها کمک می‌کرد.

۱۷ شهریور برای مهدی بسیار انگیزنده بود. بعدازسرکوب ۱۷شهریور ودرآغاز سال تحصیلی، دکرژیم انتظار داشت بچه هابه مدرسه نروندو فقط به درس ومشق‌شان برسند. مهدی و مهدی های دیگر مدارس رابپاپاگاهی برای مبارزه بارژیم تبدیل کردند.

پاپاگاهی برای هرچه گسترده کردن درگیری‌ها و مبارزه، مهدی به همراه چند تن دیگر، اعلامیه های امام خمینی وگروههای انقلابی رزندگینامهٔ انقلابیون وانگلیز می‌کرد. او دراین جهت تلاش می کرد تا مدرسه را یکپارچه به صف مبارزه بکشاند. حرکت‌مهدی دیگر حرکت احساسی نبود. اوبازی‌نمی‌کرد، بلکه باقاطعیت درتصمیم خودپیش میرفت.

ظهر سیزدهم آبان بخانه آمد و ناهارخواست. بعدازناهاربطرف دانشگاه حرکت کرد. آنروزمادرش‌میگفت واطور دیگری می‌دید. حالات‌مهدی باروزهای پیش کاملاً متفاوت شده‌بود. درعین آرامش بی‌تاب بود.

دانشگاه روزسیزدهم آبان روزمیعاد وفرار تمام انقلابیون جوان بود. روزی که "دانشگاه این سنگرآزادی" با نثار خون شهیدانی چون مهدی که خزدر طریق مبارزه ودرجنگ وگریزپایش به دانشگاه نرسیده‌بود، بارد یگرهویت واقعی خودرانشان‌داد: "شهادتگاه".

در۱۳ آبان ۱۳۵۷ درگشتاردانشگاه گلوله‌های آمریکائی سینهٔ مهدی رانیز همچون دیگر برادرانش هدف قرارداد ومهدی شهید شد.

یادش گرامی باد

نامه مجاهدین خلق:

به روزنامه کیهان در بارهٔ اظهارات اخیر آقای هادوی

آنان که خود را روح مجسم انقلاب و امام دانسته، هرگونه عتاب و خطاب بخودشان را برچسب ضد انقلاب میزنند

متن زیر درجواب اظهارات آقای هادوی به روزنامه کیهان ورونوشت آن به روزنامه‌های دیگرارسال شده‌است. این متن راهیچکدام ازآنها چاپ نکردند. (تاریخ‌دریافت‌اعلامیه)

دلیل اینراکه چراچاپ نکردند ویا اینکه تحت چه فشارهایی این چنین مصلحت دیدند نمیدانیم.

درشمارهٔ هشتم اول آبان ماه آن روزنامه، نامه‌ای ازطرف آقای هادوی دادستان انقلاب سابق و یا یک تیترسازی‌معنی‌دارا ازطرف آن روزنامه درج گردیدکه تقاضامیشود مطابق‌قانون مطبوعات مطالب زیر را درارابطه با مندرجات نامهٔ مذکور درهمان صفحات درج فرمائید.

آقای هادوی‌دادستان‌انقلاب‌سابق دراین نامه‌پس ازاشاره به مصاحبه‌شان باروزنامهٔ‌کیهان که درشمارهٔ‌بیست‌وسوم مهر ماه آن روزنامه منتشر شده از بیانه ای صحبت کردند که از طرف بازپرسان‌وقوفات‌تحقیق‌سابق‌دادسرای انقلاب "منتشرودربعضی از جرایدچاپ نشده است.

آقای دادستان انقلاب آنگاه ظاهراً درپاسخ بیانیهٔ‌مذکوردودفاع‌ازخودشان مطالبی بیان کرده‌اندکه‌قسمتی از آن (ودرواقع بخش اساسی نامه) درباره برادر مجاهد ماسید محمدرضاسعادتی واتهامات وارد شده بموی می‌باشد که‌در واقع چیزی جز تکرار همان اکاذیب روزنامه قبلی نیست، ومالازم دیدیم که در رابطه با این تشبث وبرخورد آقای هادوی نکات ذیل رانذکر دهیم.

راستی بین مطالب بیانیهٔ بازپرسان سابق ومناجرای سعادتی چه‌رابطه‌ای وجود دارد؟

اولاً برای ما روشن نشد که بین پاسخ دادن به بیانیهٔ بازپرسان سابق دادسرای انقلاب ورد اتهامات وارده به آقای هادوی‌ومناجرای سعادتی چه ارتباطی وجود دارد که دادستان سابق آنرا پیش کشیده ودر نامه‌ای اساساً" بران تاکید کرده‌است. راستی آیا بهتر نبود که آقای هادوی‌به جای این تشبث، به مطالب همان نامه (بیانیهٔ‌بازپرسان‌سابق) پرداخته و در بارهٔ اقدامات درخشانی‌که در زمان تصدی منصب دادستانی انقلاب انجام داده (که نمونه‌ای ازآنهادربیانیهٔ‌مذکور اشاره شده) توضیح دهد. آیاپرتوسود که آقای دادستان سابق باطفره رفتن از این توضیحات ضروری پیش کشیدن مسئلهٔ سعادتی ازلابوشانی اعمال‌خودو منحرف کردن افکار، خودداری‌مینمود؟ راستی بین مطالب بیانیهٔ بازپرسان سابق ومناجرای سعادتی چه رابطه‌ای وجوددارد؟ این‌برخوردسیاستمدارانه! جناب هادوی شیوهٔ‌معروف‌صرالدین شاهی "درازکردن حکیم باشی" را تداعی می‌کند کمابیش. گویادرحال‌رواج گرفتن است وهرکسی که به اصطلاح منتش بازپروشده‌اش رو شده ودرنتیجه درتنگنا افتاده وباصطلاح قافیه برایش تنگ می‌شود برای رهاشدن ازتنگنا و تطهیر خودبهای دیگران و غصوماً مجاهدین رابه میان می‌کشد وبدانها حمله می‌کند.

جناب دادستان سابق ومتهم لاحق نیزبدنبال برملاشدن‌پاره‌ای‌افشاءات که در دادسرای انقلاب‌سودوزیان‌تصدی ایشان و گاهاًبدست ایشان‌اتفاق‌افتاده باین شیوه شناخته شده‌متوسل گشته است.

۲- ثانیاً" بنظرمیرسدجناب‌هادوی بر ادامه‌دادن به نقش‌شان در بازی توطئه‌گرانه برعلیه مجاهدین که ایشان نیز خواسته یا ناخواسته درآن آلوده شده‌اند اصرارداردند. گویا ایشان هم باصطلاح مشتری بازار را دریافته‌اند ودر نظر دارند ازاین طریق یعنی ازقبل خدمت بامجاهدین وبعهده‌دارشدن نقش برعلیه این سازمان به نان‌وپولی برسندوشاید هم مجدداً‌هوای‌دادستانی انقلاب در سردارند تا شاهکارهای‌خود را تکمیل نمایند.

بالاخره برای مردم روشن نشد که این کمیته سفارت آمریکا چه صیغه‌ای بود

توجه‌جناب‌دادستان‌سابق را مجدداً به حقایقی از این شاهکارها که همان مسئلهٔ سعادتی است جلب می‌کنیم. بهتر است ایشان نیز بر مواضع و اظهاراتشان که در این زمینه‌داشتند مروری بکنند وبنگرند که چگونه ازموضع دادستانی انقلاب‌حتی‌ازدروغگوشهای وقاحت بار برعلیه سعادتی ومجاهدین خودداری ننمودند، ومالازم دیدیم‌که اینک نیز (وبعدا "درقالب‌احتمال!) به تکرار آن پرداخته‌اند.

جناب دادستان سابق بیاد بیاورند که چگونه درمراکزکمیتهٔ دستگیرکنندهٔ سعادتی یعنی کمیتهٔ ستتر درسفارت آمریکا واقدامات آن بی تفاوت بوده، به اعلام جرمهائی که علیه آن نداشتند. کمیته‌ای که هیچ مقام ومرجعی حاضرشد مسئولیت موجودیت آنرابپذیرد وسرانجام هم به آن نخو برچیده شدوبالاخره برای‌مردم روشن نشد که این کمیته سفارت آمریکا چه‌صیغه‌ای‌بود؟

آن بازجوی متخصص که‌بسیار نگران روابط ایران و آمریکا بود، چه‌شد؟

کاش آقای‌هادوی بیاد میاوردکه‌مرگزبه سؤالاتی‌که‌درباره آن‌بازجوی‌متخصص‌که سعادتی رانشکنجه وبازجوئی‌نمودپاسخی نداد. همان بازجوئی کمیسارنگران روابط ایران وآمریکابود. وبالاخره معلوم نشدکه آن بازجو که بودودرزمان طاقوت کجابود وازچه‌کسانی بازجوئی می‌کردومبدازانقلاب‌ازچه‌مسامعدت‌هائی ازطرف جناب دادستان برخوردار شده واکنون کجاست ودرحال وعمل روابط ایران وآمریکا!! دیگر به چه‌مبدئائی اشتغال دارد؟

وبازهم ای کاش آقای هادوی بیاد می‌آورد آن دادگاه گذائی راکه‌مسرانه ومحولانه برای سعادتی تشکیل داد. حال آنکه مقامات دادسرای انقلاب

بقیه در صفحه ۱۱

دشمن از تضادهای مختلف چگونه بنفع خود استفاده میکند؟"

اسنادی از توطئه های سیستم آریامهری (۳)

میکنید" بیمکانگان" نسبت به خاک وطنها چشم طمع میدوزند! می‌بینیدکه‌با چه مهارت واستادی میخواهندنه‌ا یرهدفمیدگه:

"باید مردم ایران را بماه وسیع مداخلات خارجی را (در انقلاب اسلامی) بهر نحوکه‌میکن است احساس کنندوبشناسند"!

درطرح مزبورضمناً "تذکر داده‌شده‌است‌که": "چگونگی شیوه و شیوه‌های توزیع این گونه اعلامیه‌ها بسیار اهمیت دارودرزیرا هرنوع عدم دقت و مهارت نتایج نامطلوبی رابه بارخواهد آورد".

برای آنکه مردم ورهبران را از انقلاب واز عاقبت کار سرشار نمایند طرح‌مزبوریک قدم‌بر دیگر نیز اندیشیده‌است.

باین ترتیب‌که: "ارتش شاهنشاهی‌برای حفظ استقلال ایران وباآگاهی کامل ازنتایج تزلزل رژیم، زمام کشوررا به دست خواهد گرفت. ودر صورت اضطرار همهٔ قوانین را برای حفظ امنیت در سراسر تسلط اجنبی زیر پا خواهد گذاشت حتی بنظر میرسد که ضرورت داشته باشد این سخن، مستقیماً ازدهان افسران ارتش شاهنشاهی حداقل درسطح افسرا ارشد وامیران شنیده‌شود". همسان شهیدهائی که تودل خیلی از رجال را مالی کرده بود. وعلی رغم مزم قاطع رهبرانقلاب آنها را به تبلیغ سیاست به اصطلاح گام به‌گام وبالتمامی وادا شده‌بود، که نرا به هد آ پیشنهادهای بختیار را بپذیر- بد، حرفهای ازهاری را هم بشنوید، میشید بد تصمیم‌گیر- ها، تا پشیمان نشده‌اند بگذارید معامله را جوش‌دهیم و رایس قبیل.

طرح مزبور از تضعیف خط همبستگی رژیم درمورد ایجاد تفرقه بین مخالفان هم غافل نیست والبته مثل همیشه‌کو- سیم و مذهب بیابد ایجاد مابین اختلاف و تفرقه میشود.

درحالی میگوید:

"درمحیط امروز "اتحاد" به مخالفان تعلق دارد و تفرقه" به موافقان. باید وضع معکوس شود یا متعادل گردد... باید از اختلاف نظر شدیدی که میان "روحانیت اصیل" و "کمونیستها" وجود دارد استفاده شود".

"مجموعهٔ این فعالیت ها به سود استحکام نظام پادار ایران و حفاظت تمامیت شاهنشاه آریا مهر خواهدبود".

ترساندن مردم از خطر تجزیهٔ کشور، حزب مهمترین شیوه های رژیم برای بدبین کردن توده‌ها نسبت به انقلاب بود

"برای مأیوس وسرخورده کردن مردم از انقلاب، طرح مربوررهدمودهای تبلیغاتی دیگری نیز دارد! ازجمله:

"مهمترین ومؤثرترین موضوعی که درتبلیغات دولت تیمسار ارتشبد زهاری مطرح شد این بود که میزان خسارت وارده به ملت ایران درماهای آشوب بیش از مجموعهٔ خسارات ناشی از فساد درطول سالها بوده‌است باید نمایندگان مجلس ومطبوعات وراد یوتلو- یزیون به‌اشکال مختلف و به صورت مستدل و به صورتهای عامیانه وهمه‌فهم این مسأله را مکرراً مطرح سازند تاالبته همچنین به مردم چنین باید تلقین کنند که درصورت پیر- وزی انقلاب هم باز بدبختی و گرفتاری آنها پایان نخواهد یافت" بسیاری از انقلابها درسالهای نخستین، تجربه های تلخ اندوخته‌اند. انواع آن درجهان سوم وحتی درشوروی و چین وکشورهای عربی فراوان است. سوسیالیسم نامر هیچ چیز بدست نیاورد. برنامه‌های اقتصادی لیبی نقش برآب شده است. کنگره بیستم حزب کمو- نیست شوروی فعالیتهای سی ساله شوروی را محکوم کرد. وضع مشابهی درچین بوجود آمده‌است.

باین ترتیب همچنانکه می‌بینید ما دراین طرح‌ضلیفانه- ئی نا یک توطئهٔ گسترده وجامع برای ابزوله‌کردن انقلاب با استفاده از شیوه‌های ذیل‌می- باشیم:

۱- بدبین کردن و ایجاد یأس درمردم وعناصرسیاسی نسبت به نتیجه ومافیه انقلاب

۲- ترساندن مردم از نفوذ و شرکت کمونیستها در انقلاب

۳- ترساندن مردم ازخطر تجزیه کشور و...

۴- ترساندن دولت های منطقه ازسرایت انقلاب ایران به کشورشان وواداركردن آنها و کشورهای امپریالیستی به ادامه حمایت از رژیم وکمک به وی درباره‌برگرداندن انقلاب، وبالاخره ایجاد تفرقه وتشدید تضاد دردرون جبههٔ نیروهای خلق.

اکنون نیز امپریالیزم میکوشد برای محاصره انقلاب ایران همین خط را ادامه دهد.

همچنانکه دربررسی اسناد گذشته هم‌دیدیم، مشابهت‌های بسیار میان آنچه که انجام میگرفت واسنادش هم اکنون مقابل ماست با روش‌هائی که امروز انجام می‌گیرد. و به همان قیاس می‌توانیم انگیزه‌ها و دلائلش رابفهمیم. وجودارد.

اکنون نیز امپریالیسم سعی می‌کند برای مشروی کردن ومحاصره کردن انقلاب ما همین خط را ادامه‌بدهد. امروز هم درجامعه‌ما عده‌ای از تهاجم به کشورهای دیگر و به‌خیال خودشان "مدور انقلاب" سخن میگویند. البته وقتی انقلاب ما درداخل با اینهمه‌تهدیدهای جدی‌که همه‌ دستاوردها وموجودیت آنرا اساساً تهدید کرده روبروست این خودبهتر- ین سرپوش است! والا چگونه ممکن است باعملکردهای ار- تجاعی که اکنون‌جریان دارد، به جلب مردم منطقه به این انقلاب والگوئی که ارائه‌می- دهد امیدبست. درحقیقت بهترین تبلیغ برای یک سیستم کاری است که آن سیستم برای مردمش انجام داده‌است. توان یک انقلاب درتاثیرگذاشتن‌بر سایرکشورها، دقیقاً "درارابطه با موفقیتی است‌که در میدان مبارزهٔ ضدامپریالیستی وضد ارتجاعی درداخل نصیبش شود. فیرازاین مابقی همه حرف است وشعار. همچنین ما امروز شاهد آرمیستیم‌که‌چگونه مسألهٔ حلیتها وبویژه مسألهٔ‌کردستان برانجام مورد توجه امپریا- لیزم بین المللی وبیگانگیهای ارتجاعی آن قرارگرفت. وبیک جنگ نا خواسته را دراین‌منطقه دامن زد. یا مثلاً" در مورد افغانستان‌را با هیچ نباید از عود سؤال کنیم که ادامهٔ همان خط تبلیغاتی وهمان موضعگیری که رژیم‌دست نشانده امپریالیسم سنگ پایش را گذاشته بود، به‌کجا کشیده خواهد شد؟

ترسی که امپریالیزم وارتجاع درکشورهای منطقه تبلیغ میکنند، برای متحدکردن آنها درپرابر "خطر انقلاب" است

همچنین توجه داریم که انقلاب ما خودبخود موجب درس وعبرت رژیمهای ارتجاعی و دست نشانده منطقه شده‌است اما تهدیدو احساس خطری که امپریالیزم تبلیغ میکند از یک موضع دیگر بوده، و برای متحدکردن این رژیمها درپرابر کشورش "خطر انقلاب" است. سؤالی که دراینجا مطرح می- شود این است‌که چرا عناصری درجامعهٔ ما با ترسیم یک چهرهٔ مهاجم از انقلاب ایران عملاً" همان کاری را می کنند که امپریالیسم بسیارخوشتار است.

ازعلاقمندان تقاضا میشودکه کمکهای مالی خود را برای سازمان مجاهدین خلق ایران رابه حساب جاری شماره "۱۳۰۰" بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در پیچ شمیران واریز نمایند و حواله آن رابصندوق پستی "تهران ۱۶- شماره ۶۲/۹۱۸" یا "تهران ۱۶ - شماره ۱۳/۳۴۵ ارسال‌دارید.

هفته‌نامهٔ "مجاهد"
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال اول - تکشماره ۱۵ ریال
آدرس: تهران ۱۶- صندوق پستی شماره ۶۲/۹۱۸ و یا تهران ۱۶- صندوق پستی ۱۳/۳۴۵